

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



عنوان مقاله:

واقعیت های فرهنگی – مدنی ترکان خراسان

نویسنده: محمد برزگر دِوین

«دِمیر گوجو»

Dəmir Gücü

بهار سال ۱۳۹۹

Instagram: turke_devin

Telegram: turkedevin



با تشکر از:

در اول این مقاله صلواتی نثار روح پاک پرفسور محمد جواد هیئت میکنیم که کمک بزرگی برای شناختن هویت ما انجام داد، و بنده از کتاب های ایشان برای نوشتن این مقاله کمک زیادی گرفتم و با مطالعه کردن و مطلع شدن از نحوه ی نگرش این بزرگ مرد جهان تورک مسیر روشنی را برای حفظ هویت خودم پیدا کردم. روحشون شاد

با تشکر از استاد اسماعیل سالاریان، استاد عزیزم که از اول در کنار بنده بودند و من با مطالعه ی آثارهای ارزشمند ایشان توانستم مقاله هایی درمورد هویت خودم بنویسم و مقاله هام رو منتشر کنم.

چکیده:

اصل زندگی و نفس کشیدن در این دنیا شناخت هویت است و حال با توجه به کار گیری این اصل مهم چگونه به خودباوری برسیم و ذلت و خاری را از سمت دشمن نپذیریم. شناخت هویت، سلاح بزرگی است که می تواند باعث جاودانگی یک ملت شود و همین طور باعث پیشرفت در زندگی شخصی هر فردی شود. بعد از خودباوری به شما می آموزیم چگونه با حفظ هویت اصلی خود در جامعه ای که افرادی همیشه در حال حمله کردن به زندگی و هویت اصلی شما اند مقابله کنید و اصلا این نوع کار آن ها یعنی چه و چرا امروزه هویت های غیر فارس در ایران کم رنگ شده اند و چرا فرهنگ ایرانی در جهان فرهنگ فارسی تعریف می شود.

مقدمه:

فرهنگ یک ملت از آن‌ها و از زندگی روزمره‌اش جدا نشدنی است، من برای اسم هویت‌م از نام ملت استفاده میکنم چون تورک‌ها یک ملت هستند و نه یک قوم. در واقع کلمه اقوام_قوم را شوونیس‌م فارس به خورد ما و ملیتهای دیگر در داخل ایران دادن که بگویند ما از یک قوم هستیم و شما که خودتان را تورک میدانید تورک نیستید، شما را تورک زبان کرده‌اند و یا به عرب‌ها می‌گویند شما عرب نیستید شما عرب زبان شده‌اید و به این صورت می‌خواهند به ما تحمیل کنند که ما همه از یک قوم که همان معنی قومو کیش را میدهد هستیم، در صورتی که ما از یک قوم نیستیم و از ملیتهای مختلف در داخل ایران هستیم، به عنوان مثال شاید اکراد چون زبانشان بیشتر رو به زبان فارسی است از اقوام فارس باشند و در واقع فارسی را با یک لهجه بخصوص صحبت می‌کنند و در حقیقت اقوام هستند. ولی تورک و عرب این طور نیستند. باید بگم که انسان همیشه در جایی از زندگی‌اش مرحله‌ای وجود دارد که باید به عقب برگردد تا هویت خود را نگاه کند توان تازه‌ای بگیرد و از تاریخ درس بگیرد تا هویتش را حفظ کند. هر کسی که در زندگی مدرن غرق شود نمی‌تواند با خود بگوید اصلاً هویتش را نمی‌خواهد و برگشتن به دوره‌ی قبل و بازبینی تاریخ و فرهنگش باعث عقب ماندن از زندگی‌اش می‌شود چون او زندگی مدرنی وابسته‌اش شده از تاریخ قبل خود در بخش‌هایی الگو برداری کرده است و در این میان توسط یک ذهن خلاق روش پیشرفته شده است. باید در ذهن خود این موضوع را ثبت کنیم که: هیچ مسئله‌ای و یا هیچ قطعه‌ای بدون قالب بندی شکل نمی‌گیرد. در این مقاله درباره‌ی چطور به کارگیری هویت صحبت می‌کنیم، ولی در اول باید مقاله‌ی کلیاتی درمورد ترکان خراسان را مطالعه کرد باشید و در کل به هویت خودتون پایبند باشید، حتی اگر اطلاعاتی درمورد تورک بودن خودتان ندارید ولی باز هم با زندگی کردن با هویت اصلی خودتان مشکلی ندارید و یا این که اطلاعات کاملی ندارید ولی باز هم خود را تورک میدانید. ولی افرادی که با شک و ترس پا در شناخت هویت خود می‌گذارند و بیشتر مطالب ساخته شده در فضای مجازی را قبول می‌کنند بدانند که زندگی درستی را طی نخواهند کرد، من به آن‌ها حق میدهم چون سال‌ها با آموختن آسیمیلاسیون در زندگی از شناخت اصل هویت خود جدا شده‌اند و برای خود هویت جدیدی را درست کرده‌اند. جمعی دیگری هم هستند با موج شوونیس‌م

فارس هم سو شدند و نمی خواهند کمی به اعمال و افکار خود نگاهی بیندازند و اصلاح شوند و کماکان از پذیرفتن دروغ های بزرگ کلی خوش حال می شوند و ذوق زده می شوند.

در متن بالا کلی کلمه ی شوونیسم رو بکار بردیم شاید بعضی ها معنی این کلمه را نمیفهمند که در این جا مختصرا درباره اش توضیح میدهم.

شوونیسم یا میهن شگفتی {به فرانسوی CHAUVINISME} در معنای اصلی و ابتدایی آن، یک نوع میهن پرستی افراطی و ستیزه جو، و یک ایمان کور به برتری و شکوه ملی است. با بسط معنا، شوونیسم طرفداری مفرط و غیر عقلانی به نام هر گروهی که کسی عضو آن است را شامل می شود، به خصوص هر وقت این طرفداری، همراه با کینه و بد اندیشی نسبت به گروه رقیب باشد. جینگوئیسم معادل انگلیسی این واژه فرانسوی است.

یکی از روش آسیمیلیسیون {ذوب فرهنگی} اختلاف افکنی بین ملت ها و اقوام است، برای مثال به کشور خودمان اشاره می کنم اقوام و دو ملت بزرگ در ایران زندگی می کنند که آن دو ملت که جمعیت بالایی از جمعیت ایران را تشکیل میدهند تورک ها و عرب ها هستند.

در زمان به روی کار آمدن رضا میرپنج {رضا پهلوی} انگلیس با ایده هایی که در سر داشت حرکت و عملیات خرابکارانه ی آسیمیلیسیون را در ایران اجرا کرد. این عمل انگلیس برای دو هدف بود یکی برای یک ملت خاص و دیگری برای دین، تورک ها از قدیم در خاورمیانه و مناطق دیگر و حتی قسمتی از اروپا حضور داشتن و حکومت میکردن و با این عقیده که ایران قلب آسیا است و جمعیت بالایی از آن را تورک ها تشکیل میدهند بنابراین اول خطر آن ها هستند. بعد از نام گذاری ایران یک مشکلی در این جا به وجود آمد، تاریخ نگاران پهلوی با ساخت منابع غیر واقعی این را به وجود آوردند که در ایران تورک وجود ندارد و آذربایجانی ها آذری اند و تعریف آذری را از خود به وجود آوردند و با استناد کردن به یک نظریه ناقص و غیر واقعی گفتند که آذری ها همان فارس زبانانی اند که به وسیله ی مغولان تورک زبان شده است.

این نظریه از همان اول مردود بود و باعث اختلاف افکنی بین تورک ها در ایران شدند. در بیشتر مناطق ایران تورک ها ساکن اند که همه ی آن ها دارای تاریخ غنی هستند و در آن منطقه جزو ساکنان اولیه هستند و با دادن اطلاعات غلط {آموزش هایی که در مدارس داده می شود، جو درست کردن بین اجتماع} موجب جدایی افتادن بین تورک های ایران شده اند یکی از این

روش ها که در خراسان مورد استفاده قرار گرفت این بود که: ((جَوی در بین اجتماع درست کردن که ترکان خراسان زبانشان با تورک های آذربایجان فرق میکند و ترکان خراسان اصلا زبان آن ها را نمیفهمند و یا اینکه آذربایجانی ها تورک های اصل هستند.)) در کنار این روش بر روی نوع تفکر تورک ها کار کردن و حتی به جان زبان تورکی خراسانی افتادن. یکی دیگر از این روش ها ایجاد تغییرات ملیتی _ قومی در ایران بود که باعث خرابی های فرهنگی زیادی می شد.

این مقاله با بیان مسائل هویتی دنیای امروز تخصصی است به همین خاطر قبلا ذکر کردم قبل از خواندن این مقاله باید در پایه، هویت اصلی خود را قبول داشته باشید تا بهتر بتوانید این مقاله را مطالعه کنید و به هدف برسید.

بنده به عنوان فعال فرهنگی _ مدنی تورک خراسان عقیده ام این است که ایران کشوری زیبا و بزرگی است و جمعیت بالایی دارد و دارای ملیت های مختلف و قومیت های فارس زیادی است که هر کدام از این ملیت ها و قومیت های فارسی حق زندگی کردن در ایران با داشتن حقوق مساوی را دارند.

این هم در ادامه اضافه کنم که یکی از مهم ترین این حقوق احترام گذاشتن متقابل است، شوونیسیم فارس سعی بر این دارد که همراه با عملیات های خرابکارانه ی فرهنگی بین دیگر ملیت های داخل و اقوام دیگر فارسی تفرقه بیندازد تا جنگی رخ دهد و خودش همچنان به جعل و تحریف تاریخ و فرهنگ کشور ایران ادامه دهند و همین طور از این جنگ و تفرقه لذت ببرد و بر ملت های غیر فارس حکمرانی کند، در این نقشه فقط جمعیتی که داخل ایران هستند بازیچه قرار می گیرند و اصل کار باز هم انگلیس است.

این واقعیت دارد در قسمت هایی دزدی های فرهنگی ای وجود دارد ولی برای حفظ شخصیت و فرهنگ در دام شوونیسیم فارس نیفتیم باید در ایران از ملیتی {عرب، تورک، بلوچ} و از هر قومیتی {اکراد، فارس، لُر، گیلک} نماینده ای وجود داشته باشد تا از مشکلات ملیتیش و قومی اش خبر داشته باشد و کمک کن. مسائل قومیت یا ملیت در کنار دیگر مسائل کشور مهم است و نباید کشور را در جَو ملیتی و قومیتی قرار دهیم چون این امکان وجود دارد که شوونیسیم دیگری در منطقه به وجود بیاید. احترام متقابل و درک کردن حقوق دیگران باعث آرامش و

امنیت و پیشرفت در آن کشوری که دارای ملیت های مختلف و اقوام فارسی میشود. واقعیت زندگی کردن در این جهان مهربانی و صلح است. ولی این رو باید بفهمیم از حق خود نمی توانیم بگذریم و خوش بینی بیش از حد گناه بزرگی برای هر شخص است.

پدر بر پدر مرا تورک بود

به فرزانی هر یکی گرگ بود

{نظامی گنجوی}

محتوای مقاله:

این مقاله را اگر بخواهم از لحاظ ظاهری معرفی کنم به سه قسمت تقسیم می شود، و اگر این سه قسمت را از لحاظ موضوعی بخواهم معرفی کنم عبارت اند از: (۱) توضیحاتی درباره ی زبان تورکی و تورکی خراسانی، (۲) تاریخ و جمعیت تورک های خراسان، (۳) تجزیه و تحلیل مسائل روز تورک های خراسان/ایران

قسمت اول:

توضیحاتی درباره ی زبان تورکی و تورکی خراسانی

قسمت اول این مقاله را با سخنان پرفسور گرهارد دوفر، استاد زبان های تورکی دانشگاه گوتینگن آلمان آغاز می کنم:

((از دیر باز میان ایرانیان و تورک ها روابط سیاسی _ فرهنگی تنگاتنگی وجود داشته است. اغلب ایرانیان دهنده ی فرهنگ بوده اند. نقش تعیین کننده را ابتدا سغدی ها داشتند و سپس ایرانیان. پس از این که تورک ها در سده دهم میلادی اسلام آوردند، سه قوم تورک و ایرانی و

عرب جهان یک دست و کم نظیر تمدن اسلامی را به وجود آوردند. به این ترتیب از خیلی پیش ها {تقریباً از سده نهم میلادی} واژه های تورکی به زبان فارسی راه یافته است و از این رهگذر دست آوردهای تورک های آسیای میانه قابل توجه است.

با سلجوقیان در سده یازدهم و بیشتر از سلجوقیان با صفویه در سده شانزدهم نفوذ فرهنگی تورک ها در ایران تقویت شد. باید توجه داشت سرزمین آذربایجان شمالی برای مدت طولانی قسمتی از ایران بوده است. احتمالاً در آن زمان تقریباً نیمی از جمعیت ایران را تورک ها تشکیل می داده اند.

زبان جمعیت تورک های ایران امروزه تقریباً فقط زبان گروه زبانی اوغوز است. آذربایجانی ها، قشقایی ها، تورک های خراسان و غیره پیش ترها حتی از عناصر زبان ترکی شرقی {خویشاوند، اوزبکی، اویغوری} آسیای مرکزی در ایران وجود داشته است. منوچهری درست در بیت معروف خود به این نکته اشاره می کند:

به راه ترکی ما نا که خوب تر گویی

تو شعر ترکی برخوان مرا و شعر غزی

از بقایای جمعیت تورک های غیر اوغوز عده ای در حوالی شهر مقدس قم زندگی می کنند که **خلج** نامیده می شوند، که در سده ی چهاردهم میلادی به این حوالی آمده اند. هم زیستی پر ثمر ایرانیان با تورک ها که قرن ها ادامه دارد، فولکلور یک دستی را به وجود آورده است که در نکات زیادی با فولکلور آسیای صغیر متفاوت است. تشخیص تورک های ایران از تورک های تورکیه ساده است. زیرا تورک های ایران شدیداً تحت تأثیر فرهنگ ایرانی هستند و همین اثر سبب پیدایش نوعی مشخص از فرهنگ تورکی گردیده است. پیش از انقلاب ایران تحقیق و بررسی درباره زبان و فرهنگ تورکی در ایران با دشواری بسیار انجام پذیر بود، فقط شانس به راقم سطور یاری کرد توانست در آن زمان به ضبط پاره هایی از زبان تورکی موفق شود و راقم خوش حال است که اکنون همکار گرامی و پر مایه آقای دکتر جواد هیئت امکان یافته است که به تحقیقات و بررسی های زیادی در زمینه تورکی دست یافته است. با خوش حالی برای تحقیقات دکتر هیئت آرزوی امکان ادامه کار می کنم و امیدوارم که همکاری های دیرینه ایران و آلمانی در

این زمینه از دیر باز نتایج خوش باری برای هر دو ملت و تمدن بشریت داشته است ادامه
یابد.)) {۱}

اگر بخواهم تعریف کلی ای در مورد زبان تورکی بدهم باید در اول توضیح دهم که زبان اولین
وسیله ی ارتباطی انسان ها است، و وظیفه ی اصلی آن برقراری ارتباط کلامی است. اما وظیفه
فرعی دیگری را نیز بر دوش می کشد که بعضا مهمتر از وظیفه اول می باشد و آن تشکیل یکی از
پایه های هویت ملی و شخصیت فرهنگی اقوام بشری است. در هر زبانی معمولا یک زبان مادر
وجود دارد که شاخه هایی به نام لهجه از آن انشعاب یافته است. یادگیری زبان مادری بر همه
گویندگان آن زبان فرض مسلم می باشد. چرا که بدون آن پایه های هویت و شخصیت فرهنگی
افراد و به تبع آن جامعه به طور ناقص شکل میگیرد.

برای فهمیدن تاریخ و فرهنگ هر ملت یا قومی پیش از هر چیزی می بایست زبان آن ها را
دانست اما منابع مکتوب در قبل از انقلاب در ایران دست مایه تحریف قرار گرفته است. باید یک
واقعیت را در مورد زبان و تاریخ تورک ها بیان کرد. زمانی که تورک ها کشور ها را پشت سر هم
فتح می کردن و در آن جا حکومت سلاطین تورک تشکیل دادند، نفوذ اقوام مغلوب به تورکهای
غالب آنقدر زیاد بود که زبان ادبی، به خصوص در نثر زبان مغلوبان بود نه زبان غالبان.

در خان نشینهای {خانات} بخارا {یکی از سه ناحیه خان نشینی که به وسیله ی ازبکان تاسیس
شده است.} جز در موارد استثنایی زبان رسمی و زبان رایج در حوزه ی اقتصادی و اجتماعی زبان
فارسی بوده است. بر عکس این ناحیه، در خان نشینهای خیره زبان تورکی آسیای میانه متداول
بوده است، در خان نشینان خجند به زبان تورکی می نوشته اند، اما در بسیاری از موارد زبان
فارسی هم در نوشته ها به کار رفته است. {۲}

از جمله نادرترین آثار تاریخی باقیمانده از اقوام تورک، که برای تورک شناسان و مورخان تاریخ
ترکان اهمیتی یکسان دارد، در درجه اول باید از قدیمی ترین اثر تاریخ باقیمانده به زبان تورکی
یاد کرد که همان کتیبه های اُرخون است.

این کتیبه از قرن هشتم میلادی باقیمانده و در نیمه ی دوم قرن نوزدهم یافت شده و راز و رمز
زبان و خط آن کشف شده است و خوانده شده است. {۳} نوشته های کتیبه ی اُرخون فقط درباره
یک دوره پنجاه ساله {۶۸۰-۸۳۰م} است که طی آن تورک ها خاوری تحت سلطه امپراتوری

چین قرار گرفتند. در این کتیبه همچنین سخن از باز یافتن استقلال این ترکان تحت رهبری خانهای جدیدی رفته است که برای دورانی کوتاه حتی موفق به مغلوب کردن برادران شرقی خود شده اند. {۴}

حالا می خواهیم برای روشن تر شدن تعریف زبان تورکی به این موضوع به طور تخصصی نگاه کنیم. زبان یا به قول ملت تورک دیل {Dil} یک پدیده طبیعی است و به عنوان ابزاری برای تبادل فکر و احساس زبان پایه و اساس فرهنگ و تفکر بشر است بطوریکه، انسان اول زبان را یاد می گیرد و بعد در همان زبان فکر میکند و به وسیله ی همان زبان افکار و علوم خود را به نسل های بعد منتقل و هدیه می دهد.

زبان نمایانگر تفکر افرادی است که به آن زبان تکلم و فکر می کنند و در هر زبان، هر کلمه برای خود یک کتاب تاریخ است که اگر آن را بشکافیم خواهیم دید که چرا اصلا یک کلمه متولد شده و اعتقاد افرادی که این کلمه را خلق کرده اند چه بوده و بسیاری از اومور دیگر. زبان مانند موجود زنده ای دارای تکامل و پویایی است و از ابتدایی ترین صداها شروع شده و به هجا و کلمه ها تبدیل می شود و در طول قرن ها اندک اندک ساختار خود را تکمیل می نماید و این موضوع بدیهی است که هر چه عمر یک زبان بیشتر باشد توانمندتر است. برای یادگیری هر زبان باید چهار مرحله را پشت سر گذاشت: اولین مرحله در یادگیری هر زبانی شنیدن آن است، بطوریکه یک کودک چندین ماه و حتی چندین سال گوش می کند و آنگاه به مرحله بعدی میرود و حرف میزند. او در اوایل این مرحله شروع به گفتن آواهایی میکند تا بدانجا می رسد که خوب صحبت میکند و این زبان است که مغز و نگرش او به دنیا را شکل میدهد.

چامسکی {N.Chomsky} زبان شناس معروف معاصر {از انستیتوی تکنولوژی ماساچوستس} معتقد است بنیاد و شالوده زبان ذاتی ذهن است که از راه تکامل در طول قرن ها حاصل شده است و کودک با آن متولد می شود و تجربه زبانی او در حکم رو بنایی است که روی این شالوده ذاتی ساخته می شود. {۵}

به عقیده او هر زبان از یک رو ساخت و یک ژرف ساخت تشکیل شده است. رو ساخت زبان ها به اشکال مختلف ظاهر می شوند ولی ژرف ساخت آن ها که منعکس کننده ساختمان بدنی و ذهنی موجود انسان است تقریباً همه ی زبان ها یکسان اند. مثلاً، یکی از وجوه اشتراک زبانها تجزیه

پذیری آن‌ها در چهارچوب {تجزیه دوگانه} است. هر زبانی در وهله نخست به کلمات یا به زبان فنی به واژگ‌ها {مورفم‌ها} و در مرحله دوم به واحدهای صوتی {فونم} تجزیه می‌شود. همه آنها دارای صامت و صائت هستند و تعداد آن‌ها دارای ویژگی‌های صوتی محدودی است که خصوصیات تمایز دهنده گفته می‌شود. این خصوصیات مشترک تصادفی نیست بلکه نتیجه ساختمان زیستی انسان است. بعلاوه زبان آموزی کودک متکی به هوش و تعلیم نیست. کودک در شرایط عادی تا سن چهارده سالگی هسته اصلی زبان مادری را می‌آموزد. بعلاوه بین رشد جسمانی و رشد زبانی کودک پیوند محکمی وجود دارد و اگر کودک تا ۱۲ سالگی دور از انسان‌ها قرار بگیرد دیگر نمی‌تواند زبان باز کند.

به عقیده چامسکی، دستور زبان عبارت از مجموعه قواعد محدودی که به وسیله‌ی آن قادر به ساختن جملات نامحدود در آن زبان می‌شویم و تسلط به یک زبان، بدست آوردن این قواعد و در نتیجه یک فعالیت خلاقانه است، نه دانشی که صرفاً نتیجه از بر کردن اقلام زبانی بشمار باشد. {۶} به این دستور زایشی {Generative} گفته می‌شود.

حال کمی از نگاه تخصصی به زبان فاصله میگیریم و بحث رو در مورد زبان تورکی ادامه میدهیم، در بین اقوام تورک برای نامیدن هر زبانی از پسوند {جه} یا {جا} به نام آن ملت اضافه می‌شود. مثلاً به زبان ملت تورک، تورکجه و به زبان ملت فرانسوی، فرانسیزجا و... گفته می‌شد.

طبق آمار قبل جنگ جهانی دوم در دنیا ۲۷۹۶ زبان وجود داشته است {غیر از لهجه‌ها}. در این آمار تعداد زبان‌های هندی و اروپایی ۱۳۲، حامی _ سامی ۴۶، آلتائی ۳۴، اورال _ فین _ اوغوز ۳۲، چین _ تبت ۱۱۵، آمریکا شمالی ۳۵۱، مکزیکی و آمریکا مرکزی ۹۶، آمریکا جنوبی ۷۸۳ می‌باشد. {۷}

کلمه آلتائی به معنی آلتین داغلاری {کوه‌های طلایی} است. زبان‌های آلتایی عبارت‌اند از تورکی _ مغولی _ تونقوز و قدیمیترین آثار زبان آلتایی در تونقوز موجود است. بعد از آن مغولی و بعد تورکی تشکیل شده است. بعضی‌ها زبان کره را هم جزء این گروه می‌دانند به عقیده‌ی منگس {۸} زبان‌های آلتایی به علت قرابت با زبان‌های اورالی از طرفی با زبان‌های هند و اروپایی و از طرف دیگر با زبانهای آسیای قدیم {پالئو _ سیبرین} ارتباط دارد.

پدرسن {H.Pedersen} همه ی این زبان ها را از یک گروه میداند و آن ها را زبان های یعنی زبان ما را از نژاد سفید می داند، ولی اغلب مؤلفین این نظریه را قبول ندارند.

به نظر می رسد که کلمه ی ترکی یا ترک {تورک} از فعل {توره مک} به معنی تولید مثل مشتق شده و به معنی قوت نیز آمده است. در تاریخ از قدیم الایام اقوام تورک موفق به تشکیل دولت گردیده اند، لکن این دولت ها به نام های خاص قبایل خوانده می شدند و اولین دولت به نام تورک در قرن ششم میلادی (۵۵۲) در سرزمین مغولستان کنونی از طرف گوک تورک ها تشکیل شد و بعد از آن این نام به ملت تعلق گرفت.

این دولت در قرن هشتم میلادی به دست ترکان اویغور منقرض شد. اویغورها هم بعد از یکصدسال به وسیله ی ترکان قیرقیز از این ناحیه رانده شدند و از سال ۹۲۵ مغول ها به این منطقه آمدند و ترکان قیرقیز را وادار به مهاجرت کردند. {۹} چنانکه اشاره شد اقوام تورک آسیای میانه قبل از اسلام به نام های قومی اوغوز، پچه نک، قبچاق، خلج و امثال آن ها نامیده می شدند.

یکی از این قبيله ها هم تورک نامیده می شد، بعد از این که این اقوام مسلمان شدند و وارد ایران امروزی شدند به همه ی آن ها تورک گفته شد. شباهت و خویشی زبان ها از دو نظر بررسی می شود: (۱) منشأ زبان ها، (۲) ساختمان و مورفولوژی با شکل خارجی زبان ها. حال در اول کار می خواهیم با هم جایگاه زبان تورکی را بدانیم و آن را با سایر زبان ها بررسی کنیم.

کلیه اطلاعاتی که در طی بحث مان استفاده می کنیم از مؤسسه ائی، ام، تی وی آ، ام، تی {E.M.TVA.M.T} که در اروپا و آمریکا واقع شده و تحت مدیریت بر جسته ترین زبان شناسان اداره می شود، گرفته شده است و همه ساله گزارش های زیادی را درباره ی زبان ها منتشر می کنند و کلیه ی استانداردهای زبان شناسی از این ادارات که دولتی اند، اعلام می شوند. به اطلاعات استخراجی از این مؤسسات توجه کنید:

۱_ ۱۹ درصد زبان انگلیسی از زبان تورکی گرفته شده است.

۲_ ۹۲ درصد کلمات فارسی از زبان عربی و تورکی گرفته شده است و مابقی بدون هیچ فرمولی تولید شده اند.

۳_ ۲درصد کلمات تورکی از ایتالیایی، فرانسوی و انگلیسی گرفته شده است.

۴_ در هیچ یک از زبان های بین المللی لغتی از زبان فارسی وجود ندارد.

۵_ ۳۹درصد کلمات ایتالیایی، ۱۷درصد کلمات آلمانی، ۹درصد کلمات فرانسوی از زبان تورکی گرفته شده است.

۶_ ۱۰۰درصد کلمات تورکی ریشه ی اصلی دارند.

۷_ ۱۰۰درصد کلمات انگلیسی، آلمانی، فرانسوی و تورکی دارای عمق ریخت شناسی هستند.

۸_ ۸۳درصد کلمات انگلیسی ریشه اصلی دارند.

۹_ جملات تورکی ۲ درصد ابهام جمله ای ایجاد می کنند. {یعنی اگر یک خارجی زبان تورکی از روی کتاب یاد بگیرد، پس از ورود به یک کشور تورک مشکلی نخواهد داشت.}

۱۰_ جملات انگلیسی نیم درصد و جملات فرانسوی تقریباً ۱ درصد ابهام تولید می کنند.

۱۱_ جملات فارسی ۶۷درصد ابهام تولید می کنند. {یعنی یک خارجی که فارسی را یاد گرفته است، به سختی می تواند در ایران صحبت کند و یا جملات فارسی را درک کند مگر آنکه مدت زیادی در همان جامعه مانده و به صورت تجربی یاد بگیرد.} که این برای یک زبان ضعف نسبتاً بزرگی است.

۱۲_ جملات عربی ۸ تا ۹ درصد ابهام تولید میکنند.

۱۳_ معکوس پذیری {ترجمه کامپیوتری} کلیه ی زبان ها به جزء زبان های عربی و فارسی امکان پذیر بوده و برای عربی خطای موردی ۴۵ درصد و برای فارسی ۱۰۰ درصد است. {یعنی زبان فارسی را نمی توان با فرمول های زبان شناسی به زبان دیگری تبدیل کرد.}

۱۴_ زبان تورکی را شاهکار زبان معرفی کرده اند که برای ساخت آن از فرمول های بسیار پیچیده ای استفاده شده است. هم اینک زبان تورکی در بیشتر پروژه های بین المللی جا باز کرده است.

همه ی این مطالب نشان دهنده ی استاندارد بودن و بین المللی شدن و اهمیت ژئوپولیتیکی زبان تورکی است. این مطالب فقط برای یادآوری قدرت زبان تورکی است و زبان های دیگر مورد

احترام اند، باید اضافه کنم زبان فارسی رتبه ی ۲۶۱ را به خود اختصاص داده است آن هم نه به عنوان زبان بلکه به عنوان لهجه که این زبان را با ساختاری که بتوان جمله سازی مفهومی ایجاد کند، شناخته اند و اگر روی این مسئله کار جدی ای شود، در یادگیری مثلاً زبان انگلیسی، تورکی یا فرانسوی مشکل عمده ای ایجاد کرده و می کند و می بینیم که فارس زبانان برای یادگیری زبان انگلیسی با مشکل عمده ای مواجه اند، ولی تورک ها با مشکل یادگیری و تلفظ مواجه نیستند و این مسئله به رفتارهای مغز انسان بر می گردد که خود دارای بحث های دامنه واری است و اینکه بسیاری از جملات فارسی بر اساس عادت شکل گرفته اند نه بر اساس فرمول ساخت و با این وضعیت فرمول پذیری آن امکان ندارد.

زبان فارسی را باید به عنوان زبان رسمی کشور استفاده کنیم و بدانیم در ایران ملیت ها و اقوام زیادی زندگی می کنند که دارای زبان یا گویش های متفاوتی اند و نیاز است تا در ادارات کشور با هم ارتباط برقرار کنند و باید یک زبان برای از بین بردن این مشکل وجود داشته باشد و حالا جدا از این که در دوران دیکتاتوری پهلوی اول تمام زبان ها کنار گذاشته شد و زبان فارسی را به تمام کسانی که در ایران زندگی می کردند تحمیل کردند و حال باید در خانه و یا محل کار خود به زبان مادری خود صحبت کنیم که در دوران سیاه دیکتاتوری پهلوی حتی دست به نابودی قومیت ها زدند تا کار به جایی رسید که وقتی کسی در جمعی به زبان عربی حرف میزد دیگران به او می خندیدند و او را وحشی خطاب می کردن و همین کار را در قبال تورک ها به کار می بردن.

به مطالب زیر که برگرفته از مجله ی {New.Science} چاپ آمریکا و مجله {LanguagesInternational} که چاپ آلمان است، توجه نمایید:

۱_ کلیه ی ماهواره های هواشناسی و نظامی اطلاعات خود را به زبان های انگلیسی، فرانسوی، تورکی به پایگاه های زمینی ارسال می کنند.

۲_ پیچیده ترین سیستم عامل کامپیوتری OS2/8 و معمولی ترین Windows زبان تورکی را به عنوان استاندارد پایه ی فنوتیکی قرار داده اند.

۳_ کلیه ی اطلاعات ارسالی از رادارهای جهان به ۳ زبان انگلیسی، فرانسوی، تورکی علایم پخش می کنند.

۴_ کلیه ی سیستم های ایونیک و الکترونیکی هواپیماهای تجاری از سال ۱۹۹۶ به زبان انگلیسی، فرانسوی، تورکی در کارخانه بوئینگ آمریکا مجهز می شوند.

۵_ کلیه سیستم ها و سامانه های جنگنده ی قرن ۲۱ "جی اس اف" که در اولین قدم برای ساخت به تعداد هفت هزار فروند از آن تولید شد به دو زبان انگلیسی و تورکی طراحی شده.

حال با توجه به اطلاعاتی که ذکر کردم می توان فهمید چرا باید: (۱) تورکی به عنوان سومین زبان قانون مند و توانمند دنیا است. (۲) پارسی را با ۶۰ میلیون متکلم پاس بداریم و تورکی را با ۳۶۰ میلیون متکلم ترک بکنیم. (۳) پارسی را که ۷ درصد از کلماتش ریشه دارند را پاس بداریم و تورکی را که ۱۰۰ درصد کلماتش ریشه دارد است را ترک کنیم. (۴) پارسی را با ۶ آوا پاس بداریم و تورکی را با ۹ آوا {کاملترین آواهای خلقت} ترک کنیم. (۵) پارسی را به خاطر عدم کارایی کامپیوتری پاس بداریم و تورکی را به عنوان استاندارد پایه فونتیکی و بندوز ترک کنیم و ده ها دلیل دیگر از بزرگی و پرشکوهی زبان تورکی فرار کنیم و زبان دیگری که به ما ارتباطی ندارد را در محل سکونت خود جای دهیم و با بستن چشم هایمان آن را با ذوقی فراوان به کودکان دل بندمان آموزش دهیم.

جدا از هر مقایسه کردن به روش افراطی این را به صراحت بیان می کنم زبان تورکی خود را می تواند حفظ کند و این پارسی است که باید دست در دست هم آن را پاس بداریم چرا که با کوچکترین وزش باد و کم ترین غفلتی برای همیشه آن را از دست خواهیم داد. واقعا چرا این قدر در قبال زبان مادری مان {زبان تورکی} این قدر کم لطفی می کنیم؟!؟

آیا میدانستید آموزش زبان تورکی به کودکان به دلیل تک هجایی بودن اغلب افعال آن کار آسانی است؟ و کودکان در زمان کم تری مرحله زبان گشایی را طی می کنند و می تواند با دنیای بیرون ارتباط برقرار کند؟ همچنین ذهن کودک کدهای کلمات و معنی را به راحتی در ذهن ذخیره می کند و برنامه ریزی می کند، یعنی برنامه ریزی مغز آسان تر می شود. مثلا برای گفتن فعل "بازکن" خیلی راحت کودک فعل تک هجایی "اچ" aç را به کار می برد یا برای فعل "بنداز" "آت" at.

یا به جای گفتن "destroy" خیلی راحت می توان فعل "سؤک" sök را به کار برد. پس به خاطر کودکان مان، آن ها را از آموزش و سخن گفتن به زبان مادری محروم نکنیم، از ابتدا با زبان مادری

خود آن ها را پرورش دهیم. میدانید خیلی ها حسرت یادگیری زبان تورکی را دارند ولی کودکان خود را از این نعمت اولیه و بدیهی محروم می کنند. یادمان باشد کودکان مان همراه آموزش زبان مادری راحت تر دیگر زبان های بزرگ جهان را می آموزند، فارسی صحبت کردن با کلاسی محسوب نمی شود.

بعد از این همه توضیحات درباره زبان تورکی می خواهیم در مورد منشأ زبان تورکی اطلاعات مهمی کسب کنیم. زبان تورکی از لحاظ نسبی و تباری جزو زبان های اورال _ آلتائی و یا به بیان صحیح تر، از گروه زبان های آلتائی است. زبان های اورال _ آلتائیک به مجموعه زبان هایی گفته می شود که مردمان متکلم به آنها از منطقه بین کوه های اورال آلتای {در شمال ترکستان} برخاسته اند و هر گروه در زمان های مختلف به نقاط مختلف مهاجرت کرده اند.

این گروه زبان ها شامل زبان های : فنلاند، مجارستان {اورالیک} و زبان های تورکی، مغولی، منچووتونقوز {زبان های آلتائیک} است. {۱۰} مؤسس این نظریه و مکتب یک افسر سوئدی است به نام استرالنبرگ {Stralenberg} که در ۱۷۰۹ در جنگ پولتاوا به اسارت روس ها درآمد و به سبیری تبعید شد و مدت ۱۳ سال در آنجا زبان های اقوام سیبیریا بررسی کرد. استرالنبرگ ۳۲ زبان و لهجه و شیوه های مختلف آن ها را جمع آوری کرد و همه را زبان های تاتار نامید و به شش گروه تقسیم کرد:

(۱) فین _ اوغوز: شامل زبان های فلاندی و مجارستانی و چند زبان دیگر.

(۲) تورک _ تاتار: شامل تورکی، یاقوتی و زبان چوواش.

(۳) ساموید

(۴) مغولی _ منچوئی

(۵) تونقوز

(۶) زبان مردم بین دریای سیاه و بحر خزر

صد سال بعد، راسک، زبان شناس دانمارکی، و مارکس مولر کار استرالنبرگ را از سر گرفتند.

راسک با اضافه کردن بعضی از زبان های دیگر، این مجموعه را زبان های اسکیت نامید و مولر آن ها را تورانی خواند. کلمه توران سابقه ی تاریخی دارد و ایرانی های قدیم به مردمانی که تابع آنها نبودند تورانی می گفتند. بعد وینکلر، زبان شناس آلمانی، زبان ژاپونی را به خاطر شباهت لغات آن و همچنین زبان سومری و اکدی {Akkad} را نیز جزو زبان های اورال _ آلتائیک پذیرفت.

در قرن ۱۹ کاسترن {Castren} فنلاندی زندگی خود را وقف تحقیقات در این زبان ها کرد و سفرهایی به این مناطق داشت و بالاخره به این نتیجه رسید که زبان اورال _ آلتائیک را باید به پنج گروه تقسیم کرد و بهتر است به آن ها زبان های آلتائیک گفته شود:

- I. فین _ اوغوز
- II. ساموید {Samoyed}
- III. تورک _ تاتار
- IV. مغول
- V. تونقوز و شیوه های آن.

بعد از کاسترن، اسکات {Sckott} به بررسی مقایسه ای این زبان ها پرداخت و این زبان ها را به دو گروه مادر اورالیک و آلتائیک تقسیم کرد، و برای زبان ها گروه فین _ اوغوز و ساموید نام چود، و برای گروه دیگر {تورک _ تاتار} نام تاتار را مناسب دانست.

گروه ساموید شامل زبان مردمان ساحل دریای منجمد شمالی است که به لحاظ شباهت کلی و لغوی جزو گروه فین _ اوغوز قرار گرفته است. در گروه تورکی زبان و لهجه و شیوه های مختلف قرار دارد که مهمترین آن ها عبارتند از زبان:

- (۱) یاقوت ها
- (۲) چوواش ها
- (۳) قیرقیزها
- (۴) قازاق ها
- (۵) ترکان ترکستان شرقی یا اویغور
- (۶) ازبکها
- (۷) تورکمن ها

۸) ترکان غازان _ باشقرد

۹) ترکان شمال قفقاز {توموق، توقای}

۱۰) ترکان غرب: تورکی ترکیه، آذربایجان، عراق و سوریه

۱۱) ترکان کریمه

۱۲) ترکان بالکان

۱۳) قاقاووزها یا گوک اوغوزها {ترکان مسیحی رومانی}

۱۴) ترکان آلتای

۱۵) ترکان خاکاس _ آباقان

۱۶) ترکان سویون یا تووا

در میان زبان و لهجه های مختلف تورکی فقط زبان یاقوت و چوواش با دیگران تفاوت فاحش دارند به طوری که قابل فهم برای سایرین نیستند. زبان چوواش زبان ترکان اطراف رود ولگا یا ایدیل { به معنی نهر } است و بقایای زبان بلغاری های قدیم و محتملا ترکان خزر را تشکیل می دهد. بلغارها و خزرها با هونها به نواحی ولگا { در قرن هفتم میلادی } مهاجرت کرده اند. در زبان چوواش و یاقوت { ی } تورکی تبدیل به { س } می شود { بارتولد }. به نظر می رسد بلغارهای دانوب نیز از اختلاط با اسلاوها به وجود آمده اند و زبان اسلاو هم به علت قبول مسیحیت حاکم شده باشد.

در مورد اسامی زبان و لهجه و شیوه، زبان شناسان با هم اختلاف دارند به طوری که عده ای از زبان شناسان اروپا به ویژه شوروی، هر یک از لهجه های تورکی را یک زبان مستقل تورکی می دانند و حتی در شوروی، از زمان استالین، به علل سیاسی نام اصلی آن ها یعنی تورک را حذف کرده اند و آن ها را با صفت مشخصه یا لهجه نامگذاری می کنند مثلا به جای تورکی اوزبکی، زبان اوزبکی و به جای تورکی آذربایجانی زبان آذری می گویند، در صورتی که عده ای دیگر از زبان شناسان غرب، و به خصوص ترکیه، همه را { جزء یاقوت و چوواش } لهجه و یا شیوه های مختلف یک زبان می دانند، به نظر ما لهجه ها و شیوه هایی که برای

یکدیگر قابل فهمند یک زبان محسوب می شوند ولی در عین حال بسیاری از این لهجه های تورکی در طول تاریخ در مناطق تحت شرایط مختلف تکامل پذیرفته و با ادبیات و فرهنگ خاص خود استقلال یافته اند_ مانند تورکی آذربایجانی و آناتولی. {۱۱}

زبان شناسان ترکیه در مواردی که اختلاف در صداها {فونم} است، گویش {آغیز} و در صورتیکه هم در صداها و هم در شکل کلمات باشد، شیوه و اگر غیر از صدا و شکل کلمات خود کلمات هم تغییر یافته باشد لهجه می گویند. {۱۲}

در این قسمت از مقاله می خواهیم به مغز خود کمی استراحت دهید و به خاطر همین کمی روی اصطلاحات تورکی که بسیار پر کاربرد است صحبت می کنیم. اصطلاح {ساق اول} معادل فارسی ندارد و به معانی مختلف به کار میرود از جمله آفرین، تشکر می کنم، درست باش، تعجب و گله مندی، دست مریزاد، احسنت، زنده باشی...

در ابیات زیر می توان این معانی را استنباط کرد.

خدا یا دستگیرم کن که گویم من ترا ساغ اول خدایا
به دست و هم زبان و چشم و پا هر یک جداساغ اول خدایا
دلی دادی به ما و خون فشان کردی به تن جان داده بر کل
ز تنها جان چه زینت گر شده دار البقا ساغ اول خدایا
همه در آب وحدت غوطه ور بیرون نبد زین یک دو عنصر
چه خلقت ها که نموده از این بی دست و پا ساغ اول خدایا
چگونه من توانم پی برم بر رازها ضد و نقیضند
چه پیوندی ز عشقی برزده بر ضدها ساغ اول خدایا
کجا شکر تو و این گفت من الکن زبان در یاد نعمت
به هر دم بازدم نتوانم این حقیقت ادا ساغ اول خدایا
همه جای فلک شد سجده گاهت سر فرود آورده دیدم
فلک خود سر فرود آورده بر تکبیر ما ساغ اول خدایا
دم از حیرانی آخر زد در این بازار کان آشفته باشد
در این آشفته بازاریت عجب نظمی خدا ساغ اول خدایا

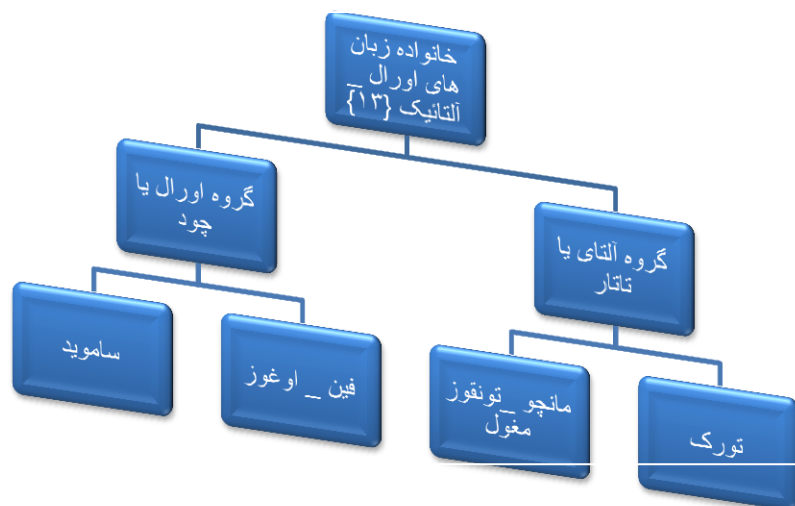
درین سو {ارچه ای} دیده دو چشم و دو کمان ز ابرو و دو مو

یگانه گفته ای و بسته او را بر دو تا ساغ اول خدایا

اگر بخواهیم به طور کلی به زبان نگاه کنیم، دوباره تاکید میکنم برای یادگیری هر زبان باید چهار مرحله را پشت سر گذاشت: اولین مرحله در یادگیری هر زبانی شنیدن آن است، بطوریکه یک کودک چندین ماه و حتی چندین سال گوش می کند و آنگاه به مرحله بعدی میرود و حرف میزند. او در اوایل این مرحله شروع به گفتن آواهایی میکند تا بدانجا می رسد که خوب صحبت میکند و این زبان است که مغز و نگرش او به دنیا را شکل میدهد. پس از آن نوبت آموختن است، کودک پس از صحبت کردن به زبان مادری، شروع به آموختن شکل نوشتاری زبان {الفبا} می کند و بعد از آموختن مقدمات زبان مادری و قوانین آن شروع به نوشتن تفکراتی می کند که در درون او لانه کرده اند و از این جا است که انتقال فکر به صورت شکل مادی فرهنگ و تمدن شروع می شود. اصولاً زبان هایی از بین خواهند رفت که یکی از این چهار مرحله را نداشته باشند.

نتیجه این که، طبق تعریف سازمان یونسکو فرد باسواد کسی است که بتواند به زبان مادری خود خوب حرف بزند و آن را خوب بخواند و خوب بنویسد، حال نوبت ما است که فکر کنیم آیا ما با سواد هستیم یا نه!!؟

اگر باز به طرف زبان تورکی برگردیم به نظر رامستد، تا ششصد سال قبل از میلاد بین زبان های تورکی و مغولی اختلاف چندانی هم وجود نداشته است. در اوایل قرن بیستم هومل {F.HOM.MAL} با مقایسه ی لغات سومری و تورکی آن ها را از یک ریشه محسوب و زبان سومری را هم جزو گروه آلتائیک دانسته است. در حال حاضر عده ای از زبان شناسان جهان، مانند رامستد و پلیوت {PELLIOT} و پوپ {POPPE} طرفداران نظریه قرابت و خویشاوندی زبان های آلتائیک هستند. عده ای هم مانند نمت {NEMETH} تورک شناس مجار و جرار کلوزن {CERARD CHAUSEN} تورک شناس معروف انگلیسی و دورفر {DOERFER} زبان شناس آلمانی، این نظریه را قبول ندارد. به نظر جرارد کلوزن در زبان های آلتائی لغات مشترک وجود ندارد. کلماتی که در تورکی و مغولی مشترک و منشابه به نظر می رسند، کلماتی اند که از تورکی وارد مغولی شده اند.



در این مقاله و در این بخش فقط قصد شناساندن بهتر زبان تورکی را داشتیم و از همین جا اعلام می کنیم که با هر گونه افراطی گری و متن های متوهمانه و افسانه پردازی موافق نیستیم و شدیداً این کارها را محکوم میکنم. در این بخش درباره ی مقایسه ی زبان فارسی با زبان تورکی بحث می کنیم.

زبان فارسی جزء زبان های تحلیلی می باشد، زبان تحلیلی به زبانی گویند که وقتی مصدر کلمه ای را به حالت های امری و یا خبری تبدیل کنید، ریشه ی کلمه از هم می پاشد و بدون قواعد خاصی برخی اصوات حذف و برخی پیشوند، پسوند و میان وند بدون قاعده و حساب کتاب خاصی به ریشه ی کلمه اضافه می شود. آن هم برای هر کلمه نمونه ی خاصی رخ میدهد. یعنی هیچ قاعده ی کلی وجود ندارد.

مثال: کلمه ی {ریختن} معادل تورکی {تؤکمک} را اگر در هر دو زبان به حالت امری تبدیل کنیم، ببینید چه اتفاقی می افتد!!

ریختن در حالت امری = بریز / حالا تغییرات را دقت کنید؛ ۱) اول کلمه ی حرف {ب} اضافه شد، ۲) حرف {خ} حذف شد، ۳) حرف {ت} حذف شد، ۴) حرف {ن} از آخر آن حذف و به جایش حرف {ز} نشست!

آشامیدن در حالت امری = بنوش / ۱) حرف {آ} حذف، ۲) حرف {ش} حذف، ۳) حرف {ا} میانی حذف، ۴) حرف {م} حذف، ۵) حرف {ی} میانی حذف، ۶) حرف {د} حذف، ۷) حرف {ش} بی هیچ قاعده ای به آخر آن منتقل شد، ۸) حرف {ن} از آخر حذف و به اول حالت امری اومد،

۹) حرف {و} بر خلاف ریختن در این مصدر به یک باره پیدایش شد!! بر خلاف کلمه ی بریز، در آخر کلمه که بجای {ن:در آخر ز} اضافه شده، در این کلمه حرف {ش} قرار گرفت. حالا همین دو کلمه را در زبان تورکی تحلیل میکنیم.

تؤکمک = تۆک TÖK، با حفظ ریشه ی {تۆک} و حذف پسوند {مک} کلمه از مصدر به حالت امری رفت. یا در کلمه ی {ایچمک = آشامیدن} باز هم کافی است طبق همان قاعده، پسوند {مک} را حذف کنید تا مصدر کلمه تبدیل به امری شود. ایچمک منهای {مک} = ایچ یعنی بنوش. حالا قدرت ریشه دار و با ثبات بودن زبان تورکی را در مقایسه با زبان فارسی را فهمیدید؟

CLOUD BULÚT ابر

CLOUDS BULÚT_LÁR ابرها

MY CLOUDS BULÚT-LÁR-İM ابرهای من

IN MY CLOUD BULÚT-LAR در ابرهای من

زبان تورکی یک زبان التصاقی است، زبان های التصاقی به زبان هایی گفته می شود که در منفی کردن، جمع کردن و... به کلمه ی مورد نظر فقط یک پسوند اضافه میشود. در زبان تورکی به طور مثال قبل از کلمه ی اصلی BULÚT هیچ پیشوندی بکار نرفته است و پسوند های ȲM•DA•KI•LÉR•LAR: به ترتیب اضافه می شوند. ولی در زبان های انگلیسی و فارسی هم پیشوند و هم پسوند به کار رفته است. در افعال نیز این خاصیت دیده میشود در تورکی در هیچ یک از زمان های فعلی ریشه ی فعل عوض نمیشود و فقط پسوند است که زمان فعل با شخص فعل را مشخص میکند ولی در زبانهای غیرالتصاقی مثل انگلیسی یا فارسی ریشه فعل دگرگون شده و هم پیشوند و هم پسوند میگیرد.

فارسی {هند و اروپایی و غیر التصاقی} انگلیسی {هند و اروپایی و غیر التصاقی} تورکی {التصاقی}

GEDDIM	I WENT	رفتم
GEDIREM	I GO	می روم
GEDMIŞEM	I HAVE GONE	رفته ام
GEDECEYIM	I WILL GO	خواهم رفت
GEDIRDIM	I WAS COMING	می رفتم

در مثال بالا ریشه فعل GED در تورکی در تمام زمان ها آن ثابت مانده و فقط در تمامی زمانها پسوند گرفته است ولی در زبان فارسی هم پیشوند "خواهم" و "می" و هم پسوند "م" و در زبان انگلیسی هم پیشوند "WILL" و "WAS" و "HAVE" و هم پسوند "ING" گرفته است. همچنین در تورکی ریشه فعل "GEL" ثابت مانده است ولی در فارسی "رو" به رفت و در انگلیسی "GO" به "WENT" و "GONE" تبدیل شده است.

کلمات تورکی ریشه دار هستند؛ از آن جا که زبان تورکی زبان التصاقی است و پسوند میگیرد این خاصیت باعث شده است تا کلمات با پسوند گرفتن کلمه دیگری درست کنند. مخصوصا اینکه بیشتر کلمات ریشه فعلی دارند. {۸۱} در حالی که بیشتر کلمات زبانی مثل فارسی ریشه نداشته و کلمات از روی عادت و تکرار درست شده اند. کلمات زیر و ریشه های آن ها این مسئله را آشکار تر بیان میکند:

کلمات معادل در فارسی

کلمه تورکی

مهمان-از ریشه؟

"قناق" از ریشه قنماق

سرخ-از ریشه؟

"قیزیل" از ریشه قیزارماق

گل {تورکی}

"گول" از ریشه گولماق

نه-از ریشه؟

"دوقوز" از ریشه دوغماق

داس-از ریشه؟

"اوراق" از ریشه اورماق {ترکی باستان به معنی دور کردن}

"سراغ" از ریشه سوروشماق	سراغ {تورکی}
"دوقلو" از ریشه دوغولماق	همزاد
"گؤز" از ریشه گورمک	چشم - از ریشه؟
"کور" از ریشه گورممک	نابینا
"تانری" از ریشه تانیماق	خداوند

باز هم در همین جا می گویم قصد من تحقیر زبان فارسی نیست و نخواهد بود چون از نظر من زبان هر قوم و یا ملتی محترم است و لابد خالق از خلق آن حکمتی داشته است و آن ها هم برای من محترم اند.

قانون مندی اعداد در زبان تورکی هم وجود دارد، زبان تورکی نه تنها از حیث غنا در واژه، بلکه از حیث دقت در نکات دستوری نیز بر زبان های مطرح دنیا برتری دارد. یکی از موارد مهم دستوری هر زبان، کاربرد صحیح واژه ها برای اعداد است که اکثر زبان های رایج دنیا در این خصوص خالی از اشتباه نیستند. {۸۲}

ولی زبان تورکی در این خصوص خالی از اشتباه است. آن چه که من از آن صحبت میکنم نور است آن یک حقیقت است ولی از نگاه بعضی ها نژادپرستی باشد که باید جواب آن هارا در قبال توضیحات کامل من شنید تا ببینیم واقعا یک نژادپرستی است یا یک حقیقت است.

مسیر نوشتاری از هر سمتی که باشد، {راست یا چپ} از همان سمت نیز خوانده میشود و اعداد چون از چپ به راست نوشته می شوند. باید از چپ نیز خوانده شود. {ابتدا باید عددی که در رده اول سمت چپ قرار گرفته خوانده شود.} بیست و یک = ۲۱ درست / صد و چهل و پنج = ۱۴۵ درست / ولی اعداد از ۱۱ تا ۱۹ در زبان های فارسی، عربی، انگلیسی، و اکثر زبان های دنیا از چپ نوشته شده ولی از راست خوانده می شوند.

یازده = ۱۱ نادرست / چون عدد ۱ قبل از عدد ۱۰ خوانده می شود، دوازده = ۱۲ نادرست. چون عدد ۲ قبل از عدد ۱۰ خوانده می شود. یکصد و شانزده = ۱۱۶ نادرست / چون نه از راست و نه به ترتیب از چپ خوانده می شود.

یک سوال: چرا تلفظ اعداد یک _ دو _ سه _ پنج _ شش _ هفت _ هشت _ نه به شکل = یاز، دواز، سیز، پانز، شانز، هیف، هیج، نوز، در آمده است.

پاسخ: در غیر این صورت مفهوم تمام این اعداد اشتباه می شود. یک ده = ۱۰، دو ده = ۲۰، سه ده = ۳۰، چهار ده = ۴۰، و... تنها عدد چهارده بدون تغییرات است که نارستی مفهوم آن معلوم است. زبان فارسی در تلفظ صدگان نیز خالی از اشتباه نیست. یکصد = ۱۰۰، دو صد = ۲۰۰ {دویست = دو بیست = ۴۰}، سه صد = ۳۰۰ {سی صد = ۳۰۰۰} =

تلفظ اعداد در زبان تورکی ۱ تا ۱۰ {بیر، ایکی، اوچ، دورد، بئش، آلتی، یئدی، سکیز، دوققوز، اون}

تلفظ اعداد در زبان تورکی ۱۱ تا ۱۹ {اون بیر، اون ایکی، اون اوچ، اون دورد، اون بئش، اون آلتی، اون یئدی، اون سکیز، اون دوققوز}

تلفظ اعداد در زبان تورکی صدگان {بیر یوز، ایکی یوز، اوچ یوز، دورد یوز، بئش یوز، آلتی یوز، یئدی یوز، سکیز یوز، دوققوز یوز}

حالا باید فرهنگستان زبان فارسی به جای اینکه زبان تورکی را شاخه ای از زبان فارسی قلمداد کند از هنر زبان تورکی برای رفع اشکالات زبان فارسی بهره ببرد، چون زبان تورکی: (۱) از اولین عدد تا آخرین عدد حتی یک نمونه تغییر شکل و استثنایی ندارد. (۲) اینکه در هیچ موردی لغزش مفهومی برای تلفظ اعداد ندارد.

(۳) تما اعداد از چپ به راست خوانده می شود. و باز هم در این قسمت به منشأ زبان تورکی بر می گردیم که بحث اصلی ما است.

*تقسیم بندی باسکاکوف:

در میان تقسیم بندی های زبان و لهجه های تورکی تقسیم بندی ها، باسکاکوف با وجود نواقصی که دارد بسیار جالب و قابل ذکر است {۱۴}. در این تقسیم بندی زبان های تورکی ابتدا به دو گروه تقسیم می شوند:

الف) هون غربی

ب) هون شرقی

هون غربی شامل گروه های زیر اند:

(۱) گروه بلغار ، (۲) گروه اوغوز ، (۳) گروه قبیچاق ، (۴) گروه قارلوق.

(۱) گروه بلغاری: از زبان های قدیم، زبان ترکان بلغار و زبان ترکان خزر در این گروه قرار دارد و از زبان های معاصر فقط زبان چوواش باقی مانده است.

(۲) گروه اوغوز: شامل سه ونیم گروه است: ۲.۱_ نیم گروه اوغوز _ تورکمن: شامل زبان های اوغوز، قرن های ۱۱_۱۰ میلادی {محمود کاشغری} و زبان های تورکمن و تروخمن معاصر است. ۲.۲_ نیم گروه اوغوز _ بلغاری: زبان های قدیم پیچه نگ، اوز و معاصر گاگاوز را شامل می شود. ۲.۳_ نیم گروه اوغوز _ سلجوق: شامل زبان های قدیم سلجوقی، عثمانی قدیم و زبان های معاصر، آذربایجانی و تورکی ترکیه است.

(۳) گروه قبیچاق: شامل سه و نیم گروه است: ۳.۱_ نیم گروه قبیچاق _ بلغار: شامل زبان های قدیم آلتون اوردو {غربی} و زبان های معاصر تاتار {قاسم، میشر و غیره} و باشقرد است. ۳.۲_ نیم گروه قبیچاق _ اوغوز: زبان قدیم قبیچاق، کومان و زبان های معاصر کارائیم {ترکان کلیمی} و قوموق {ترکان داغستان} را شامل می شود. ۳.۳_ نیم گروه قبیچاق _ نوقای: شامل زبان های معاصر نوقای، قارا قالپاق و قازاق می باشد.

(۴) گروه قارلوق: شامل نیم گروه های = ۴.۱_ نیم گروه قارلوق _ اویغور: شامل زبان های قدیمی قاراخانی {دیوان لغات الترک، قوتاد قوبیلیگ} و زبان تورکی بعد از قاراخانیان است. {عقبه الحقایق، قصص الأنبیا} ۴.۲_ نیم گروه قارلوق _ خوارزم: شامل زبان های قدیم قارلوق _ خوارزم {دیوان حکمت احمد یسوی} آلتون اوردو {شرقی، محبت نامه و امثال

آن { و اوزبک قدیم است. از زبان های معاصر اوزبکی {غیر از لهجه قبچاق}،
اویغوری {جدید، تمام لهجه ها} را باید نام ببریم.

هون شرقی شامل گروه های زیر اند:

(۱) گروه اویغور یا اویغور_اوغوز (۲) گروه قیرقیز_قبچاق

(۱) گروه اویغور_اوغوز: شامل سه ونیم گروه است؛ ۱.۱_ نیم گروه اویغوری_توکیو: شامل زبان های قدیم آبدیه های اورخون {اوغوز قدیم} = توکیو و اویغور قدیم است. از زبان های معاصر، زبان های تووا {اورنهای، سویوت، سویون یا سایان} و قاراقاس را شامل می شود. ۱.۲_ نیم گروه یاقوت شامل زبان یاقوت و دولقان است. ۱.۳_ نیم گروه خاکاس شامل زبان های معاصر خاکاس {تمام لهجه ها} قاماس یا کاماس، کوئه ریک، شور، لهجه های شمالی آلتائی {توبا شالکاندو، قوماندی} و ساری اویغور است.

(۲) گروه قیرقیز_قبچاق: شامل زبان های معاصر قیرقیز آلتائی {لهجه های آلتائی، تله توت، تله نگیت} است.

به عقیده ی دیلاچار، نکات جالب توجه و قابل بحث تقسیم بندی باسکاکوف عبارتند از: (۱) زبان تورکی مادر به دو گروه هون غربی و هون شرقی تقسیم شده است، (۲) با آنکه از زبان قدیم و جدید سخن به میان آمده ولی تاریخ قطعی آن ها مشخص نشده است، (۳) اصطلاح شرقی و غربی به معنی استاتیک بکاررفته است، (۴) در تقسیم بندی، عناوین اوغوز و قبچاق هم در شرق و هم در غرب بکار رفته و از این جهت مسئله لهجه های مخلوط به میان آمده است. مثلاً قارلوق_اویغور در غرب ولی اویغور_اوغوز در شرق، قبچاق_بلغار، قبچاق_نوقای همیشه در غرب ولی قیرقیز قبچاق در شرق آمده است. (۵) تورکی بلغار {چوواش} و اوغوز در یک گروه گذاشته شده، (۶) ارتباط گروه بلغار {چوواش} با گروه های فرعی اوغوز_بلغار و قبچاق_بلغار نشان داده نشده است. (۷) علی رغم داشتن ویژگیهای مشترک، زبان های یاقوت و چوواش از یکدیگر مجزا و دور قرار گرفته اند. (۸) زبان یاقوت، تورکی ریشه و اویغور در یک گروه قرار داده شده است. (۹) زبان قازاق و قاراقالپاق {غربی} از تورکی قیرقیز {شرقی} خیلی دور قرار گرفته. (۱۰) ویژگی ها و تفاوت گروه های فرعی قارلوق_اویغور با قارلوق_خوارزم بسیار مخلوط و غیر واضح است. (۱۱) مخلوط بودن لهجه های تورکی قاقاووز و بالکان با بلغار ادعا شده است. (۱۲) تورکی جغتائی به دو دوره

اوزبک قدیم و اوزبک جدید تقسیم شد. در حالیکه از قرن ۱۵ تا ۱۹ تورکی جغتائی ادامه داشته است.

این نوع تقسیم بندی های رو در این قسمت براتون آوردم تا ببینید که زبان و ادبیات تورکی چقدر بزرگ و گسترده است و یکی از اجزای اصلی و پایه ای ملیت زبان مادری است که متأسفانه تعریف ملیت و زبان مادری را اشتباه توضیح میدهند تا به اتفاق ایجاد این گمراهی سیاست های تاریک خود را پیش ببرند از زمان به روی کار آمدن خاندان پهلوی تمام ملت های غیر فارس مانند تورک و عرب و بلوچ را از لحاظ فرهنگی کشتن تا کل ایران را فارس معرفی نمایند. ولی باید فهمید که تورک فارس نیست، عرب فارس نیست، بلوچ فارس نیست، همه ی این ملیت ها دارای تاریخ و زبان مادری خود هستند.

حالا به بهانه های خاص، دشمنی با ملیت های غیر فارس و کوچک شمردن آن را در سیاست های خود قرار دادن در صورتی که قوم فارس تعداد اندکی را در ایران تشکیل میدهند ولی چون پهلوی با سیاست ها و قدرت انگلیس به قدرت رسید همین عملیات نژادپرستانه در تمام زمینه ها نهادینه شده است و امروزه تعریف ملیت و زبان مادری را فقط و فقط فارس بودن و فارسی حرف زدن تعریف می کنند ولی باید به ادامه مقاله توجه کنید تا این موضوع را به طور کامل برای شما توضیح بدم.

از نظر شکل و ساختمان {مورفولوژی} کلمات زبان های جهانی به سه دسته تقسیم می شوند:

- ۱) زبان های تک هجائی: مانند زبان چین، تبت، سیام و جنوب شرقی آسیا
- ۲) زبان های تحلیلی یا تصریفی: در این زبان ها ریشه کلمات هم ضمن صرف، تغییر می کند {زبان هند و اروپایی}
- ۳) زبان های التصاقی: زبان تورکی و گروه زبان های اورال_آلتائیک جزو زبان های التصاقی هستند. در این زبان ها کلمات جدید از چسبانیدن پسوند به ریشه کلمات ایجاد می شوند و این مسئله سبب پیدایش لغات جدید و غنای لغوی می گردد. این پسوند ها تابع آهنگ ریشه هستند، به آسانی از آن ها قابل تشخیص اند؛ مانند آت=اسب، آتلار=اسب ها، آت دان=از اسب، یا دوه=شتر و دوه چی=شتربان در این زبان ها ریشه ثابت می ماند و در تصریف تغییر نمی کند.

در زبان تورکی اصوات غنی است {۸_۹ حروف با صدا} و قانون هماهنگی اصوات وجود دارد. حروف صدا دار تقسیم بندی دوتایی صریحی دارند: (۱) حروف صدادر خشن {قالین} مانند آ= A، او= O-U، ای= I = i بدون نقطه تورکی ترکیه ای و abalfبای سیریلیک { که در کلمه ی ایلیق=ولرم وجود دارد. به این ها حروف خلقی هم می گویند زیرا با خلف سقف دهان تلفظ می شوند.

حال به قسمت مراحل مختلف زبان تورکی میرسیم، با در نظر گرفتن آنچه در مورد خاستگاه و منشأ زبان و لهجه های تورکی گفته شد مراحل مختلف تاریخی این زبان و لهجه ها را می توان به شرح زیر تقسیم کرد:

(۱) دوران آلتائی که در این مرحله ظاهراً با زبان مغولی زبان مشترکی را تشکیل می داده اند، (۲) دوران پروتو تورک، (۳) دوران تورکی اولیه {هون، بلغار، بچه نک و خزر}، (۴) تورکی قدیم، (۵) تورکی میانه، (۶) تورکی جدید. باید در ادامه بگویم که اطلاعاتی در مورد دوران پروتو تورک در دست نیست.

دوران تورکی اولیه شامل زبان های هون، تورکی بلغاری و بچه نک و حتی تورکی خزر نیز هست که از قبل از میلاد تا تأسیس دولت گوک تورک ادامه داشته است. دوره چهارم دوران تورکی قدیم است و دوران گوک تورک و اویغورها را شامل می شود و از نظر زمانی از قرن ششم تا دهم میلادی ادامه داشته است. دوران پنجم یا دوران تورکی میانه از قرن دهم تا شروع قرن شانزدهم ادامه یافته و شامل تورکی مشترک آسیای میانه و تورکی غربی یا سلجوقی است.

تورکی غربی هم شامل تورکی آناتولی و تورکی آذربایجانی است. {در زمان سلاجقه و اوایل عثمانیان}. دوره ی جدید از قرن ۱۶ تا قرن حاضر ادامه داشته است و شامل تورکی عثمانی، آذربایجانی، جغتائی، اوزبکی، و سایر لهجه ها و شیوه های تورکی است. از نظر سهولت تعلیمی تورکی غربی یا اوغوز و شاخه های منشعب آن {تورکی عثمانی، تورکی آذربایجانی و تورکمنی} در بخش تورکی جدید بررسی خواهد شد.

قرن بیستم را باید دوران اصلاح و بازسازی زبان تورکی نامید. زیرا در این قرن زبان و لهجه های تورکی از لغات بیگانه تصفیه شده و از طرف دیگر کلمات تورکی خالص قدیمی یا نو ساخته به جای کلمات بیگانه وضع شده است. بطور خلاصه می توان گفت تورکی ادبی یا کتابت از قرن هشتم میلادی {باسنگ_نوشته های اورخون} شروع شده و تا قرن ۱۲_۱۳ ادامه یافته است

{تورکی اویغوری، تورکی خاقانی، زبان دیوان لغات کاشغری و قوتاد قوبیلیگ} و بعد به علت مهاجرت گروه هایی از ترکان به غرب و قبول اسلام و تأثیر فرهنگ و اوطان جدید، دو نوع زبان کتابت پیدا شده: تورکی شمالی_شرقی؛ تورکی غربی {تورکی آذربایجانی و تورکی عثمانی}.

تورکی شمالی_شرقی ادامه تورکی خاقانی است که بعد از یک قرن تکامل به دو لهجه شمالی یا قبچاقی و لهجه شرقی یا جغتائی تبدیل شد. لهجه ی جغتائی از زمان تیموریان شروع شد و در قرن ۱۵و۱۶ تکامل یافت و آثار ادبی با ارزشی عرضه کرد و بعد به لهجه جدید اوزبکی تبدیل شد.

تورکی غربی در نیمه ی دوم قرن ۱۲ و نیمه اول قرن ۱۳ تشکیل شد و اکنون متون زیادی از آن در دست است. تورکی غربی از زمان سلاجقه شروع شده و تا امروز ادامه یافته است و به آن تورکی اوغوز هم می گویند. تورکی غربی زبان ترکانی است که بین بحر خزر تا ممالک بالکان سکنی دارند و از این رو تورکی جنوبی هم نامید می شود. آن را به دو لهجه ی آذربایجانی و عثمانی تقسیم می کنند. تورکی تورکمنی هم جزء این گروه است. {۱۶}

تورکی قدیم {اسکی تورکجه} زبان گوک تورک ها، اویغورها و قیرقیزهای قدیم را تشکیل می دهد و بیش از هزار و پانصد سال قدمت دارد و زبان ترکان قبل از قبول دین اسلام می باشد.

تورکی گوک تورک را از سنگ نوشته ها و بعضی کتابها و اسنادی که از دوران حکومت گوک تورک باقی مانده شناخته شده است و قدیمی ترین آثار ادبی تورکی را تشکیل می دهد. این سنگ نوشته ها مربوط به سنگ های مزار وزیران و پادشاهان حکومت گوک تورک است که از قرن ششم میلادی (۵۵۲) مدت دو قرن به مغولستان کنونی حکومت کردند. در آن زمان این منطقه ی تورک نشین بود و ترکان بیشتر در اندرون مرزهای مغولستان و تابع جوان _ جوان ها بودند. {جوان _ جوان ها یا آوارها از اقوام مغول بودند و در آن زمان بر سراسر صحرای قوبی {گوبی} تا نهر ایرتیش حکومت می کردند و رقیب حکومت تاپقاج های تورک در چین به شمار می رفتند.} باید در این جا اضافه کنم که سنگ نوشته ها اثر زیادی برای شناخت بهتر زبان تورکی دارند، کول تکین در سال ۷۳۱ و بیلگه خاقان در سال ۷۳۴ در گذشته و ده سال بعد، حکومت گوک تورک به دست ترکان اویغور منقرض شد.

سنگ قبر کول تکین به وسیله برادرش بیلگه خاقان ساخته شد و بیانگر قدر شناسی او در برابر خدمات برادرش بود که او را به تاج و تخت رسانید. کتیبه کول تکین چهار سطح یا جبهه دارد:

شرقی، غربی، شمالی، جنوبی. بر جبهه غربی به چینی نوشته شده است و نوشته های جبهه های دیگر به تورکی است. سطور از بالا به پایین و از راست به چپ و به خط اورخون نوشته شده است. خطاب از طرف بیلگه خاقان و نویسنده برادرزاده اش یوللوق است.

کتیبه و یا سنگ قبر بیلگه خاقان در سال ۷۳۵ میلادی، یعنی یک سال بعد از مرگ او، به وسیله پسرش ساخته شده و خطابه از طرف بیلگه خاقان است. کتیبه تونیوقوق در مشرق کتیبه های قبلی است و خطوطش بر خلاف قبلی ها روش نیست و قدری پاک شده است. سطور از چپ به راست است.

این سنگ قبر از طرف خود تونیوقوق ساخته شده است و خطاب از طرف اوست. به این سنگ نوشته ها آبدی های اورخون یا کتیبه های اورخون {Orkhoun Inscriptions} میگویند زیرا نزدیک دشت رود اورخون و در جنوب دریاچه بایکال قرار گرفته است. نوشته های تورکی قدیم و خط اورخون است و در یک طرف به چینی و درباره دوستی ترکان و چینی ها نوشته شده است.

این سنگ نوشته ها به دستور بیلگه خاقان و وزیرش تونیوقوق ساخته شده و شش عدد است که مهمترین آن ها سه عدد است: سنگ های قبر بیلگه خاقان و برادرش کول تکین و وزیرش تونیوقوق است. غیر از این ها سنگ نوشته اونگین مربوط به مزار قوتلوق خاقان است که به وسیله ی بردار کوچکش قاپاقان خاقان در سال ۶۹۲ بعد از وفات وی ساخته شده است.

غیر از سنگ نوشته های فوق، کتاب مربوط به شامانیسم در یکصد صفحه و چند سند حقوقی از طرف تومسن دانشمند دانمارکی منتشر شد. {۱۸_۱۹۱۴}. کتیبه های اورخون در اواخر قرن ۱۹ توسط یادرینستف پیدا شد و در سال ۱۸۹۳ تومسن موفق به خواندن آن ها شد. سنگ نوشته های ینی سئی که نزدیک رود ینی سئی پیدا شده متعلق به دو قرن قبل از سنگ نوشته های اورخون است و مربوط به سنگ قبرهای ترکان قیرقیز است. این کتیبه ها که در اوایل قرن ۱۸ میلادی {۱۷۲۱} توسط استراننبرگ، ر تبعیدگاه سبیری، و ضمن بررسی لهجه های آسیای مرکزی پیدا شد مربوط به قرون ۵_۶ میلادی است و از دو قسمت تشکیل شده است: (۱) سنگ نوشته های ایالت آباکان، (۲) سنگ نوشته های ایالت تووا. در یکی از سنگ نوشته های ینی سئی که مربوط به خان اوغوز است و در کنار رود بارلیق {وارلیق} که به رود کم می ریزد پیدا شده است چنین آمده است:

(۱) ار اردمی آتیم تابدیم اردمی

(۲) اوزیگن آلپ توران آلتی اوغوز بودوندا اوچ یگیرمی {باشیمکا} آدیریلدیم.

(۳) بگ اریکیمه سیزیمه آدیریلدیم.

*ترجمه فارسی:

(۱) مرد فضیلت و هنر و فرهنگ {اردم} نامم را پیدا کردم: اردم

(۲) اوزیگن آلپ توران از ایل شش اوغوز در ۱۳سالگی جدا شدم.

(۳) از نفوذ خانی و شماها جدا شدم.

این سنگ قبر مربوط به سنگ قبر یک خان آلتی اوغوز است که اوزیگن آلپ توران نام داشته و در سن ۱۳سالگی در گذشته است. در این جا توضیحات کاملی را در مورد کتیبه اورخون دادم و حال می خواهم مستقیم به سراغ خط و الفبای اورخون بروم.

الفبای اورخون که برای نوشتن این سنگ مزارها به کار رفته است به الفبای گوک تورک معروف است و از ۳۸حرف تشکیل شده است که چهار حرف آن صدا دار و بقیه به حروف بیصدا اختصاص یافته است.

مضمون سنگ نوشته های اورخون از نظر زبان شناسی و ادب تورکی شایان اهمیت است و در عین حال هر کدام بمثابة یک اعلامیه سیاسی است و از نظر تاریخ ترکان بسیار جالب و مهم است.

برای بار دوم می خوام این موضوع رو تکرار کنم؛ در کل برای آموختن هر زبان باید چهار مرحله را پشت سر گذاشت: اولین مرحله در یادگیری هر زبان شنیدن آن است، بطوری که یک کودک چندین ماه و حتی چندین سال گوش می کند و آن گاه به مرحله بعدی می رود و حرف میزند. او در اوایل این مرحله شروع به گفتن آواهایی میکند تا بدانجا می رسد که خوب صحبت می کند و این زبان است که مغز او و نگرش او دنیا را شکل می دهد. پس از آن، نوبت آموختن است کودک پس از صحبت به زبان مادری، شروع به آموختن شکل نوشتاری زبان {الفبا} می کند و بعد از آموختن مقدمات زبان مادری و قوانین آن شروع به نوشتن تفکراتی می کند که در درون او لانه

کرده اند و از این جا است که انتقال فکر به صورت شکل مادری فرهنگ و تمدن شروع می شود. اصولاً زبان هایی از بین خواهند رفت که یکی از این چهار مرحله رانداشته باشند.

بعد از کلی توضیحات که در بخش اول مقاله درباره ی زبان تورکی بیان کردم حال می رسیم به معرفی کامل زبان تورکی به لهجه خراسانی که اصل مطلب در بخش اول در این مقاله است. درباره ی زبان تورکی خراسانی تا به امروز تحقیقات و پژوهش آنچنانی انجام نشده است و حال می خواهیم زبان تورکی خراسانی را از نگاه سه شخص مهم در جهان تورک یعنی پرفسور محمد جواد هیئت و پرفسور گرهارد دورفر استاد زبان های تورکی دانشگاه گوتینگن آلمان و استاد اسماعیل سالاریان نویسنده و پژوهشگر بزرگ تورک خراسان به این زبان پردازیم و با استفاده از تحقیقات میدانی توضیح کاملی برای این زبان در حال انقراض بیان کنیم.

پرفسور محمد جواد هیئت درباره ی زبان تورکی خراسان می فرماید: {تورک های خراسان با فارس ها و کرمانج ها و تورکمن ها در جوار یکدیگر زندگی می کنند، از این رو زبان تورکی به لهجه خراسانی تحت تأثیر این همجواری و عوامل دیگر قرار گرفته و کم و بیش از تورکی آذربایجانی متفاوت می باشد و گویش های مختلفی هم در میان آن ها پدید آمده است. و ایشان در ادامه بیان می کنند که بطور کلی ترکان خراسان به دو شیوه و به قولی دیگر چهار شیوه صحبت می کنند که کم و بیش با هم متفاوت است. قسمت های شمال: (بجنورد، شیروان، قوچان، و شمال آن ها، همچنین درگز و کلات، به یک شیوه) و قسمت های جنوبی: (سرولایت، بام و صفی آباد، جوین) به شیوه ی دیگری صحبت می کنند.

با در نظر گرفتن گویش های مناطق فوق می توان چهار شیوه یا گویش در میان ترکان خراسان تشخیص داد:

(۱) شیوه جوین، رباط و مشکان، بام و صفی آباد {جنوب}

(۲) شیوه سرولایت {مرکزی}

(۳) شیوه درگز و کلات و قوچان {شمال شرقی}

(۴) شیوه شیروان و بجنورد {شمال غربی}

در مناطق درگز و کلات مهاجرین آذربایجانی نیز وجود دارند که در زمان نادرشاه به این نواحی کوچ داده شده اند.

ویژگی های شیوه تورکی خراسانی از نظر پرفسور محمد جواد هیئت: ویژگی تورکی شرقی {جغتائی _ اوزبکی} و غربی یا اوغوز بطور متفاوت در شیوه های تورکی خراسانی دیده می شود مثلا: در صرف افعال پسوندها با تورکی غربی و در گویش های مختلف متفاوت است. فعل {گلماق} یعنی آمدن در زبان تورکی به لهجه ی آذربایجانی {گلمک}. از نظر لغات هم گاهی تفاوت هایی در شیوه های مختلف دیده می شود. مثلا در شیروان تاش {سنگ} و در دیگر مناطق داش گفته می شود. در بام بویوک {بزرگ} و در دیگر مناطق کاتا گفته می شود. در بام صفی آباد و سرولایت داش {خارج} و در بعضی جاها چؤل گفته می شود. در اول کلمات گاهی مانند تورکی شرقی {و} به {ب} تبدیل شده است. مثلا برماق به جای وئرمک {دادن}. در بعضی از جاها {چ} جای {ش} را میگیرد. مثلا در درگز یاخچو {خوب} و در دیگر نواحی یاخشو گفته می شود. {۱۷}

تورکی خراسانی زبان مادری یک و نیم میلیون ایرانی است که در شمال خراسان سکونت دارند به علاوه تعداد زیادی از مردم تورکمنستان با این لهجه صحبت میکنند. در گذشته در منابع خارجی این لهجه را تورکمنی به حساب آورده اند و در منابع ایرانی نیز تورکی خراسانی را لهجه و گویشی از تورکی آذربایجان برشمرده اند. {۱۸} * ولی امروزه این عدد تغییر کرده است.

*در اول توضیحات پرفسور محمد جواد هیئت گفته شد که: تورک های خراسان با فارس ها و کرمانج ها و تورکمن ها در جوار یکدیگر زندگی می کنند، از این رو زبان تورکی به لهجه خراسانی تحت تأثیر این همجواری و عوامل دیگر قرار گرفته و کم و بیش از تورکی آذربایجانی متفاوت می باشد و گویش های مختلفی هم در میان آن ها پدید آمده است، باید امروزه در جواب این نظریه که نمی شود پاسخ مناسبی برای تفاوت در زبان تورکی خراسانی در مناطق مختلف خراسان دانست چون از اول تحقیقات بیان نکردن که در خراسان ایلات تورک زیادی زندگی می کنند که عبارتند از {گرایلی، افشار، بیات، تاتار، اوزبک} که هر ایل تورک خراسانی با لهجه ی مخصوص خود سخن می گوید گرایلی ها و افشار ها جمعیت بالایی رو از ترکان خراسان را تشکیل میدهند که امروزه می توان آن ها را در شهر های بجنورد، شیروان، جاجرم، قوچان یافت البته شهر های بجنورد و رامیان و اسفراین پایتخت ایل گرایلی می باشد همین طور که درگز و کلات پایتخت ایل افشار می باشد و جمعیت بالایی رو از منطقه ی جنوب خراسان را مانند جوین و جغتای و

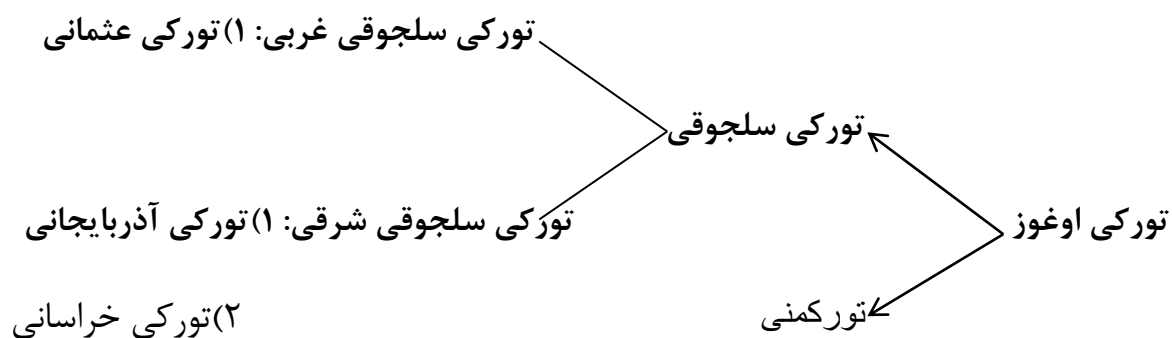
سبزوار و نیشابور را ایل بیات تشکیل می دهند و در بیرجند و روستاهای اطراف آن هم افشارها ساکن هستند که جمعیت آن ها نسبت که مرکز و شمال خراسان کم تر است و امروزه شاهد این هستیم که زبان تورکی چه تأثیر وسیعی بر زبان فارسی گذاشته است و همین طور در زبان کرمانجی هم نفوذ کرده است.

با تحقیقاتی که در بیست سال اخیر از طرف گروه تورک شناسی {تورکولوژی} دانشگاه گوتینگن آلمان به سرپرستی گرهارد دورفر به عمل آمده تورکی خراسانی به عنوان یک زبان و یا لهجه ای مستقل از گروه تورکی اوغوز پذیرفته شده است. گروه دورفر یکبار در ۱۹۶۸ و بار دیگر در ۱۹۷۳ هر بار به مدت تقریباً یک ماه از نقاط مختلف تورک نشین خراسان بازدید نموده و از گویش های مختلف نمونه و موارد لازم را جمع آوری کرده و در مراجعت به آلمان آن ها را تحت بررسی قرار داده و نتایج آن را در مقالاتی منتشر نموده است. {۱۹}

بر استنادی که پرفسور جواد هیئت از مقاله ی پرفسور دورفر کرده است در کتاب خود بنام سیری در تاریخ زبان و لهجه های تورکی بیان میکند که در شمال خراسان ۷۰-۵۰ درصد مردم تورک اند.

حال در این قسمت می خواهیم از نگاه پرفسور دورفر به زبان تورکی خراسانی نگاه کنیم و تعریف های ایشن را بررسی کنیم.

پرفسور دورفر با این که ترکان خراسان را از ترکان سلجوقی می داند زبان تورکی اوغوزی را به چهار لهجه مستقل از زبان تورکی تقسیم می کند.



تورکی اوغوز به شکل زیر تقسیم می شود:

۱_ تورکی اوغوز غربی که شامل تورکی عثمانی و آذربایجانی است.

۲_ تورکی اوغوز شرقی که شامل تورکی تورکمنی و خراسانی است. به علاوه لهجه اوغوز اوزبکستان که اوغوز اوزبکی نامیده می شود. پرفسور دورفر تورکی خراسانی را به منزله پلی میان آذری و تورکمنی میدانند. خزینه لغات تورکی خراسانی و مورفولوژی آن {اشکال تصریفی و گرامری} به تورکی آذربایجانی نزدیک تر از تورکمنی است. در میان ترکان خراسان عده زیادی به زبان تورکی با لهجه ی آذربایجانی صحبت می کنند. این ها فرزندان مهاجرین آذربایجانی هستند که در دوران های اخیر به آن دیار مهاجرت نموده اند. تورکی خراسانی در منطقه ی مرزی جمهوری تورکمنستان نیز رایج است. لهجه {خیوه_ اورکنج_ هزاراسب} بسیار به تورکی خراسانی نزدیک است. پرفسور دورفر زبان اشعار تورکی مولوی را نیز تورکی خراسانی می داند و معتقد است که در قرن ۱۳ میلادی زبان بلخ هم قبل از استیلای تورکمنان {در قرن دهم هجری} تورکی خراسانی بوده است.

تورکی خراسانی به علت مجاورت و همزیستی، کم و بیش تحت تأثیر زبان فارسی قرار گرفته است و از طرفی هم تا حدودی تحت تأثیر زبان کرمانجی هم قرار گرفته است. * {در جواب پرفسور دورفر باید ذکر کرد که زبان تورکی زبان التصاقی است و زبان فارسی زبان تحلیلی است و نمی شود زبان تورکی از زبان فارسی تأثیر بپذیره همین طور که میبینید بیشتر کلمات در زبان فارسی تورک است ایشان از اول به اصل زبان تورکی خراسانی نگاه کرده اند و هیچ تحقیق خاصی بر ایلات تورک در خراسان انجام ندادند، در خراسان ایلات تورک مانند: تورکمن، گرایلی، افشار، بیات، تاتار، ازبک هم زندگی میکنند و اگر تحقیقی رو این ایلات گذرانده شود میفهمیم که زبان این ایلات تورکی است ولی هر کدام لهجه های خاص خود را دارد. امروزه به وسیله ی آسیمیلیسیون زبان تورکی خراسانی تحت تأثیر زبان فارسی قرار گرفته است ولی زبان کرمانجی تأثیری به زبان تورکی خراسانی نگذاشته است بلکه زبان و فرهنگ تورکی خراسانی جان دوباره ای به کرمانج داده است، که می شود در بیشتر اصطلاحات کرمانجی زبان تورکی را فهمید و امروز به وسیله ی شوونیسیم فارس فرهنگ تورکی خراسانی با به کار گرفتن آسیمیلیسیون به نام کرمانج ثبت شده است.}

تأثیر زبان فارسی بر تورکی خراسان در مناطق جنوب بیشتر و بارز تر است، با آن که نخستین شعرای ادبیات کلاسیک آذربایجان {پورحسن} اسفراینی و ترکیه {خواجه دهانی} خراسانی بودند معیناً امروز تورکی خراسانی دارای ادبیات کتبی و زبان ادبی مخصوصی نبوده در مناطق مختلف گویش های متفاوت دارد. از این لحاظ دورفر تورکی خراسانی را به سه لهجه و یا گویش از زبان تورکی تقسیم می نماید:

- (۱) لهجه غربی یا شمال غربی: شامل بجنورد و اطراف آن
- (۲) لهجه شمالی، شرقی: شامل شیروان، قوچان، درگز، کلات {جوئک} و اطراف آن ها و همچنین نوار مرزی جمهوری تورکمنستان {آناؤ، خاسار، نوؤور، قیراچ و قاراقالپاخ}
- (۳) لهجه جنوبی: شامل منطقه ی اطراف نیشابور، سبزوار، جوین، جغتای

در تقسیم بندی آقای اسماعیل نعمتی پایدار لهجه ی جوین و جغتای جزء گروه اول یعنی لهجه غربی منظور شده است که به نظر ما نیز مناسب تر است. با وجود این که تورکی خراسانی دارای ویژگی های مشترکی است که آن را از سایر لهجه های اوغوز {تورکمنی، آذربایجانی، عثمانی} نیز متمایز می سازد. مهمترین این ویژگی ها عبارتند از:

- (۱) مصوت های بلند مانند تورکی قدیم و تورکمنی باقی مانده است ولی تحت تأثیر فارسی رو به کاهش است {در درگز که کم تر تحت تأثیر فارسی بوده باقی مانده است} = بُوت(ران)، یاغ(روغن)، کآن(خون)، باش(سر)، یوه ل(راه)، در این ویژگی تورکی خراسانی شبیه تورکمنی است.
- (۲) {ک} آخر کلمات به {ی} تبدیل شده = {بجزء در قوچان، قصبه دوغائی و جغتای} مانند = چوره ی و یئره ی به جای چوره ک(نان)، اوره ی ایره ی به جای اوره ک(دل)، اله ی به جای الک(الک)، کوره ی و کیره ی به جای کوره ک(پارو). اغلب اوقات {غ} به {ق} و گاهی {د} به {ذ} تبدیل شده است.
- (۳) معمولاً او {U} در هجاهای بعد از نخست تبدیل به {I} می شود مانند اودین به جای اودون(هیزم)، بعضاً در هجای اول نیز شبیه ایی {I} می شود مانند بیمیرتا به جای یومورتا(تخم مرغ) در آخر بعضی از کلمات به جای ایی {I} مانند تورکی قدیم کسره موجود است {در منطقه غرب و قوچان و شیروان} مانند دری(پوست)

حال کمی به بررسی سیستماتیک تورکی خراسانی از لحاظ فونه تیک {صدا}، مورفولوژی {پسوندها و اشکال تصریفی} و لغات آن می پردازیم.

۱_ صداها: در تورکی خراسانی ۹ صدای مصوت تورکی آذربایجانی موجود است {به غیر از لهجه و گویش های غربی و جغتایی که در آن ها او {Ö} و او {Ü} تبدیل به کسره و ایی شده است} به علاوه صداها دراز هم کم و بیش دیده می شود. مصوت او {O} در بعضی از کلمات تک هجایی تبدیل به او {U} می شود مانند توؤز به جای توؤز(گرد)، قؤل به جای قؤل(بازو)، تۇرپاق به جای تۇرپاق(خاک)، غونشی به جای قونشی(همسایه) در بعضی از گویش ها {شیروان} او در برابر ی به او {Ö} تبدیل می شود. توئی، اوینا

۲_ مورفولوژی: تمام پسوندهای سازنده و قسمت عمده پسوندهای تصریفی شبیه اوغوزی است {آذربایجانی، عثمانی} بعضی از پسوندهای تصریفی با آذربایجانی _ عثمانی متفاوت اند. در این جا به پسوندهایی که با مقایسه تورکی آذربایجانی اختلاف نشان می دهند اشاره خواهد شد؛ پسوند جمع {لار} و {لر} در چهار منطقه به شرح زیر متفاوت است:

(۱) لار و لر مانند آذربایجانی، اولار {آن ها} و کیشی لر {مردها} = درگز، شورک، خرو علیا و لنگر.

(۲) برای اسم لار و لر و برای ضمیر لا: کیشی لر، اولا = در قصبه بزرگ دوغائی، روستای چارم، روح آباد، اسدلی.

(۳) لا با یک {ر} خفیف در شیروان و زیارت.

(۴) لا در بجنورد.

پسوندهای حالات مختلف اسم عبارتند از :

(۱) برای حالت اضافی: الف _ اینگ و نینگ {بعد از مصوت} مانند کیشی نینگ = در بجنورد و سلطان آباد. / ب _ این و نین = در درگز، لطف آباد، چارم، خرو علیا، قاراباغ. / ج _ ایی، نی = در جغتای، قصبه دوغائی و روستاهای قوچکی، لنگر، پیرکوماچ، حکم آباد. در این جا ایی قری از بینی تلفظ می شود.

۲) برای حالت عطفی نکات زیر قابل توجه است: الف_ ا، یه مانند اؤنا، قوُلیقییه به جای قولوقونا(در خدمت) در درگز./ ب_گا، گه بعد از صدادار مانند تورکمنی: یوُخیگا(بخواب)، کیشگه(چارم). در تورکمنی بعد از صامت ها هم گا و گه به کار میرود مانند بیزگه(بما).

اگر می خواهید به طور تخصصی درباره ی زبان تورکی خراسانی و ویژگی های آن اطلاعات کسب کنید می توانید کتاب سیری در تاریخ زبان و لهجه های تورکی نوشته شده به قلم پرفسور محمد جواد هیئت را مطالعه کنید.

با در نظر گرفتن ویژگی هایی که به قسمتی از آن ها اشاره کردیم شیوه جنوبی در مرز بین شیوه های شرقی و غربی قرار دارد. از نظر دورفر صرف افعال لهجه و گویش های خراسانی به دو گروه تقسیم می شود.

۱) گروه شبیه آذربایجانی {بیشتر به قشقای و آینالو شبیه است}

۲) گروه شبیه تورکمنی و یا اوغوز_ اوزبکی و یا اوزبکی است.

گروه اول مخصوص لهجه های غربی و اغلب لهجه های جنوبی است. {بجنورد، جغتای و اغلب گویشهای جنوبی}

گروه دوم مخصوص گویش های شرقی می باشد. {قوچان، شیروان، درگز، کلات، دوغائی و روستای لنگر} با این همه لهجه های شرقی در مجموع بیش از لهجه غربی {بجنورد} به آذربایجانی شبیه است.

*اینک نمونه هایی از لغات لهجه و گویش های مختلف خراسانی را با مقایسه تورکی آذربایجانی و یکدیگر نقل می کنیم:

فارسی	تورکی آذربایجانی	بجنوردی	جغتای	درگز	قوچان و شیروان	سلطان آباد	خرو علیا	چارم
بزرگ	بؤیوک	بئهنی	کاتا	بوهوی	کاتا	کاتا	کاتا	کاتا
زیاد	چؤخ	چؤخ	چؤخ	چؤخ	چؤخ	چؤخ	چؤخ	چؤخ_کؤپ
زن	آروات_قادین	خاتون	خاتون	خاتون	خاتین_خاتون	خاتون	خاتون	خاتون
مادر	آنا_نه نه	نه نه	نه نه	نه نه	آنه	آنی	نه نه	نه نه
بد	پیس	پیس	پئس	گنده	پیس	پیس	ناوی	ناوی_ناویر
گردن	بؤیؤن	بؤین	بؤین	بؤین	بؤین_بویؤن	بؤین	بؤین	بؤین
دور	اؤزاخ	ایراخ	آچه	ائراخ	ایزاق	آچا	تؤغا	تؤغا

قانون هماهنگی اصوات:

یکی از ویژگی ها و زیباییهای گروه زبان های آلتایی خصوصا زبان تورکی که آن را از سایر زبان ها متمایز ساخته است وجود قانون هماهنگی اصوات در این زبان است که توضیح آن به شرح زیر می باشد:

این قانون شامل دو قاعده به شرح زیر است:

۱. قاعده هم آوایی زبانی:

یعنی این که همه اصوات یک واژه از لحاظ بلندی و کوتاهی صوت تابع مصوت اولین خواهند بود که به تفکیک زیر توضیح داده می شود:

الف) اگر هجای {بخش} اول واژه دارای مصوت بلند باشد همه آواها تا آخر بلند خواهند بود؛ مثال:

آل {بخر}، آلمان *Álámán* {میخرم} - آلام *Álárám* {می خرم}، آلاسان *Álásán* {میخری}، آلساین *Álsáyn* {اگر بخری}، آلار *Álár* {میخرد} و...

ب) اگر هجای اول واژه دارای مصوت کوتاه باشد همه آواهای بعدی آن کلمه نیز کوتاه خواهند بود؛ مثال:

گل Gal {بیا} - گلمن Galaman {می آیم} - گلرم Galaram {می آیم}، گلسن Galasan {می آیی}، گلسین Galsayn {اگر بیایی}، گلر Galar {می آید} و...
 با دقت نمونه بالا را مدنظر بگیرید، همان طور که می بینید همه پسوند ها و آواهای بعد از
 هجای اول تابع آوای اولیه هستند {مان/من - سان/سن - ساین/سین - آر/ار - ایر/اور -
 دی/دو و...}.

۲. قاعده هم آوایی لبی:

یعنی هنگامی اصوات از لحاظ وضعیت لب ها که به تفکیک شامل دو قسمت است:
 الف) اگر هجای اول دارای صائت راست باشد همه اصوات بعدی آن واژه نیز راست خواهند
 بود؛ مثال:

قازان Qázán {دیگ} - قارداش Qárdáš {برادر} - قارداش لار Qárdášlar {برادرها} و...
 ب) اگر هجای اول کلمه دارای صدای گرد باشد آواهای بعدی به دو صورت خواهند بود:
 ب/ا) اگر هجا {بخش} دوم کلمه نیز گرد باشد همه آواهای بعدی گرد خواهند بود؛ مثال:
 قوزو Quzu {بره} - قوزومو Quzumu {بره ام را} - قوزونو Quzunu {بره را} -
 قوزوسونو Quzusunu {بره اش را}
 ب/۲) اگر هجای دوم کلمه دارای آوای باز باشد آواهای بعدی آن کلمه تابع هجای دوم
 گردیده و باز خواهند شد؛ مثال:

گونش Gunaş {آفتاب، خورشید} - گونشده Gunaşda {در آفتاب}
 البته ذکر این نکته نیز مهم است که قاعده هم آهنگی زبانی یک قاعده کلی است و در
 مورد کلیه لغات شمول عام دارد ولیکن قاعده هم آوایی لبی در برخی از پسوندها نظیر {
 پسوند مصدری: ماق - علامت جمع: لار} خصوصاً در افعال، از این قاعده پیروی نمی
 شود. {۸۰}

استاد سالاریان درباره زبان تورکی خراسانی می فرمایند:

هر ملتی برای خود دارای فرهنگ، زبان، ادبیات و تمدن خاصی می باشد که از ویژگی های اصلی
 آن ملت محسوب می شود. ما ترکان در خراسان بزرگ نیز دارای فرهنگ، آداب و رسوم سنتی
 مخصوص خودمان می باشیم که باید قدر آن را بدانیم. فرهنگ ما، در واقع سند هستی و هویت ما
 محسوب می شود و هر یک از ما به اندازه فعالیت خود در هر چه غنی تر شدن آن سهمی را دارا

هستیم و در قبال آن تعهداتی به عهده داریم. بایستی در شناختن، شناساندن و احیای ارزش های فرهنگی و سنتی نهفته در این منطقه از کشورمان قدم برداریم که وظیفه ایست همگانی. فرهنگ عمومی، میراث غیر مادی ملت هاست و یکی از ویژگی های آن، تکرارپذیری و قابلیت انتقال آن به نسل های آینده است.

حال با بررسی ای که از قبل با نگاه پرفسور دورفر به زبان تورکی خراسانی صورت گرفت باز هم نگاهی به تقسیم بندی پرفسور دورفر به گویش های فوق می اندازیم.

*لهجه شمالی _ شرقی: (۱) گویش شیروان، قوچان و اطراف آن ها، (۲) گویش درگز و لطف آباد، (۳) گویش کلات نادری، کوچکی، (۴) گویش دهکده لنگر، دو گویش اخیر تا حدودی شبیه اوزبکی است.

*لهجه جنوبی: (۱) گویش روستای چارم، (۲) گویش خروعلیا(قصبه بزرگ) و روح آباد، (۳) گویش سلطان آباد، جغتای و روستای حکم آباد. بعضی از خصوصیات دو گروه اخیر به عثمانی شبیه است. به نظر دورفر گویش جغتایی به بجنوری نزدیکتر است.

امیدوارم از اطلاعاتی که دو پرفسور معروف جهان تورک یعنی پرفسور جواد هیئت و پرفسور دورفر به همراه اثرهای با ارزش استاد اسماعیل سالاریان در اختیار ما قرار داده اند خوب و به صورت کامل استفاده کنیم. ولی شاید تا این جا برایتان سوالی به وجود آمده باشد که چرا اینقدر تفاوت در بین گویش های تورکی خراسان وجود دارد. باید این طور جواب داد که در خراسان بزرگ اقوام تورک زیادی زندگی می کنند که به خاطر همین باعث شده که تفاوتی در گویش ها به وجود بیاید، در خراسان امروزی نام ایل های تورکی که در این سرزمین پهناور زندگی می کنند عبارت اند از: گرایلی {کرائیت}، افشار، تاتار، اوزبک، بیات که اگر در بخش بعدی مقاله من را همراهی کنید برایتان از وجود تورک ها در کل کشور ایران خبر می دهم و فقط در این جا نکته را می گویم که تورک ها در طول تاریخ در آسیای میانه به صورت پراکنده زندگی می کنند به همین خاطر است که اگر به مناطقی که مثل خراسانی که در ایران وجود دارد نگاه کنیم در اولین نگاه رنگین کمان اقوام را مشاهده می کنید و بعد از فهمیدن هویت آن اقوام که فارس و کرمانج و تورکمن و تورک هستند باز با دقت نگاه کردن بر ملت بزرگ تورک در در خراسان می فهمیم که جمعیت زیادی از ترکان خراسان از ایل های مختلف اند.

همین عامل باعث وجود تفاوت هایی بین گویش ها در خراسان و در بین تورک های خراسانی می شود. البته در ادامه صحبت های آن دو بزرگوار { پرفسور محمد جواد هیئت و پرفسور دورفر } یکی از دلایلی که ترکان خراسان برای فرهنگ خود که شامل لباس و زبان و میراث فرهنگی می شود تحقیق و پژوهشی انجام نداده است یک عامل سیاسی و تورک ستیزانه دارد که اگر امروزه به قوم کرمانج نگاهی بکنیم زمان حضورشان در خراسان به ۴۰۰ سال نمی رسد ولی به طور چشم گیری سردارهایی و لباس محلی ثبت شده و دیگر اجزای فرهنگی دارند ولی در مقابل امروزه اگر از افراد تورک در خراسان پرسشی در مورد هویت آن ها صورت بگیرد جوابی دریافت نمی شود. این سیاست تورک ستیزانه در زمان به روی کار آمدن رضا میرپنج و دوره ی پهلوی اول شروع شد و به شدت ادامه دارد و در بین این عمل های فاشیستی عملی که امروزه به چشم می خورد تغییر اسامی مکان ها از تورکی به فارسی بود که در خراسان هم به چشم می خورد مانند مکان تفریحی ای که امروزه در شیروان به نام شیرکوه وجود دارد که در اصل اسم اول آن مکان {قراوول چینگه} بوده است و یا رشته کوه های هزار مسجد امروزی که اسم اول و اصلی آن مکان {کوْپه داغلر} است.

این دو مثال فقط برای آگاهی یافتن بود، در ۳۰ سال قبل جوی در خراسان به راه افتاد و این حرف بر سر زبان ها افتاد که {هر کسی فارسی حرف بزند با کلاس است و در طبقات بالای اجتماعی قرار می گیرد}. ولی تا به امروز هیچ فرهنگی نسیب مردم نشد و شاهد این هستیم که فارسی حرف زدن به جزء نفرین کردن و فحش رکیک دادن حال چه به شوخی و چه جدی چیزی نسیب ما نکرده جزء انگشت نما کردن ایرانیان در جهان، در کنار فارسی حرف زدن هم تاریخ فارسی هم نسیب ما شد که اگر کمی تأمل و دقت شود دارای جعل و دروغ است که قسمتی از آن را در بخش دوم ذکر می کنم.

دوستی و صلح کاری بسیار زیبا است و امری خدا پسندانه است ولی در کنار این عمل خوب اگر از خود باوری دور بمانیم ضربه ای بزرگ به زندگی خود زده ایم و برای نسل آینده مان هیچ کاری نکرده ایم و به آن ها ظلم بزرگی کرده ایم. این را باید ذکر کنم که شاید به این نتیجه رسیده باشیم که امید به زندگی در ایران به قدری پایین آمده است این عامل خودش را در بین افراد جامعه نشان داده است ولی این رو هم ذکر کنم که انسان با امید است که پیشرفت می رسد.

اگر مردم بخواهند باز هم راه قبل را ادامه دهند دچار یک مرگ عذاب آور می شوند، چون آدمی که امید نداشته باشد در حال مرگ است و حال از مرگ خود لذت می برد و هم در هر صحنه ای و زمانی عذاب شدیدی می کشد. از سال ها قبل که این جو و نگرش در بین مردم جا گرفته است آزادی و استقلال فردی برای ملت تعریفی ندارد و نگاه ملت به این موضوعات خنده و مسخره کردن را به همراه دارد چون هر روز در حال مرگ هستند و از این نوع مُردن لذت می برند؛ حتماً برای بیشتر مردم زبان مادری یک عمل ساده باشد و حتی امروزه این عمل برای بیشتر مردم تعریف نشده است و مردم با تبلیغات شوونیسم فارس، زبان فارسی را برای خود انتخاب کنند، این کار نشانه ی این است که مردم نمی خواهند به خود باوری کاملی برسند و همیشه پیرو و در بند ارباب خود می مانند چون ذلت پذیری را هم خیلی دوست دارند.

زبان مادری نور درخشانی در راه استقلال فردی است چون اگر در دوران کودکی آن را به کار ببرد نوع شخصیت آن فرد در آینده درخشان و پر از پیشرفت خواهد شد. می بینید که فقط یک عامل که زبان مادری است زندگی انسان را تغییر می دهد ولی همین عامل باعث رنجش بعضی ها می شود. امروزه در کشورهای مدرن جهان مانند فلاند و سوئد کودکان را مجبور می کنند که حداقل سه زبان را بیاموزند تا در مراحل بعدی کار آن ها در کالج راحت تر شود. ولی امروزه مادر و پدران به اشتباه و برای سیاست کسانی دیگر کودکان خود را از زبان مادری اش جدا نگه می دارند.

همیشه در زندگی برای دیگران هم خوبی بخواهیم و کار خیر کنیم ولی در کنار این ها از حق خودمان نگذریم تا مهره ی سوخته ی این روزگار نباشیم اگر از حق خود مانند همین بحث ها بگذریم به خودمان و به کودکانمان ظلم کرده ایم.

زبان و فرهنگ جزء اصلی ای از ارکان زندگی یک شخص است پس باید زبان مادری را یاد بگیریم و آن را حفظ کنیم. در کنار کارهای روزمره است که همراه زبان مادری خود و حفظ هویت پیشرفت حاصل می شود.

تاریخ و جمعیت تورک های خراسان

در این قسمت از مقاله از تاریخ تورک ها صحبت می کنیم و در آخر به همراه تحقیقات میدانی و منابع موثق نگاهی به جمعیت ترکان خراسان می اندازیم.

در اولین گام از این قسمت اگر بخواهیم تاریخ تورک ها را بدانیم باید خود واژه ی تورک را بفهمیم. محتملاً این واژه چند هزار سال پیش از میلاد پدید آمده است، این نام در سده های پایانی هزاره دوم قبل از میلاد وجود داشت. {۲۰}

درباره ترکان باستان، آگاهی هایی در منابع قدیمی چینی و بیزانس وجود دارد. منابع اسلامی نیز درباره ترکان به ویژه پس از مسلمان شدنشان، آگاهی های گسترده ای ارائه کرده است، برخی پژوهشگران اروپایی نیز در این باره پژوهش های بسیاری انجام داده و آثاری ارزشمندی آفریده اند. با توجه به مدارکی که منابع چینی به ما میدهند محل پیدایش و جایگاه اولیه ی زندگی تورک ها را کوه های آلتائی و دامنه های کوه های مجاور آن می دانند و باید اضافه کرد که تورک ها زندگی کردن در کنار کوه آلتائی با گذشت زمان و ازدحام جمعیت آن ها طی قرون ها از شرق آسیا به طرف مرکز و غرب این قاره کوچ کردند. {۲۱}

مردم تورک از قدیمی ترین مردمان جهان هستند و در تاریخ ۷ هزار ساله خود در قاره های آسیا، آفریقا و اروپا پراکنده اند و دولت ها و ملت های بزرگی را در آنجا تشکیل داده اند. قبایل تورک پس از پذیرش اسلام، دولت های بزرگ مسلمان را تأسیس کرده و به طور مؤثر در نشر دین اسلام و ایجاد معارف اسلامی، شرکت و همکاری داشتند، چنانکه تورک ها را {سیف الاسلام} نامیده اند.

تاریخ قبائل تورک با مهاجرت آن ها پیوند خورده است. از سده گذشته، نظرات و پژوهش های مختلفی درباره خاستگاه اصلی آن ها صورت گرفته است. طبق نظریه ای که امروزه پذیرفته شده، خاستگاه اصلی آن ها دشت های میان کوه های آلتائی و اورال در آسیای مرکزی بوده و آنان از این جا به اطراف پراکنده شده اند. {۲۲}

این پراکندگی و کوچ در نتیجه افزایش جمعیت و کمبود چراگاه ها به وجود آمده است. {۲۳} در سال های اخیر پژوهش های باستانشناسی دانشمندان شوروی کیسلف {S.V.Kiselev} و چرینکوف این اندیشه را به میان آوردند که آثار هنری {به شکل حیوان} مربوط به ۱۷۰۰ تا ۲۵۰۰ قبل از میلاد که در منطقه مینوسینک در غرب کوه های آلتای یافت شده یعنی فرهنگ آفاناسیف {AFanasyev} و به ویژه شکل پیشرفته این فرهنگ یعنی فرهنگ آندرونوف {Andronov} {۱۲۰۰_۱۷۰۰ قبل از میلاد} به اجداد ترکان مربوط بوده و اینان از دوره سنگ در مناطق جنوب غربی کوه های آلتای _ سایان یعنی دشت های مینوسینک، تووا _ آباقان می زیسته اند.

در گزارش های دیگری هم ذکر شده است اجداد ترکان قدیم ۱۷۰۰ سال قبل از میلاد مسیح، در اطراف کوه های آلتای و تانری {تیان شان} فرمان روایی می کردند. بخشی از اینان از راه قزاقستان به ماوراءالنهر آمده با آریایی ها و قبایل اورال ارتباط یافته اند، در نتیجه این ارتباط نیز زبان آن ها را نیز با زبان این اقوام ارتباط یافته و میان آن ها داد و ستد و تأثیر متقابل رخ داده است. {۱۷۰۰ سال قبل از میلاد}. بخشی از ترکان باستان نیز از وطن خود رخت بر بسته و به دشت های قانسو در شمال غربی چین و اوردوس {Ordos} در مغولستان داخلی کوچ کرده اند. بخشی دیگر نیز از رودخانه ایستیل {ولگا} گذشته و در دشت های شمال دریای سیاه جای گرفتند. {۸۳}

این جدایی و پراکندگی به مرور زمان بر زبان آن ها تأثیر گذاشته است و موجب پیدایش لهجه های مختلف شده. ابتدا این لهجه ها بر اساس {ز} و {س} پدید آمده بدین گونه که واژگانی با ابتدای {س} موجب تشکیل گویشهای یاقوت و چوواش و واژگانی با ابتدای {ز} باعث پیدایش گویشهای دیگر تورکی شد. {۲۴}

نام تورک در منبع باستان با گویش های مختلف پبت شده است. {تارگیتا در هرودوت، توروخا در منابع هندی، توکوئه در منابع چینی و ...}

در کتیبه اورخون مربوط به سده ی هفتم میلادی در تلفظ کنونی به معنای ملت و دولت به کار رفته است، برای واژه ی تورک هم معنای مختلفی چون تولید مثل، نیرو، توان، کلاخود و انتظام آورده اند. به نظر می رسد که تورک نام قبیله ی آشنایی بوده که دولت گوک تورک را در سال ۵۵۲ میلادی تشکیل داده و اداره می کرد این نام بعدها به تمام مردم و قبائلی عمومیت یافته

است که به این زبان سخن می گفته اند. {پرفسور جواد هیئت / تاریخ مختصر تورک / مترجم: پرویز زارع شاهمرسی}

نژاد ترکان از شاخه توران و سفید پوست بوده اساساً براکیسفال، دارای صورت گرد و چشم بادامی بوده اند. حال آنکه مغولان دولیکوسفال هستند. برای اینکه بتوانیم چهره ی اصیل تورک را تصور کنیم باید مجسمه و یا تصور مجسمه ای را ببینیم که در کنار مزار شاهزاده کول تکین بر کرانه رود اورخون یافت شده است.

انسان آندرونوف که توسط باستان شناسان شوروی در سالهای اخیر در اطراف قصبه آندرونوف یافت شده، خصوصیات انسانی شناختی ترکان باستان را {براکیسفال، موهای با رنگ سیر، صورت گرد و کمی بیضی، میان بالا(۱۶۷سانتی متر) و چشم بادامی} نشان می دهد. تورک های باستان جمعیت بالایی بود که عبارت اند از: ۱_هون ها، ۲_تاپقاچ ها، ۳_گوک تورک ها، ۴_اویغورها، ۵_قیرقیزها، ۶_تورگیش ها، ۷_قارلوق ها، ۸_اوغوزها، ۹_سابارها، ۱۰_آوارها، ۱۱_خزرها، ۱۲_پنچنک ها، ۱۳_اوزها، ۱۴_قپچاق ها، ۱۵_اوغوزها و بلغارها، ۱۶_خلج ها، تورک ها بد از ظهور دین اسلام و پذیرش دین اسلام حکومت های بزرگی و قدرتمندی را تأسیس کردن که بیشتر این حکومت ها در خراسان ظهور کردن و مدت بسیار طولانی حکومت کردن که عبارت اند از: قاراخانیان، غزنویان، سلجوقیان، اتابکان، تیموریان، گورکانیان، افشاریان، جانی قربانیان، خوارزمشاهیان، ایلخانیان و اشکانیان((تورک های خراسانی که افراد بومی منطقه خراسان بود)).

*ویل دورانت در کتاب تاریخ تمدن در مورد پارت ها این گونه توضیح میدهد:

((پارت ها که، از چند قرن پیش، بخش جنوبی دریای خزر را به عنوان اتباع پادشاهان هخامنشی و سپس سلوکیان اشغال کرده بودند، ریشه سکوتیایی_تورانی داشتند و به عبارت دیگر، از لحاظ نژادی به مردم جنوب خاوری روسیه و ترکستان می پیوستند. در حدود سال ۲۴۸ق.م یکی از سران سکوتیایی به نام ارشک(آرساکس) بر پادشاه سلوکی بشورید و کشور پارت ها را متسقل گردانید {۲۵}).

*محمد حسن اعتماد السلطنه در کتاب {دُررالتیجان فی تاریخ بنی الاشکان} به کوشش و اهتمام نعمت احمدی در صفحه ی ۹۶_۹۷ این کتاب درباره ی پارت ها این گونه توضیح میدهد:

((ملوک الطوائف ایران _ که ما بین کیان و ساسانیان بوده اند _ دو طایفه اند: اولی را اشکانیان خوانند و دویم را، چون نامی نمی دانند، به تعریب همین اسم اشغانیان می گویند. و این هر دو طایفه، قریب پانصدسال در ایران فرمان روا بوده {اند} و اول شخص طایفه اولی، اشک نام داشته و از نژاد پادشاهان نبوده بل که به تحقیق یکی از فضلال انگلیس، ساکن ینگی دنیای شمالی که کتابی در تحقیق اصل و نسب طوائف روی زمین نوشته و خیلی محقق داناست و کمال دقت را در تألیف خود نموده، اشک اول از اهالی داغستان {مقصود دشت قبچاق است} _ آن طرف در بند _ بوده. بعد از آنکه ظلم و بی حسابی خلفای اسکندر _ که مدت پنجاه سال بدون دغدغه حکم رانی ایران را داشتند _ اکثر مردم را به ستوه آورد، این اشک که مردی دلیر و با همت بود، بر آنطیوخس _ سیم پادشاه از خلفای اسکندر _ خروج نمود و مردم ایران به مدد او کمر بستند؛ جمعیتی عظیم دور او فراهم آمد و میان اشک و آنطیوخس، جنگی بزرگ واقع گردید. آنطیوخس که مقدمه دعوی خدایی را ترتیب می داد و خود را تئوس خوانده {بود}، در آن جنگ کشته شد و خیلش به جانب شام و انطاکیه گریختند و دست ستم اهل یونان، از ایران کوتاه گشت و دیگر به خیال آن جا نیفتادند. اما اشک، چون مردی دانا بود، می دانست با وجود عدم نژاد خاندان شاهی و تورک بون، سلطنت تمام ایران را پارسیان به او نخواهند گذاشت و تمکین او نخواهند کرد؛ لهذا به کسانی که تقویت و اعانت او نموده بودند، رعایت نموده، هر یک را قطعه یی از مملکت ایران داده و خود قسمت بزرگ تر را گرفته مقدم و رییس کل گردید؛ مشروط که در جنگ دشمنان همپشت بوده خارجی را به مملکت راه ندهند و نگذارند. و همین طور اولاد او نسلا بعد نسل سلطنت نموده و دیگران به اطاعت آن ها بودند و با رومیان، که طمع به ایران داشتند، جنگ های مردانه کردند و به ازعاج ایشان پرداختند. اهل ایران را به هیچ وجه از گزارش حالات آن ها خبری نیست، اما رومیان فضایح شکست های خود را از آن طایفه ثبت کرده و تفصیل داده اند.))

تا این جا مختصر توضیحی در مورد تاریخ تورک ها دادم حال وقت آن رسیده که به مکان زندگی و جمعیت ترکان خراسان به طور تخصصی بپردازم تا از آمار جمعیت آنان و مکان زندگی آنان و تاریخ و فرهنگ شان مطلع شوید.

در گام اول به سراغ مناطق تورک نشین در خراسان می رویم تا محدود های تورک نشین خراسان را پیدا کنیم. قبل از آغاز توضیح دادن باید بگم تاریخ مدون کشور ما، در تمام ادوار نشان می دهد که ایلات و طوائف هر منطقه، تحت تأثیر تربیت قومی و میهنی ذاتاً وطن خواه هستند و به

حیثیت قومی، و موقعیت اجتماعی و مسئولیت خود در قبال دولت و میهنشان آگاه و به حفظ آن پایبند بوده اند، و مکرراً در وقایع و پیش آمدهای کشور که در آن ها بیم تحریکات بیگانگان و تجاوز آن ها به حدود و حقوق مردم منطقه میرفته است، رؤسای ایلات و فرزندان رشید و دلاور طوایف اختلاف های بین خود یا با دولت را کنار نهاده و با نثار جان و مال برای دفاع از خاک و استقلال کشور صمیمانه قد علم کرده اند و به مبارزه پرداخته اند.

نظایر این وقایع را می توان به مردمان تورک خراسان و تات ها اشاره کرد. برای مثال: هنگام ظهور نادرشاه از درگز، ایل ها و طایفه های عشایر خراسان از قبیل قرقلو، کوسه احمدلو، جلایر، چاووشلو، قراباشلو، سرورلو، پاپالو، قراچورلو، تورکمن ها، گرایلی ها، تاتار ها، دیگر عشایر ایل افشار، شادلوها و بعد از جنگ هایی با کرمانج ها باچوانلو، زعفرانلو، تحت فرماندهی نادر، برای بیرون راندن بیگانگان متجاوز و غاصب از خاک میهن قد مردانگی برافراشتند و با رشادت و شجاعت شمشیر زدند و جان باختند و تمام سرزمین های از دست رفته را بازستاندند. {۸۵}

درست مثل این رخ داد {ظهور نادر} سال ها بعد هم با ورود ارتش ظالم شوروی و اشغال خراسان سردار ملی تورک خراسان، ججوخان با غیرت و مردانگی اش به همراه تمام مردان شهر لطف آباد درگز چنان درسی به اشغال گران روس دادند که سال ها تمام جنرال ها و درجه داران روس انگشت به دهان ماندن و حتی طبق روایتی از کتاب ایلات و طوایف خراسان نوشته شده به قلم سید علی میرنیا وجود دارد که بعد از شهادت ججوخان توسط کرمانج ها که تنها راهنمای منطقه ای شوروی بودند پیکر مطهر آن شهید بزرگوار وطن به روسیه منتقل شد تا جمجمه ی سردار ججوخان شکافته شود.

در زمانی که بخشی از عملیات خوانین ایلات خراسان، در کتاب {وقایع خاور ایران} شرح داده شده، باید توجه داشت که در آن موقع، ملوک الطوایفی در ایران برقرار بوده است و هر رئیسی در حوزه ی ایلی خود و میان طوایف خود سمت ایلخانی و حکمرانی داشت، و عده ای از جوانان و مردان دلاور مسلح و آماده به خدمت داشت که، در موقع عادی مسئول حفظ امنیت قلمرو، حکمرانی خود بودند و در هنگام بروز خطر و بیش آمد تجاوز بیگانه به یاری استاندار و ارتش مرکزی می شتافتند و صمیمانه در انجام مأموریت محوله بجان می کوشیدند، نیروهای محلی شبه نظامی خان ها، یکی از ذخایر مهم کشور و پشتوانه ارتش مرکزی محسوب می شدند، درست در زمان حمله ی شوروی به آذربایجان ایل ها و طایفه های آذربایجانی بودند که با استقامتی که از

خود نشان دادند سال ها مقابل شوروی که یکی از ابر قدرت های جهان بود را وادار به پذیرش قرارداد ترکمچای کرد تا از طرف حکومت وقت فقط قسمتی از آذربایجان را فدای کل ایران کنند.

خراسان سرزمینی وسیع و با تمدنی غنی است که اهمیت بالایی برای حکومت های پرقدرت داشت. سرزمین خراسان در تاریخ قدیم پنج کشور ایران، تورکمنستان، افغانستان، ازبکستان، تاجیکستان را شامل میشده است که از استان سمنان امروزی در ایران شروع می شود و تا به قسمت های جنوبی کشور تاجیکستان ختم می شود.

ساکنان سرزمین بزرگ خراسان تورک ها و تات ها {فارس زبان ها} هستند. در دوران صفویه بود که به دستور شاه اسماعیل صفوی کرمانج ها از شمال غربی کشور به خراسان تبعید شدند و حال آن قسمت از خراسان که در ایران واقع شده است دارای قومیت های فارس و کرمانج در کنار ملت تورک تورکمن هستند. روی صحبت ما آن منطقه از خراسان است که در کشور کنونی ایران قرار دارد که از سمنان شروع می شود و در شرقی ترین نقطه ایران یعنی سرخس به پایان میرسد و از شمال از استان گرگان شروع می شود و تا نهبندان پایان می یابد.

تورک های خراسان در ایران به صورت پراکنده زندگی می کنند، در دوره ای که ایران رو به مدرنیته رفت بیشتر ترکان خراسان برای دست یافتن به علم و کسب و کار خوب به کلان شهرها و حتی جمعیتی از آنان به خارج از کشور مهاجرت کردند. پیشرفت علمی که بین ترکان خراسان جای گرفت یکی از عوامل عقب ماندگی فرهنگی آن ها شد، به این خاطر که آنقدر غرق اوضاع مادی و رنگ و لعاب فرهنگ غرب شدند، به این خاطر آن قدر غرق در موضوعات به وجود آمده توسط رژیم وقت {پهلوی} شدند تا از اصل هویت خود دور بمانند و اصل سیاست رژیم وقت در کل فدا کردن ملت غیر فارس برای هویت فارسی بود تا بتواند از کشور ایران فقط تاریخ و فرهنگ فارسی خالص بسازند، این عمل شوونیسم فارس است و همین عمل کمک بسیار زیادی به آن ها کرد که به راحتی هر چه تمام تر عملیات آسیمیله کردن {ذوب فرهنگی} ترکان خراسان را پیش ببرند تا از کل کشور ایران یک هویت فارسی بیرون بیاید.

امروزه در استان های سمنان و کرمان و مازندران هم ترکان خراسان حضور دارند، تورک هایی که در کرمان زندگی می کنند از ترکان افشار خراسان هستند. ترکان خراسان دارای ۷۹ ایل هستند که عبارتند از:

- (۱) افشار (۲) ابرلو، (۳) آبیوردلو، (۴) آتامیش، (۵) اجرلو، (۶) احمدلو، (۷) ارشلو
- (۸) ارغیانلو، (۹) ارلات جغتای، (۱۰) استاجلو، (۱۱) اشک آبادلو، (۱۲) انائولو، (۱۳) اوتانلو،
- (۱۴) اوزبک، (۱۵) اوزدمیرلو، (۱۶) ایده لو، (۱۷) ایگدرلو، (۱۸) ایل اوغلی، (۱۹) ایمانلو،
- (۲۰) ایمرلو، (۲۱) باباخانلو، (۲۲) بغایری، (۲۳) بقمنجی، (۲۴) بلوی، (۲۵) بوباشی، (۲۶) بهادرلو،
- (۲۷) بیات، (۲۸) بیگ، (۲۹) پاپالو، (۳۰) تاتار، (۳۱) تورک های آذربایجان، (۳۲) یکه لو،
- (۳۳) تیمورتاش، (۳۴) تیموری، (۳۵) جانی قربانی، (۳۶) جغتایی، (۳۷) جلایر، (۳۸) جمشیدی،
- (۳۹) جوان شیر، (۴۰) خواجه لر، (۴۱) روتی، (۴۲) زنگانلو، (۴۳) ساروانلو، (۴۴) سروبرلو،
- (۴۵) سونجلی، (۴۶) شاملو، (۴۷) شیرقلو، (۴۸) شیخلر، (۴۹) چاووشلو، (۵۰) چولایی، (۵۱) چوله،
- (۵۲) خضری، (۵۳) خلج، (۵۴) علی ایلی، (۵۵) قاجار، (۵۶) قارشی قوزی لو، (۵۷) قراباشلو،
- (۵۸) قراچوخالو، (۵۹) قراخانلو، (۶۰) قواقویونلی، (۶۱) قراگوزلو، (۶۲) قرایی، (۶۳) قرقلود،
- (۶۴) قزل باش، (۶۵) قلزایی، (۶۶) قلیچی، (۶۷) قورغلو، (۶۸) کوسه احمدلو، (۶۹) کنگرلو،
- (۷۰) کهرلو، (۷۱) گرایلی، (۷۲) گندوزلو، (۷۳) گوارسلو، (۷۴) گوگلان، (۷۵) مادوانلو،
- (۷۶) مورچلو، (۷۷) مهینه لو، (۷۸) نخورلی، (۷۹) هزاره.

*ایل شادلو از ایلات بزرگ خراسان است که درباره ی وضعیت قومی آن صحبت های زیادی شده است ولی به استناد از کتاب شهر من بیجین یورد نوشته شده به قلم رضا تأثیری در جلد اول و در صفحه ی ۴۰ _ ۹۰ _ ۹۱ توضیح داده شده است که:

((طایفه شادلو قبل از این که به شمال خراسان انتقال یابند در نواحی قفقاز و شرق ترکیه در شهر های مختلف زندگی می کردند. قبلا گذشت که طایفه شادلو، از طوایف بزرگ آسیای میانه نبودند، زمانی که با سایر تورک ها از طریق شمال دریای خزر و جلگه های دهانه رود ولگا خود را به نواحی شرق دریای سیاه رساندند هنوز هم جزء طوایف کم جمعیت بودند لذا در قفقاز خود را به

طوایف بزرگ این ناحیه نزدیک کردند تا در سایه توان و قدرت آن‌ها بتوانند موجودیت خود را حفظ کنند. تشکیلات که تورک‌ها در آسیا برای ملت خود درست کردند به نام {گوک تورک} معروف شد. تعدادی از فرماندهان دیگر اقوام نیز بودند که با عناوین مختلف سمت ریاست و فرماندهی سایر قبائل را بعهده داشته‌اند. بالاخره فرماندهان نیز با قبایل خود وابسته به خاقان نشین‌هایی بوده‌اند که توسط شاهزادگان و یا صاحب‌منصبان وابسته به خاندان‌های سلطنتی با عناوین {یابغو} و {شاد} اداره می‌شدند. قبایل متعددی به گوک تورک‌ها پیوستن که از آن‌ها تاردوش‌ها به اعضای خاندان سلطنتی تحت عنوان {شاد} و تولس‌ها نیز به شاهزادگانی با عنوان یابغو و اگذار شد. شاید {شاد}‌ها نیز بعدها به صورت یک قبیله در آمده‌مانند خیلی از قبایل دیگر، آن‌ها هم جذب یک قبیله دیگر شدند؛ اما مدت‌ها از صحنه تاریخ محو گردیدند تا اینکه یک بار دیگر در شهرهای قفقاز ظاهر شده و مدت‌ها بعد با کرمانج‌های در آن منطقه به هم پیوستند و با آن‌ها یکی شدند. اگر این فرضیه درست باشد باید گفت که شاد قبیله کوچکی بود که برای حفظ موجودیت خود، مجبور شده به یکی از قبایله‌های بزرگ بپیوندد تا بتواند در کنار آن‌ها از موجودیت خود محافظت کند. البته فرضیه فوق ممکن است درست نباشد، اما آنچه که یقین داریم این است که شادلوها از طایفه‌های کوچک و کم‌جمعیت آسیای میانه بوده‌اند که به تدریج خود را از طریق شمال دریای خزر به قفقاز رساندند و مدت‌ها در آنجا در کنار یک طایفه پرقدرت، موجودیت خود را حفظ کردند تا اینکه در دوره صفویه به خراسان منتقل شدند. اگر این طور باشد باید گفت گذشتگان طایفه شادلو عمل درستی انجام داده‌اند که به این ترتیب توانستن موجودیت خود را حفظ کنند آن‌ها قبل از اینکه به خراسان بیایند در نواحی قفقاز و شرق ترکیه در شهرهای مختلف از قبیل: دِوین، چخور سعد، بوجنگرد، گنجه، ایروان، قراباغ، بود و مکان اصلی آن‌ها در قفقاز بود.))

دوباره برای یادآوری بیان می‌کنم که خراسان بزرگ در تاریخ قدیم شامل پنج کشور امروزی می‌شده است که در سال ۲۴۷ پیش از میلاد پارت‌ها حکومت پرقدرت خود را در خراسان بزرگ شروع کردند و پنج قرن حکومت آن‌ها ادامه داشت، به غیر از این سلسله‌ی پرقدرت و درخشان تورک دیگر حکومت‌های صاحب‌نام تورک دیگر هم بودند که حکومت‌شان در خراسان ظهور کرد که عبارت‌اند از: غزنویان ۳۵۱ هـ.ق، سلجوقیان ۴۲۹ ق، خوارزمشاهیان ۴۹۰ ق، ایلخانیان ۶۵۳ ق، جانی قربانی ۷۳۹ ق، تیموریان ۸۰۷ ق، افشاریان ۱۱۴۸ ق. در کنار تورک‌های خراسان و تات‌ها که ساکنان اولیه این سرزمین‌اند در زمان ظهور حکومت‌های بزرگ که اصالت

تورکی داشته اند دیگر اقوام تورک از دیگر مناطق به خراسان آمدند مانند ترکان قارلوق که در زمان غزنویان به خراسان آمدند، و در تعریف مورخان فارس ترکان قیچاق که در زمان حکومت خوارزمشاهیان به خراسان آمدند، گرایلی ها و تاتار ها در زمان حکومت ایلخانیان به خراسان آمدند، اوزبک ها در زمان حکومت تیموریان به خراسان آمدند ولی با یک تحقیق ساده همیشه فهمید این اقوام تورک از قبل در خراسان زندگی می کردند و در تاریخ کوچ کردن بر اثر افزایش جمعیت یک امر طبیعی است چون کمبود چراگاه را به دنبال خود دارد و حتی امروز نباید ترکان خراسان را فقط در خراسان دنبال کرد زیرا در اثر به وجود آمدن عواملی مجبور به مهاجرت به دیگر مناطق ایران شدن، مانند تیره ای از ایل بزرگ قشقایی که از تورک های گرایلی خراسان هستند. با تحقیق کردن از منابع بین المللی همیشه فهمید که جمعیت ترکان خراسان آنچنان که شوونیسم فارس با تبلیغات خود نشان می دهد کم نیست بلکه جمعیت بالایی را به خود اختصاص میدهند.

حال می خواهم با نگاه دقیقی به مناطق تورک نشین خراسان، تحقیقی را انجام دهم و نتیجه ی آن را برای خوانندگان محترم این مقاله بیان کنم. در این تحقیق از شهر تا روستا را زیر نظر دارم تا تمام مناطق تورک نشین در خراسان را برای شما بیان کنم. به یاد داشته باشید این توضیحات آبادی های تورک نشین با اندکی تحقیقات میدانی و به استناد از فرهنگ جغرافیای ملی ترکان ایران نوشته شده به قلم ژنرال دکتر محمود پناهیان تبریزی در جلد چهارم در قسمت استان نهم و منبع تحقیق ستاد ارتش ایران ۱۳۲۹_۱۳۳۱ تهیه شده است.

{بعد از توضیحات آبادی های تورک نشین خراسان، منتظر اصل صحبت ها در مورد واقعیت های مدنی ترکان در خراسان باشد و آن قسمت را با دقت تمام مطالعه کنید.}

* بجنورد

((مطالعه جهت آگاهی یافتن و بالا رفتن اطلاعات))

(۱) **آب چور:** دهی از دهستان آلاداغ بخش مرکزی شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۴۲۹ سکنه دارد و کل جمعیت این ده را تورک ها تشکیل میدهند که در کنار آن ها کرمانج ها ساکن شدند.

(۲) **اخلی:** دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان گرمخان که دارای آب و هوایی کوهستانی - معتدل است و ۱۵۵ سکنه دارد و کل جمعیت این ده را تورک ها تشکیل میدهند که در کنار آن ها کرمانج ها ساکن شدند.

(۳) **ارگ:** دهی از دهستان آلاداغ شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی جلگه ای - معتدل است و ۹۲ سکنه دارد و کل جمعیت این ده را تورک ها تشکیل میدهند که در کنار آن ها کرمانج ها ساکن شدند.

(۴) **ارکان:** دهی از دهستان آلاداغ شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۳۱۷۳ سکنه دارد که در این ده تورک ها و کرمانج ها زندگی می کنند.

(۵) **ازون بیجه:** دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهر گرمخان که دارای آب و هوایی جلگه ای - معتدل است و ۳۰۶ سکنه دارد و در این ده در کنار تورک ها تات ها و کرمانج ها زندگی می کنند {۲۶}

(۶) **استاد:** دهی از دهستان بدرانلو بخش حومه شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - معتدل است و ۲۴۲ سکنه دارد که در این ده تورک ها و تات ها زندگی می کنند.

(۷) **استئین:** دهی از دهستان میان آباد بخش مرکزی شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی گرمسیر - جلگه ای است و ۲۰۰ سکنه دارد در این ده تورک ها و کرمانج ها زندگی می کنند.

۸) اسپاخو: دهی از دهستان آلمه بخش حومه شهرستان مانه و سملقان که دارای آب و هوایی کوهستانی - معتدل است و ۲۴۹ سکنه دارند و در این ده تورک ها زندگی می کنند.

۹) اسدلی: دهی از دهستان آلاداغ شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - معتدل است و ۲۹۲ سکنه دارد که در این ده تورک ها و کرمانج ها و تات ها زندگی می کنند.

۱۰) اسفیدان: دهی از دهستان بخش مرکزی شهر گرمخان که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۳۰۰ سکنه دارد در این ده تورک ها و کرمانج ها و تات ها زندگی می کنند.

۱۱) اشوت تپه: دهی از دهستان حصارچه شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - گرمسیر است و ۱۲۸۹ سکنه دارد که در این ده تورکمن ها و تات ها زندگی می کنند.

۱۲) اشرفدال/ اشرف دره: دهی از دهستان باغلق شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - معتدل است و ۱۲۴۴ سکنه دارد که در این ده تورکمن ها و تات ها زندگی می کنند. {۲۷}

۱۳) اشرف الاسلام: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - گرمسیر است و ۵۵۶ سکنه دارد که تورکمن ها در این دهستان زندگی میکنند.

۱۴) آقا قورت: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - گرمسیر است و ۶۱۰ سکنه دارد که کل جمعیت این ده را تورکمن ها تشکیل می دهند.

۱۵) آق تپه: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهر گرمخان که دارای آب و هوایی جلگه ای - معتدل است و ۵۸۴ سکنه دارد و در این ده در کنار تورک ها، تات ها و کرمانج ها زندگی می کنند.

۱۶) آقر قایه: دهی از دهستان حصارچه شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۵۶۲ سکنه دارد که تورکمن ها در این دهستان زندگی میکنند.

(۱۷) اله وردیخان: دهی از دهستان آلاداغ شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی جلگه ای - معتدل است و ۱۶۵۵ سکنه دارد که جمعیت بالایی را در این روستا کرمانج ها تشکیل می دهند و تورک ها و تات ها هم در این روستا زندگی میکنند.

(۱۸) امام وردی: دهی از دهستان آلاداغ شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - معتدل است و ۱۱۸ سکنه دارد که در این ده تورک ها و کرمانج ها و تات ها زندگی می کنند.

(۱۹) امام دره: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - گرمسیر است و ۲۲۷ سکنه دارد که تورکمن ها در این دهستان زندگی میکنند.

(۲۰) امانلی: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - گرمسیر است و ۹۷۱ سکنه دارد که تورکمن ها در این دهستان زندگی میکنند.

(۲۱) امیرآباد: دهی از دهستان گیفان بخش حومه شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۲۴۷ سکنه دارد و در این ده تورک ها و تات ها زندگی میکنند.

(۲۲) آیدقدی: دهی از دهستان آلمه شهرستان مانه و سملقان که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۱۰۰ سکنه دارد و ساکنان این ده تمام تورکمن هستند.

(۲۳) آناپای: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - گرمسیر است و ۸۶ سکنه دارد که تورکمن ها در این دهستان زندگی میکنند.

(۲۴) بابا امان: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی جلگه ای - معتدل است و ۶۴۰ سکنه دارد که در این ده تورک ها و کرمانج ها و تات ها زندگی می کنند.

(۲۵) باز خانه: دهی از دهستان آلاداغ شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی جلگه ای - معتدل است و ۲۵۶ سکنه دارد که در این ده تورک ها و کرمانج ها و تات ها زندگی می کنند.

(۲۶) باش کلاته: دهی از دهستان آلمه شهرستان مانه و سملقان که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۲۶۴ سکنه دارد و ساکنان این ده تمام تورکمن هستند.

(۲۷) باغ چین/باغ چق: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - معتدل است و ۲۱۶۳ سکنه دارد که جمعیت بالای این ده را کرمانج ها تشکیل میدهند و تورک ها و تات ها هم در این روستا زندگی میکنند.

(۲۸) باغلق: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۲۱۳۱ سکنه دارد که تورکمن ها در این ده زندگی می کنند.

(۲۹) بچه دره: دهی از دهستان حصارچه شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - گرمسیر است و ۱۷۷۶ سکنه دارد که در کنار تورک ها در این دهستان تات ها هم زندگی میکنند.

(۳۰) بدرانلو: دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۱۱۲۱ سکنه دارد که در این ده کرمانج ها جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها هم در کنار آن ها زندگی می کنند.

(۳۱) برج: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی جلگه ای - معتدل است و ۴۲۰ سکنه دارد که جمعیت بالای این ده را تورک ها تشکیل میدهند و تات ها هم در این روستا زندگی میکنند.

(۳۲) برازنلو: دهی از دهستان آلاداغ شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۵۰ سکنه دارد که در این ده کرمانج ها جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها و تات ها در کنار آن ها زندگی می کنند.

(۳۳) بئش دره: دهی از دهستان راستقان شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۵۹۵ سکنه دارد که تورک ها در این ده زندگی میکنند.

(۳۴) بئش قارداش: دهی از دهستان آلاداغ شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی جلگه ای - معتدل است و ۱۰۰ سکنه دارد که جمعیت بالای این ده را تورک ها تشکیل میدهند و تات ها و کرمانج ها در این روستا زندگی میکنند.

(۳۵) بلقان: دهی از دهستان گیفان بخش حومه شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - معتدل است و ۷۰۰ سکنه دارد و در این ده تورک ها زندگی میکنند.

(۳۶) بور بور ترک: دهی از دهستان بدرانلو بخش حومه شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی است و ۹۰۹ سکنه دارد که در این ده تورک ها جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها هم در کنار آن ها زندگی می کنند.

(۳۷) بور بور کرده: دهی از دهستان بدرانلو بخش حومه شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۳۰۰ سکنه دارد که در این ده تات ها جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها و کرمانج ها در کنار آن ها زندگی می کنند.

(۳۸) بویاقلی: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - معتدل است و ۵۰۹ سکنه دارد که تورکمن ها در این دهستان زندگی میکنند.

(۳۹) بهار: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - گرمسیر است و ۵۱۹ سکنه دارد که تورکمن ها در این دهستان زندگی میکنند.

(۴۰) بیار: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان مانه و سملقان که دارای آب و هوایی کوهستانی - گرمسیر است و ۱۵۳۴ سکنه دارد که کرمانج ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۴۱) بیدک: دهی از دهستان بدرانلو شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۳۴۸۲ سکنه دارد که جمعیت بالای این ده را کرمانج ها تشکیل میدهند و تات ها و تورک ها در این روستا زندگی میکنند.

(۴۲) پائین ده: دهی از دهستان گیفان بخش حومه شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۲۴۶ سکنه دارد و جمعیت بالای این ده را تات ها تشکیل میدهند و در کنار آن ها تورک ها زندگی میکنند. {۲۸}

(۴۳) پا قلعه: دهی از دهستان آلاداغ شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی جلگه ای - معتدل است و ۱۳۶ سکنه دارد که جمعیت بالای این ده را کرمانج ها تشکیل میدهند و تات ها و تورک ها در این روستا زندگی میکنند.

(۴۴) پر سه سو: دهی از دهستان راستقان شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۱۰۶۴ سکنه دارد که د تورکمن ها در این دهستان زندگی میکنند.

(۴۵) پشین ده: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۱۱۲۷ سکنه دارد که تورکمن ها در این دهستان زندگی میکنند.

(۴۶) پیغو: دهی از دهستان بابامان شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۵۶۷ سکنه دارد که تورک ها در این دهستان زندگی میکنند.

(۴۷) تکلیک قوز/تکله قوز: دهی از دهستان راستقان شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۹۶۳ سکنه دارد که تورکمن ها در این دهستان زندگی میکنند.

(۴۸) توتلی: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - معتدل است و ۶۲۱ سکنه دارد که تورکمن ها در این دهستان زندگی میکنند.

(۴۹) تیمورتاش: دهی از دهستان بدرانلو بخش حومه شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۸۴ سکنه دارد که در این ده تورک ها جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها در کنار آن ها زندگی می کنند.

(۵۰) تنگه تورکمن: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۱۵۶۷ سکنه دارد که تورکمن ها در این دهستان زندگی میکنند.

(۵۱) تنگه راز: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - گرمسیر است و ۲۲۲ سکنه دارد که تورکمن ها در این دهستان زندگی میکنند.

(۵۲) جعفر آباد: دهی از دهستان گیفان بخش حومه شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - معتدل است و ۱۳۰ سکنه دارد و در این ده تورک ها زندگی میکنند.

(۵۳) جمی: دهی از دهستان بابامان بخش مرکزی شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۱۶۹۷ سکنه دارد و کل جمعیت این ده را تورک ها تشکیل میدهند که در کنار آن ها کرمانج ها در کنار آن ها ساکن شدند.

(۵۴) جودره: دهی از دهستان گیفان بخش حومه شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۲۲۲ سکنه دارد و در این ده تات ها و تورک ها زندگی میکنند.

(۵۵) چهار برج بالا و پایین: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان گرمخان که دارای آب و هوایی کوهستانی - معتدل {هر دو روستا} است و هر دو روستا جمعاً ۶۰۰ سکنه دارند و در این ده در کنار تورک ها، تات ها و کرمانج ها زندگی می کنند.

(۵۶) چمن بید: دهی از دهستان آلمه بخش حومه شهرستان مانه و سملقان که دارای آب و هوایی کوهستانی - معتدل است و ۱۴۲۷ سکنه دارند و در این ده تورک ها جمعیت بالایی را تشکیل میدهند، و کرمانج ها در این ده زندگی می کنند.

(۵۷) حاجی عبدالوهاب: دهی از دهستان گیفان بخش حومه شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۳۳۷ سکنه دارد و در این ده تورک ها زندگی میکنند.

(۵۸) حصارچه: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - گرمسیر است و ۱۵۲۰ سکنه دارد که تورکمن ها در این دهستان زندگی میکنند.

(۵۹) حصار شاهوردیخان / حصار حسینی: دهی از دهستان آلاداغ شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - معتدل است و ۷۲۹ سکنه دارد که جمعیت بالای این ده را تورک ها تشکیل میدهند.

(۶۰) حلقه سنگ: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی جلگه ای - معتدل است و ۶۰ سکنه دارد که جمعیت بالای این ده را تورک ها تشکیل میدهند.

(۶۱) حمامی: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان گرمخان که دارای آب و هوایی کوهستانی - معتدل است و ۹۰ سکنه دارند و در این ده در تورک ها جمعیت بالایی از این ده را تشکیل میدهند، تات ها و کرمانج ها در این ده زندگی می کنند.

(۶۲) حمید: دهی از دهستان بابامان بخش مرکزی شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۶۵۰ سکنه دارد و کل جمعیت این ده را تورک ها تشکیل میدهند، کرمانج ها و تات ها در کنار آن ها ساکن شدند.

(۶۳) خجه لره: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - گرمسیر است و ۳۴ سکنه دارد که تورک ها در این دهستان زندگی میکنند.

(۶۴) خنچو: دهی از دهستان گیفان بخش حومه شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۲۳ سکنه دارد و در این ده تورک ها و تات ها زندگی میکنند.

(۶۵) درتوم: دهی از دهستان آلاداغ بخش مرکزی شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۱۰۷۴ سکنه دارد و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

۶۶) درصوفیان: دهی از دهستان آلاداغ بخش مرکزی شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۲۱۶ سکنه دارد و کل جمعیت این ده را تورک ها تشکیل میدهند.

۶۷) دنگل: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان گرمخان که دارای آب و هوایی کوهستانی - معتدل است و ۱۵۷ سکنه دارند و در این ده در تورک ها جمعیت بالایی از این ده را تشکیل میدهند، تات ها و کرمانج ها در این ده زندگی می کنند.

۶۸) دویدخ بالا/ پایین: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - گرمسیر در منطقه بالا و کوهستانی - سردسیر در منطقه پایین است و جمعاً ۲۱۵۰ سکنه دارد که تورک ها در این دو دهستان زندگی میکنند.

۶۹) دهگاه: دهی از دهستان بدرانلو بخش حومه شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - معتدل است و ۱۷۸۲ سکنه دارد که در این ده تورک ها جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها و تات ها در کنار آن ها زندگی می کنند.

۷۰) راز: شهرستان راز و جرگلان که در زمان قدیم دهی از بخش شهرستان بجنورد بود و حال به شهر تبدیل شده است که دارای آب و هوایی کوهستانی و معتدل است و ۵۶۲۱ سکنه دارد و تورکمن ها جمعیت بالای این شهر را تشکیل میدهند.

۷۱) راستقان: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۹۲۲ سکنه دارد که تورک ها در این دهستان زندگی میکنند.

۷۲) رختیان: دهی از دهستان آلاداغ شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - معتدل است و ۹۱۸ سکنه دارد که جمعیت بالای این ده را تورک ها تشکیل میدهند و در کنار آن ها تات ها زندگی می کنند.

(۷۳) رزقانه: دهی از دهستان گیفان بخش حومه شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۳۶۵ سکنه دارد و در این ده تات ها جمعیت بالایی را دارند و در کنار آن ها تورک ها زندگی میکنند.

(۷۴) زرنه: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - گرمسیر است و ۱۱۸ سکنه دارد که تورکمن ها در این دهستان زندگی میکنند.

(۷۵) سردار آباد: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان گرمخان که دارای آب و هوایی کوهستانی - معتدل است و ۴۰۰ سکنه دارند و در این ده در تورک ها و کرمانج ها در این ده زندگی می کنند.

(۷۶) سلاخ: دهی از دهستان بدرانلو بخش حومه شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۷۵ سکنه دارد که در این ده تورک ها جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها در کنار آن ها زندگی می کنند.

(۷۷) سلولی: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان گرمخان که دارای آب و هوایی کوهستانی - معتدل است و ۱۱۵۵ سکنه دارند و در این ده در تورک ها جمعیت بالایی را دارند و کرمانج ها دومین جمعیت این ده را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

(۷۸) سنگ سار: دهی از دهستان باغلن شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - گرمسیر است و ۵۲۴ سکنه دارد که تورکمن ها در این دهستان زندگی میکنند.

(۷۹) سیساب: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهر گرمخان که دارای آب و هوایی جلگه ای - معتدل است و ۵۵۲ سکنه دارد و در این ده تورکها جمعیت بالایی را دارند و در کنار آن ها کرمانج ها دومین جمعیت بالا را دارند و تات ها هم در این ده زندگی میکنند.

(۸۰) سیوق چشمه: دهی از دهستان راستقان شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - معتدل است و ۱۴۴۱ سکنه دارد که تورکمن ها در این دهستان زندگی میکنند.

(۸۱) شاه اوجاق: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان گرمخان که دارای آب و هوایی کوهستانی - معتدل است و ۴۲۹ سکنه دارند و در این ده در تورک ها جمعیت بالایی را دارند و تات ها دومین جمعیت این ده را تشکیل می‌دهند.

(۸۲) شعبان: دهی از دهستان بدرانلو بخش حومه شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۲۱۵ سکنه دارد که در این ده تورک ها جمعیت بالایی را تشکیل می‌دهند و کرمانج ها و تات ها در کنار آن ها زندگی می‌کنند.

(۸۳) شورک: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان مانه و سملقان که دارای آب و هوایی کوهستانی - گرمسیر است و ۱۴۳ سکنه دارد که تورک ها در این دهستان زندگی میکنند.

(۸۴) شیخ: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان گرمخان که دارای آب و هوایی کوهستانی - معتدل است و ۵۲۲ سکنه دارد که تورک ها جمعیت بالای این ده را تشکیل می‌دهند و کرمانج ها دومین جمعیت این ده را تشکیل می‌دهند.

(۸۵) طراقی ترک: دهی از دهستان بابامان بخش مرکزی شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۹۲۶ سکنه دارد و تورک ها جمعیت بالای این ده را تشکیل می‌دهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالای این ده را تشکیل می‌دهند.

(۸۶) عبدالله آباد: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان گرمخان که دارای آب و هوایی جلگه ای - معتدل است و ۵۳۹ سکنه دارند و در این ده در تورک ها جمعیت بالایی را تشکیل می‌دهند و تات ها و کرمانج ها در کنار آن ها زندگی میکنند.

(۸۷) عبدالله آباد: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - گرمسیر است و ۱۱۲ سکنه دارد که تورکمن ها در این دهستان زندگی میکنند.

(۸۸) عرب: دهی از دهستان بدرانلو بخش حومه شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - معتدل است و ۱۲۱ سکنه دارد که در این ده تورکمن ها زندگی می‌کنند.

۸۹) علی گل: دهی از دهستان آلاداغ شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - معتدل است و ۸۸۰ سکنه دارد که جمعیت بالای این ده را تورک ها تشکیل میدهند و در کنار آن ها کرمانج ها زندگی می کنند.

۹۰) فخرالدین: دهی از دهستان کوهپایه ای بدرانلو شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۵۸۹ سکنه دارد که جمعیت بالای این ده را تورک ها تشکیل میدهند و در کنار آن ها کرمانج ها و تات ها زندگی می کنند.

۹۱) فرح دین: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - گرمسیر است و ۱۵۱ سکنه دارد که تورکمن ها در این دهستان زندگی میکنند.

۹۲) فیروزه: دهی از دهستان آلاداغ شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی جلگه ای - معتدل است و ۲۰۴ سکنه دارد که جمعیت بالای این ده را تات ها تشکیل میدهند و دومین جمعیت بالای این ده را تورک ها تشکیل میدهند و کرمانج ها در این ده زندگی می کنند.

۹۳) قاپاق: دهی از دهستان آلاداغ شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - معتدل است و ۱۶۹ سکنه دارد که جمعیت بالای این ده را تات ها تشکیل میدهند و دومین جمعیت بالای این ده را تورک ها تشکیل می دهند.

۹۴) قاولقا: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - گرمسیر است و ۶۲۲ سکنه دارد که تورکمن ها در این دهستان زندگی میکنند.

۹۵) قره آقاج: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - گرمسیر است و ۱۷۹ سکنه دارد که تورکمن ها در این دهستان زندگی میکنند.

۹۶) قره باشلو: دهی از دهستان آداداغ شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی جلگه ای - معتدل است و ۱۳۵ سکنه دارد که جمعیت بالای این ده را تورکها تشکیل میدهند و دومین جمعیت بالای این ده را تات ها تشکیل می دهند.

۹۷) قره باطر: دهی از دهستان راستقان شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - گرمسیر است و ۱۶۴ سکنه دارد که تورک ها در این دهستان زندگی میکنند.

۹۸) قره قانلو: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - گرمسیر است و ۳۵۸ سکنه دارد که تورک ها در این دهستان زندگی میکنند.

۹۹) قریکانلو/قره کانلو: دهی از دهستان بدرانلو بخش حومه شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۵۳۶ سکنه دارد که در این ده تورک ها جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کنار آن ها کرمانج ها و تات ها در این ده زندگی می کنند.

۱۰۰) قزل حصار: دهی از دهستان بابامان بخش مرکزی شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۴۳۰ سکنه دارد و تات ها جمعیت بالای این ده را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالای این ده را تشکیل میدهند و کرمانج ها در این ده زندگی می کنند.

۱۰۱) قزلقان: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان گرمخان که دارای آب و هوایی کوهستانی - معتدل است و ۲۳۱ سکنه دارند و در این ده در تورک ها جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت این ده را تشکیل میدهند.

۱۰۲) قوری دره: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - گرمسیر است و ۳۲۹ سکنه دارد که تورکمن ها در این دهستان زندگی میکنند.

۱۰۳) قلعه جق جدید: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان گرمخان که دارای آب و هوایی کوهستانی - معتدل است و ۵۴ سکنه دارند و در این ده در تورک ها جمعیت بالایی را

دارند و کرمانج ها دومین جمعیت این ده را تشکیل می‌دهند و تات ها هم در این ده زندگی میکنند.

(۱۰۴) قلعه عزیز: دهی از دهستان آلاداغ شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی جلگه ای - معتدل است و ۴۶۳ سکنه دارد که جمعیت بالای این ده را تورک ها تشکیل می‌دهند و دومین جمعیت بالای این ده را کرمانج ها تشکیل می‌دهند و تات ها در این ده زندگی می‌کنند.

(۱۰۵) قلعه قوشین: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - گرمسیر است و ۱۲۳ سکنه دارد که تورکمن ها در این دهستان زندگی میکنند.

(۱۰۶) قبرآباد: دهی از دهستان آلاداغ شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی جلگه ای - معتدل است و ۴۱۲ سکنه دارد که جمعیت بالای این ده را تورک ها تشکیل می‌دهند و دومین جمعیت بالای این ده را کرمانج ها تشکیل می‌دهند و تات ها در این ده زندگی می‌کنند.

(۱۰۷) قوچ قلعه پائین: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان گرمخان که دارای آب و هوایی جلگه ای - معتدل است و ۶۵۱ سکنه دارند و در این ده در تورک ها جمعیت بالایی را دارند و کرمانج ها دومین جمعیت این ده را تشکیل می‌دهند.

(۱۰۸) قوری نوده: دهی از دهستان آلاداغ شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - معتدل است و ۸۸۶ سکنه دارد که جمعیت بالای این ده را تورک ها تشکیل می‌دهند و دومین جمعیت بالای این ده را کرمانج ها تشکیل می‌دهند و تات ها در این ده زندگی می‌کنند.

(۱۰۹) قوش قلعه: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان گرمخان که دارای آب و هوایی جلگه ای - معتدل است و ۳۹۲ سکنه دارند و در این ده در تورک ها جمعیت بالایی را دارند و کرمانج ها دومین جمعیت این ده را تشکیل می‌دهند.

(۱۱۰) قوش تپه: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی جلگه ای - معتدل است و ۱۷۱ سکنه دارد که جمعیت بالای این ده را تات ها تشکیل می‌دهند و دومین جمعیت بالای این ده را تورکمن ها تشکیل می‌دهند.

(۱۱۱) غلامان: شهری از استان راز و جرگلان با آب و هوایی جلگه ای - معتدل است و ۵۲۰۳ سکنه دارد و تورک ها در این شهر زندگی می کنند.

(۱۱۲) کاریز: دهی از دهستان باغلق شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۹۷۶ سکنه دارد که تورک ها در این دهستان زندگی میکنند.

(۱۱۳) کاستا: دهی از دهستان قاضی شهرستان مانه و سملقان که دارای آب و هوایی کوهستانی - معتدل است و ۸۰۳ سکنه دارد که تورک ها در این دهستان زندگی می کنند.

(۱۱۴) کاکه چودلان: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - گرمسیر است و ۲۰۰ سکنه دارد که تورک ها در این دهستان زندگی میکنند.

(۱۱۵) کرکولی: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - گرمسیر است و ۱۰۰۶ سکنه دارد که تورکمن ها در این دهستان زندگی میکنند.

(۱۱۶) کرپشتلی: دهی از دهستان حصارچه شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - گرمسیر است و ۱۹۲۰ سکنه دارد که تورک ها در این دهستان زندگی میکنند.

(۱۱۷) کلاب: دهی از دهستان بدرانلو بخش حومه شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - معتدل است و ۷۵۹ سکنه دارد که در این ده تورک ها جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کنار آن ها کرمانج ها و تات ها در این ده زندگی می کنند.

(۱۱۸) کلاته: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۲۴۰ سکنه دارد که تورکمن ها در این دهستان زندگی میکنند.

(۱۱۹) کلاته آقاخان: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۱۴۳ سکنه دارد که تورک ها در این دهستان زندگی میکنند.

۱۲۰) کلاته آقابی: دهی از دهستان بدرانلو بخش حومه شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۳۶۵ سکنه دارد تورک ها در این ده زندگی میکنند.

۱۲۱) کلاته ابریشم: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۱۲۷۹ سکنه دارد که تورکمن ها در این دهستان زندگی میکنند.

۱۲۲) کلاته حاجی آقا: دهی از دهستان بابامان بخش مرکزی شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۲۰۰ سکنه دارد و تات ها جمعیت بالای این ده را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالای این ده را تشکیل میدهند و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

۱۲۳) کلاته حسینعلی: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۱۰۰ سکنه دارد که تورکمن ها در این دهستان زندگی میکنند.

۱۲۴) کلاته زمان: دهی از دهستان گیفان بخش حومه شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۱۸۶ سکنه دارد و در این ده تورکها جمعیت بالایی را دارند و در کنار آن ها تات ها دومین جمعیت بالا را دارند.

۱۲۵) کلاته نقی: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - معتدل است و ۷۰ سکنه دارد که تورکمن ها در این دهستان زندگی میکنند.

۱۲۶) کی کی: دهی از دهستان آلاداغ بخش مرکزی شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۲۵۹ سکنه دارد و تورک ها جمعیت بالای این ده را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالای این ده را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

(۱۲۷) گرنام: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - گرمسیر است و ۲۳۱ سکنه دارد که تورک ها در این دهستان زندگی میکنند.

(۱۲۸) گرگز: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - گرمسیر است و ۲۱۹۹ سکنه دارد که تورک ها در این دهستان زندگی میکنند.

(۱۲۹) گریوان: دهی از دهستان آلاداغ شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - معتدل است و ۲۴۳۳ سکنه دارد که جمعیت بالای این ده را تورک ها تشکیل میدهند و دومین جمعیت بالای این ده را کرمانج ها تشکیل میدهند.

(۱۳۰) گرمه: شهرستانی از استان خراسان شمالی که دارای آب و هوایی جلگه ای - گرمسیر است و ۱۰۹۳۳ سکنه دارد که کرمانج ها جمعیت بالایی را در این شهرستان تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را در این شهرستان تشکیل میدهند.

(۱۳۱) گلی: دهی از دهستان بدرانلو بخش حومه شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - معتدل است و ۱۰۶۹ سکنه دارد که تورک ها در این ده زندگی میکنند.

(۱۳۲) گنبدلی: دهی از دهستان باغلق بخش حومه شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - گرمسیر است و ۲۵۶ سکنه دارد که تورک ها در این دهستان زندگی میکنند.

(۱۳۳) گیغان: دهستانی از بخش حومه شهرستان بجنورد است و دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۷۶۴ سکنه دارد که تات ها جمعیت بالا را در این دهستان تشکیل میدهند و تورک دومین جمعیت بالا را در این دهستان تشکیل میدهند.

(۱۳۴) لنگر: دهی از دهستان قاضی شهرستان مانه و سملقان که دارای آب و هوایی کوهستانی - معتدل است و ۸۷۵ سکنه دارد که تورک ها در این دهستان زندگی می کنند.

(۱۳۵) لنگر: دهی از دهستان بدرانلو شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - معتدل است و ۶۲۴ سکنه دارد که جمعیت بالای این ده را تورک ها تشکیل میدهند و دومین جمعیت بالای این ده را کرمانج ها تشکیل میدهند.

(۱۳۶) محمدی: دهی از دهستان آلاداغ شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۳۴۴ سکنه دارد که جمعیت بالای این ده را تات ها تشکیل میدهند و دومین جمعیت بالای این ده را تورک ها تشکیل میدهند.

(۱۳۷) مرز: دهی از دهستان آلاداغ شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - معتدل است و ۹۰ سکنه دارد که جمعیت بالای این ده را تورک ها تشکیل میدهند و دومین جمعیت بالای این ده را تات ها تشکیل میدهند.

(۱۳۸) مزارلیخ: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - گرمسیر است و ۳۷۶ سکنه دارد که تورک ها در این دهستان زندگی میکنند.

(۱۳۹) ملکش: دهی از دهستان آلاداغ شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی جلگه ای - معتدل است و ۳۱۰ سکنه دارد که جمعیت بالای این ده را تات ها تشکیل میدهند و دومین جمعیت بالای این ده را تورک ها تشکیل میدهند.

(۱۴۰) مملجه: دهی از دهستان بدرانلو بخش حومه شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۸۹ سکنه دارد که تات ها جمعیت بالای این ده را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و کرمانج ها در این ده زندگی میکنند.

(۱۴۱) مهنان: دهی از دهستان آلاداغ شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی جلگه ای - معتدل است و ۱۱۶۸ سکنه دارد که جمعیت بالای این ده را کرمانج ها تشکیل میدهند و دومین جمعیت بالای این ده را تورک ها تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی میکنند.

۱۴۲) میان زو: دهی از دهستان گیفان شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - معتدل است و ۳۶۷ سکنه دارد که در این ده تورک ها زندگی میکنند.

۱۴۳) میرواب: دهی از دهستان بدرانلو بخش حومه شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۱۲۰ سکنه دارد که کرمانج ها جمعیت بالای این ده را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

۱۴۴) نادرآباد: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان مانه و سملقان که دارای آب و هوایی کوهستانی - گرمسیر است و ۶۸۲ سکنه دارد که تورک ها در این دهستان زندگی میکنند.

۱۴۵) نوده چناران: دهستانی از شهر گرمخان که دارای آب و هوایی کوهستانی - معتدل است و ۶۷۷ سکنه دارد و اغلب از طایفه ی شادلو هستند که تورک ها جمعیت بالای این دهستان را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را در این دهستان تشکیل میدهند و تات ها در کنار آن ها زندگی میکنند.

۱۴۶) نیستانه: دهی از دهستان آلاداغ شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی کوهستانی - معتدل است و ۴۰۲ سکنه دارد که تورک ها در این ده زندگی می کنند.

۱۴۷) چناران شهر: شهری در استان خراسان شمالی که دارای آب و هوایی کوهستانی - معتدل است و ۳۳۸۰ سکنه دارد و تورک ها جمعیت بالای این دهستان را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را در این دهستان تشکیل میدهند و تات ها در کنار آن ها زندگی میکند

۱۴۸) یکه سود بالا/پایین: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۴۷۰۷ سکنه دارد که تورکمن ها در این دو روستا جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را در این دو دهستان تشکیل میدهند.

۱۴۹) یموق: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان راز و جرگلان که دارای آب و هوایی کوهستانی - سردسیر است و ۲۵۰ سکنه دارد که تورکمن ها در این دهستان زندگی میکنند.

۱۵۰) ینگی قلعه: دهی از دهستان بابامان شهرستان بجنورد که دارای آب و هوایی جلگه ای - معتدل است و ۲۹۳۳ سکنه دارد که در این ده تات ها جمعیت بالا را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تورک ها هم در این ده زندگی میکنند.

۱۵۱) بجنورد: شهرستان بجنورد مرکز استان خراسان شمالی است که دارای آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر است و ۶۹۳۲۲ سکنه دارد در بیشتر سایت ها دیده شده بیان شده تات ها ساکنان اولیه این شهر هستند ولی زبان اکثر مردم این شهر تورکی خراسانی بجنوردی هستش که به گفته ی پرفسور دورفر این گویش از زبان تورکی خراسانی با سایر گویش ها متفاوت است و این نتیجه حاصل می شود که تورک ها هم ساکن اولیه شهر بجنورد هستند که چون اجداد آن ها پارت ها بودند. اگر گشتی درون شهر زیبای بجنورد بزنید کاملاً متوجه خواهید شد. در بجنورد تورک و تورکمن ها جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و در کنار آن ها کرمانج ها زندگی میکنند.

***پایان آبادی های تورک نشین شهرستان بجنورد، راز جرگلان، گرمخان، مانه سملقان،**

گرمه و حومه

(توضیحات بیشتر برای آبادی های تورک نشین شهرستان بجنورد و حومه: این ها تمام روستاهایی نبودن که در حومه شهرستان بجنورد وجود دارند هستند روستاهایی که جمعیت بالای آن را کرمانج ها تشکیل میدهند ولی تورک ها هم در همان روستاها با جمعیت کمتری زندگی میکنند مانند آبای های شیخ تیموری، شاه پسند، سریوان تپه، سورک و... به این نتیجه میرسیم که تورک ها جمعیت ساکن همه ی روستاهای شهرستان را تشکیل میدهند.)

((مطالعه جهت آگاهی یافتن و بالا رفتن اطلاعات))

- (۱) **اراک:** دهی از دهستان میانکوه شهرستان چابشلو با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۵۲ سکنه است و جمعیت بالای این ده را کرمانج ها تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالای این ده را تشکیل میدهند.
- (۲) **ارباب:** دهی از دهستان درونگر بخش نوخندان شهرستان درگز با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۹۸ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.
- (۳) **ارتیان:** دهی از دهستان تکاب شهرستان درگز با آب و هوایی جلگه ای _ گرمسیر می باشد که دارای ۴۵۱ سکنه است و تورک ها در این زندگی میکنند.
- (۴) **آصف امان مرگان:** دهی از دهستان درونگر بخش نوخندان شهرستان درگز با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۵۴ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.
- (۵) **آق چشمه:** دهی از دهستان تکاب شهرستان درگز با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۵۷ سکنه است و تورک ها در این زندگی میکنند.
- (۶) **آقداش:** دهی از دهستان قره باشلو شهرستان چابشلو با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۷۰ سکنه است و جمعیت بالای این ده را کرمانج ها تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالای این ده را تشکیل میدهند.
- (۷) **امام جمعه:** دهی از دهستان تکاب شهرستان درگز با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۰۰ سکنه است و تورک ها در این زندگی میکنند.
- (۸) **اوتانلو:** دهی از دهستان تکاب شهرستان درگز با آب و هوایی جلگه ای _ گرمسیر می باشد که دارای ۱۶۲ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.
- (۹) **برج قلعه:** دهی از دهستان شهرستانه بخش نوخندان شهرستان درگز با آب و هوایی جلگه ای _ گرمسیر می باشد که دارای ۴۱۵ سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی

را تشکیل می‌دهند و تورک‌ها دومین جمعیت بالا را تشکیل می‌دهند و کرمانج‌ها در کنار آن‌ها زندگی می‌کنند.

(۱۰) بهادرخان/مآمدانلو: دهی از دهستان درونگر بخش نوخندان شهرستان درگز با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می‌باشد که دارای ۱۴۸ سکنه است و تات‌ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل می‌دهند و تورک‌ها دومین جمعیت بالا را تشکیل می‌دهند و کرمانج‌ها در کنار آن‌ها زندگی می‌کنند.

(۱۱) بهمن آباد: دهی کوچکی از دهستان شهرستان بخش نوخندان شهرستان درگز با آب و هوایی جلگه‌ای _ سردسیر می‌باشد که دارای ۵۰ سکنه است و کرمانج‌ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل می‌دهند و تورک‌ها دومین جمعیت بالا را تشکیل می‌دهند.

(۱۲) بیات: دهی از دهستان قره‌باشلو شهرستان چاپشلو با آب و هوایی جلگه‌ای _ معتدل می‌باشد که دارای ۹۴ سکنه است و جمعیت بالای این ده را تورک‌ها تشکیل می‌دهند و کرمانج‌ها دومین جمعیت بالای این ده را تشکیل می‌دهند.

(۱۳) پرکند: دهی از دهستان قره‌باشلو شهرستان چاپشلو با آب و هوایی جلگه‌ای _ معتدل می‌باشد که دارای ۳۵۲ سکنه است و تورک‌ها در این ده زندگی می‌کنند.

(۱۴) تاج‌الدین: دهی از دهستان تکاب بخش نوخندان شهرستان درگز با آب و هوایی جلگه‌ای _ گرمسیر می‌باشد که دارای ۱۰۸۴ سکنه است و تورک‌ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل می‌دهند و کرمانج‌ها دومین جمعیت بالا را تشکیل می‌دهند.

(۱۵) تگن/تگن: دهی از دهستان درونگر بخش نوخندان شهرستان درگز با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می‌باشد که دارای ۱۶۸ سکنه است و تورک‌ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل می‌دهند و کرمانج‌ها دومین جمعیت بالا را تشکیل می‌دهند و تات‌ها در کنار آن‌ها زندگی می‌کنند.

(۱۶) جبار: دهی از دهستان درونگر بخش نوخندان شهرستان درگز با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می‌باشد که دارای ۱۳۶ سکنه است و تورک‌ها در این ده زندگی می‌کنند.

(۱۷) جشن آباد/شهیدآباد: دهی از دهستان شهرستان شهرستانه بخش نوخندان شهرستان درگز با آب و هوایی جلگه ای _ گرمسیر می باشد که دارای ۶۹۸سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۸) جلفان: دهی از دهستان شهرستان شهرستانه بخش نوخندان شهرستان درگز با آب و هوایی جلگه ای _ گرمسیر می باشد که دارای ۴۴۵سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۹) چاپشلو: شهرستان چاپشلو که در زمان قدیم دهستان مرکزی از بخش شهرستان درگز بود و حال به شهر تبدیل شده است که دارای آب و هوایی جلگه ای _ معتدل است و ۲۳۷۴سکنه دارد و تورک ها جمعیت بالای این شهر را تشکیل میدهند.

(۲۰) چنار: دهی از دهستان درونگر بخش نوخندان شهرستان درگز با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۳۰۲سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و کرمانج ها در این ده زندگی میکنند.

(۲۱) حاتم قلعه: دهی از دهستان دیباج شهرستان لطف آباد با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۸۲۵سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

(۲۲) حاجی قلیخان/قلیج آباد: دهی از دهستان درونگر بخش نوخندان شهرستان درگز با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۹۶سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و کرمانج ها در این ده زندگی میکنند.

(۲۳) حسن کد خدا/قروچان: دهی از دهستان درونگر بخش نوخندان شهرستان درگز با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۳۲سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی میکنند.

(۲۴) حسین آباد: دهی از دهستان تکاب شهرستان درگز با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۷۰ سکنه است و تورک ها در این زندگی میکنند.

(۲۵) حصار: دهی از دهستان دیباج شهرستان لطف آباد با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۲۲۴ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

(۲۶) حضرت سلطان: دهی از دهستان شهرستانه بخش نوخندان شهرستان درگز با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۶۹ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

(۲۷) حق وردی: دهی از دهستان قره باشلو شهرستان چاپشلو با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۵۲ سکنه است کرمانج ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۲۸) خاخیان: دهی از دهستان تکاب شهرستان درگز با آب و هوایی جلگه ای _ گرمسیری می باشد که دارای ۲۴۰ سکنه است و تورک ها در این زندگی میکنند.

(۲۹) خانچه: دهی از دهستان تکاب شهرستان درگز با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۵۰ سکنه است و تات ها جمعیت بالای این ده را تشکیل میدهند و تورک ها در این زندگی میکنند.

(۳۰) خیر آباد: دهی از دهستان دیباج شهرستان لطف آباد با آب و هوایی جلگه ای _ گرمسیر می باشد که دارای ۸۷ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

(۳۱) خیر آباد: دهی از دهستان تکاب شهرستان درگز با آب و هوایی جلگه ای _ گرمسیر می باشد که دارای ۱۰۷ سکنه است و تورک ها در این زندگی میکنند.

(۳۲) دودانلو: دهی از دهستان تکاب شهرستان درگز با آب و هوایی جلگه ای _ گرمسیر می باشد که دارای ۱۱۰ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۳۳) دوست محمد بیگ: دهی از دهستان درونگر بخش نوخندان شهرستان درگز با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۸۵ سکنه است و کرمانج ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۳۴) رحمان قلی: دهی از دهستان درونگر بخش نوخندان شهرستان درگز با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۰۲ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی میکنند.

(۳۵) رمضان قلعه: دهی از دهستان تکاب شهرستان درگز با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۶۵ سکنه است و تورک ها در این زندگی میکنند.

(۳۶) زیدانلو بالا/پایین: دهی از دهستان شهرستان بخش نوخندان شهرستان درگز هر دو روستا با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشند که ده بالا دارای ۲۶۷ سکنه است و ده پایین دارای ۱۴۵ سکنه است و تورک ها در دو روستا جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی میکنند.

(۳۷) سادات: دهی از دهستان قره باشلو شهرستان چابشلو با آب و هوایی جلگه ای _ گرمسیر می باشد که دارای ۲۶۶ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

(۳۸) سعد آباد: مرکز دهستان تکاب ۳۲۲ شهرستان درگز با آب و هوایی جلگه ای _ گرمسیر می باشد که دارای ۵۹۴ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۳۹) سنگ بر: ده کوچکی از دهستان تکاب شهرستان درگز با آب و هوایی جلگه ای _ گرمسیر می باشد که دارای ۶۳ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۴۰) سنگ سوراخ: دهی از دهستان درونگر بخش نوخندان شهرستان درگز با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۲۹ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی

را تشکیل می‌دهند و کرمانج‌ها دومین جمعیت بالا را تشکیل می‌دهند و تات‌ها در این ده زندگی میکنند.

(۴۱) سیدها: دهی از دهستان درونگر بخش نوخندان شهرستان درگز با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می‌باشد که دارای ۲۸۳ سکنه است و تورک‌ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل می‌دهند و کرمانج‌ها دومین جمعیت بالا را تشکیل می‌دهند و تات‌ها در این ده زندگی میکنند.

(۴۲) شمس خان: دهی از دهستان زنگلانلو شهرستان لطف‌آباد با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می‌باشد که دارای ۲۷۲ سکنه است و تورک‌ها در این ده زندگی میکنند.

(۴۳) شوی: دهی از دهستان درونگر بخش نوخندان شهرستان درگز با آب و هوایی دامنه _ معتدل می‌باشد که دارای ۴۴۶ سکنه است و تورک‌ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل می‌دهند و کرمانج‌ها دومین جمعیت بالا را تشکیل می‌دهند و تات‌ها در این ده زندگی میکنند.

(۴۴) شیخ وانلو: دهی از دهستان شهرستانه بخش نوخندان شهرستان درگز با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می‌باشد که دارای ۳۴۰ سکنه است و تورک‌ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل می‌دهند و کرمانج‌ها دومین جمعیت بالا را تشکیل می‌دهند و تات‌ها در این ده زندگی میکنند.

(۴۵) شیخ‌ها: دهی از دهستان درونگر بخش نوخندان شهرستان درگز با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می‌باشد که دارای ۱۲۳ سکنه است و تات‌ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل می‌دهند و کرمانج‌ها دومین جمعیت بالا را تشکیل می‌دهند و تورک‌ها در این ده زندگی میکنند.

(۴۶) شیلگان: دهی از دهستان دیباج شهرستان لطف‌آباد با آب و هوایی جلگه ای _ گرمسیر می‌باشد که دارای ۶۳۹ سکنه است و تورک‌ها در این ده زندگی میکنند.

(۴۷) صیدآباد: دهی از دهستان تکاب شهرستان درگز با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۲۱۳ سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۴۸) صفر قلعه: دهی از دهستان دیباج شهرستان لطف آباد با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۶۴ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

(۴۹) عباس قلعه: دهی از دهستان قره باشلو شهرستان چاپشلو با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۵۰ سکنه است تورکها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۵۰) فضل آباد: دهی از دهستان شهرستانه بخش نوخندان شهرستان درگز با آب و هوایی جلگه ای _ گرمسیر می باشد که دارای ۹۵ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۵۱) قازان بیگ: دهی از دهستان زنگلانلو شهرستان لطف آباد با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۴۰۱ سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۵۲) قره باشلو: دهستان مرکزی از بخش شهرستان چاپشلو است و با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۴۸۹۷ سکنه است و کرمانج ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۵۳) قره قویونلو: دهی از دهستان تکاب شهرستان درگز با آب و هوایی جلگه ای _ گرمسیر می باشد که دارای ۳۱۵ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

(۵۴) قزلق: دهی از دهستان قره باشلو از بخش شهرستان چاپشلو است و با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۶۸ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۵۵) قولجق: دهی از دهستان قره باشلو از بخش شهرستان چاپشلو است و با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۳۷ سکنه است و کرمانج ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۵۶) کپکان: دهی از دهستان میانکوه شهرستان چاپشلو با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۱۵۷ سکنه است کرمانج ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۵۷) کلاته اسماعیل خان: دهی از دهستان تکاب شهرستان درگز با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۵۷ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

(۵۸) کلاته چنار: دهی از دهستان شهرستانه بخش نوخندان شهرستان درگز با آب و هوایی جلگه ای _ گرمسیر می باشد که دارای ۵۷۹ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

(۵۹) کلاته کندی: دهی از دهستان قره باشلو از بخش شهرستان چاپشلو است و با آب و هوایی جلگه ای _ گرمسیر می باشد که دارای ۶۱ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی میکنند.

(۶۰) کماج خور: دهی از دهستان قره باشلو از بخش شهرستان چاپشلو است با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۲۰۴ سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۶۱) کور چشمه: دهی از دهستان تکاب شهرستان درگز با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۵۰ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

(۶۲) گل خندان: دهی از دهستان تکاب شهرستان درگز با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۲۰۳ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

(۶۳) گل ریز: دهی از دهستان تکاب شهرستان درگز با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۷۹ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

(۶۴) لطف آباد: شهرستان لطف آباد که در زمان قدیم دهستان مرکزی از بخش شهرستان درگز بود و حال به شهر تبدیل شده است که دارای آب و هوایی جلگه ای _ معتدل است و ۱۸۶۵ سکنه دارد و تورک ها این شهرستان را تشکیل میدهند.

(۶۵) محمدآباد ارباب: دهی از دهستان تکاب شهرستان درگز با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۷۲ سکنه است و تات ها جمعیت بالای این ده را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و کرمانج ها در این ده زندگی میکنند.

(۶۶) محمدولی بگ: دهی از دهستان درونگر بخش نوخندان شهرستان درگز با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۲۰۰ سکنه است و تورک ها این ده را تشکیل میدهند.

(۶۷) محمودآباد: دهی از دهستان تکاب شهرستان درگز با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۲۰ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

(۶۸) میانکوه: یکی از دهستان های مرکزی شهرستان چاپشلو با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۴۰۸۹ سکنه است و تورک ها جمعیت بالای این ده را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۶۹) میر قلعه: دهی از دهستان دیباج شهرستان لطف آباد با آب و هوایی جلگه ای _ گرمسیری می باشد که دارای ۱۸۴ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

(۷۰) نصرت آباد: دهی از دهستان تکاب شهرستان درگز با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۶۲ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

(۷۱) نوخندان: شهری در بخش نوخندان شهرستان درگز است با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۲۶۳۴ سکنه است و تورک ها جمعیت بالای این شهرستان را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۷۲) یاقول: دهی از دهستان دیباج شهر لطف آباد با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۰۴ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

۷۳) ینگى قلعه: دهى از دهستان قره باشلو از بخش شهرستان چاپشلو است و با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۳۹۴ سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

۷۴) درگز: شهرستان درگز یکی از شهرستان های پر جمعیت خراسان رضوی می باشد چون در قسمت عمده شهرستان درگز داخل کوه کؤپه داغلو {کوه هزار مسجد} است هوایی سردسیر دارد و بخش حومه و قسمتی از آبادیها که در جلگه واقع اند هوای آن نسبتاً گرمسیر است و دارای ۷۲۳۵۵ سکنه است که جمعیت بالای آن را تورک ها تشکیل میدهند و بعد تات ها و کرمانج ها دیگر جمعیت این شهرستان زیبا را تشکیل میدهند.

***پایان آبادی های تورک نشین شهرستان درگز و حومه**

(توضیحات بیشتر برای آبادی های تورک نشین شهرستان درگز و حومه: این ها تمام روستاهایی نبودن که در حومه شهرستان درگز وجود دارند هستند روستاهایی که جمعیت بالای آن را کرمانج ها یا تات ها تشکیل میدهند ولی تورک ها هم در همان روستاها با جمعیت کمتری زندگی میکنند مانند آبای های حسن آباد، خادمانلو، توقی، ماش، پل گرد و... به این نتیجه میرسیم که تورک ها جمعیت ساکن همه ی روستاهای شهرستان را تشکیل میدهند.)

* شیروان

((مطالعه جهت آگاهی یافتن و بالا رفتن اطلاعات))

(۱) **اسطرخی:** دهی از دهستان گلیان شهرستان شیروان با آب و هوایی کوهستانی _

سردسیر می باشد که دارای ۵۳۳سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

(۲) **الله آباد علیا:** یکی از دهستان های مرکزی بخش حومه شهرستان شیروان با آب و

هوایی جلگه ای _ گرمسیر می باشد که دارای ۵۷۹سکنه است و تورک ها در این ده

زندگی میکنند.

(۳) **الله آباد سفلی:** یکی از دهستان های مرکزی بخش حومه شهرستان شیروان با آب و

هوایی جلگه ای _ گرمسیر می باشد که دارای ۷۱۳سکنه است و تورک ها در این ده

زندگی میکنند.

(۴) **امیرآباد:** یکی از دهستان های مرکزی بخش حومه شهرستان شیروان با آب و هوایی

جلگه ای _ گرمسیر می باشد که دارای ۳۶۲سکنه است و تات ها در این ده جمعیت

بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و کرمانج ها

در این ده زندگی میکنند.

(۵) **امیرخان:** دهی از دهستان قوشخانه شهرستان شیروان با آب و هوایی دره _ سردسیر

می باشد که دارای ۵۷سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

(۶) **اوغاز تازہ:** دهی از دهستان سیوکانلو شهرستان شیروان با آب و هوایی کوهستانی _

سردسیر می باشد که دارای ۷۲۳سکنه است و کرمانج ها در این ده جمعیت بالایی را

تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۷) **اوغاز کهنه:** دهی از دهستان سیوکانلو شهرستان شیروان با آب و هوایی کوهستانی _

سردسیر می باشد که دارای ۵۹۴سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

(۸) **باغ:** دهی از دهستان قوشخانه شهرستان شیروان با آب و هوایی دره _ سردسیر

می باشد که دارای ۴۵۰سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

(۹) **باغان:** یکی از دهستان های مرکزی بخش حومه شهرستان شیروان با آب و هوایی جلگه

ای _ گرمسیر می باشد که دارای ۶۳۹سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

(۱۰) بزآباد: دهی از دهستان زوارم شهرستان شیروان با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۶۰۲ سکنه است و کرمانج ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۱) پیر شهید: دهی از دهستان گلیان شهرستان شیروان با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۸۳۶ سکنه است و کرمانج ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۲) تفتازان: دهی از دهستان قوشخانه شهرستان شیروان با آب و هوایی دره _ سردسیر می باشد که دارای ۲۱۵ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

(۱۳) تنسوان: دهی از دهستان گلیان شهرستان شیروان با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۴۱۲ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۴) توده: یکی از دهستان های مرکزی بخش حومه شهرستان زیارت با آب و هوایی رودخانه _ گرمسیر می باشد که دارای ۷۹۳ سکنه است و کرمانج ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۵) جنگاه: دهی از دهستان قوشخانه شهرستان شیروان با آب و هوایی دره _ سردسیر می باشد که دارای ۲۲۶ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۶) حسین آباد: دهی از دهستان زوارم شهرستان شیروان با آب و هوایی رودخانه _ گرمسیر می باشد که دارای ۲۹۰۹ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۷) حلواچشمه: دهی از دهستان قوشخانه شهرستان شیروان با آب و هوایی دره _ سردسیر می باشد که دارای ۴۶۰ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

۱۸) خانلق: یکی از دهستان های مرکزی بخش حومه شهرستان شیروان با آب و هوایی جلگه ای _ گرمسیر می باشد که دارای ۶۷۰۰ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند و در سال هایی نچندان دور کرمانج ها و تات ها در این روستا ساکن شدند.

۱۹) خیرآباد: دهی از دهستان قوشخانه شهرستان شیروان با آب و هوایی دره _ سردسیر می باشد که دارای ۴۹۸ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

۲۰) دده خان: دهی از دهستان قوشخانه شهرستان شیروان با آب و هوایی دره _ سردسیر می باشد که دارای ۲۱۰ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

۲۱) دوین: یکی از دهستان های مرکزی بخش حومه شهرستان شیروان با آب و هوایی جلگه ای _ کوهستانی می باشد که دارای ۹۵۲ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

۲۲) رباط: دهی از دهستان قوشخانه شهرستان شیروان با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۱۲۴۵ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

۲۳) رضاآباد: یکی از دهستان های مرکزی بخش حومه شهرستان شیروان با آب و هوایی جلگه ای _ گرمسیر می باشد که دارای ۴۹۸ سکنه است و و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

۲۴) زوه: دهی از دهستان قوشخانه شهرستان شیروان با آب و هوایی دره _ سردسیر می باشد که دارای ۲۳۱ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

۲۵) زوارم: یکی از دهستان های مرکزی بخش حومه شهرستان شیروان با آب و هوایی دره _ سردسیر می باشد که دارای ۶۴۸۴ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

۲۶) زیارت: شهرستان زیارت یکی تازه شهر های استان خراسان شمالی می باشد با آب و هوایی دشت _ سردسیر می باشد که دارای ۱۱۷۸۶ سکنه است و تورک ها در این شهر زندگی میکنند.

(۲۷) زیدر: دهی از دهستان قوشخانه شهرستان شیروان با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۶۲۵ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

(۲۸) سکه/ سوکه: یکی از دهستان های مرکزی بخش حومه شهرستان شیروان با آب و هوایی جلگه ای _ کوهستانی می باشد که دارای ۳۸۱ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

(۲۹) سنجد: دهی از دهستان قوشخانه شهرستان شیروان با آب و هوایی دره _ سردسیر می باشد که دارای ۱۲۶۵ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

(۳۰) سولدی: دهی از دهستان قوشخانه شهرستان شیروان با آب و هوایی دره _ سردسیر می باشد که دارای ۴۲۲ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

(۳۱) شناقی علیا: دهی از دهستان قوشخانه شهرستان شیروان با آب و هوایی دره _ سردسیر می باشد که دارای ۱۱۲ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

(۳۲) شوق آباد: یکی از دهستان های مرکزی بخش حومه شهرستان شیروان با آب و هوایی جلگه ای _ گرمسیر می باشد که دارای ۸۳ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی میکنند.

(۳۳) عبد آباد: دهی از دهستان زوارم شهرستان شیروان با آب و هوایی رودخانه _ گرمسیر می باشد که دارای ۷۱۵ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند و دومین جمعیت این ده را کرمانج ها تشکیل میدهند.

(۳۴) فیروزه/ کلاته فیروزه: یکی از دهستان های مرکزی بخش حومه شهرستان زیارت با آب و هوایی دشت _ سردسیر می باشد که دارای ۱۹۷ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

(۳۵) قُلچِق: یکی از دهستان های مرکزی بخش حومه شهرستان زیارت با آب و هوایی دشت_ سردسیر می باشد که دارای ۳۱۷سکنه است و کرمانج ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۳۶) قلعچه: دهی از دهستان سیوکانلو شهرستان شیروان با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۴۶۷سکنه است و کرمانج ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۳۷) قلهک سفلی: دهی از دهستان قوشخانه شهرستان شیروان با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۲۱۳سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

(۳۸) کاکلی: دهی از دهستان قوشخانه شهرستان شیروان با آب و هوایی دره _ سردسیر می باشد که دارای ۳۷۶سکنه است و کرمانج ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۳۹) کوسه: دهی از دهستان جیرستان بخش سرحد شهرستان شیروان با آب و هوایی دره _ سردسیر می باشد که دارای ۶۸۳سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

(۴۰) کلاته معین: دهی از دهستان تکمران بخش سرحد شهرستان شیروان با آب و هوایی دامنه _ سردسیر می باشد که دارای ۲۰سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

(۴۱) کلاته هندی: یکی از دهستان های مرکزی بخش حومه شهرستان شیروان با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۸۶سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۴۲) گرزو: یکی از دهستان های مرکزی بخش حومه شهرستان زیارت با آب و هوایی دامنه_ سردسیر می باشد که دارای ۳۲۸سکنه است و کرمانج ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۴۳) گدوگانلو: دهی از دهستان سیوکانلو شهرستان شیروان با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۸۸سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۴۴) گنج آباد دوین: دهی از دهستان دوین شهرستان شیروان با آب و هوایی جلگه ای _ کوهستانی می باشد که دارای ۱۳۲سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند و در چند سال اخیر کرمانج های قهرمانلو در این ده ساکن شده اند.

(۴۵) محمد آباد دوین: دهی از دهستان دوین شهرستان شیروان با آب و هوایی جلگه ای _ کوهستانی می باشد که دارای ۲۱۵سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

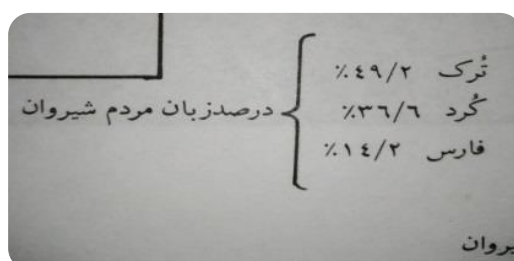
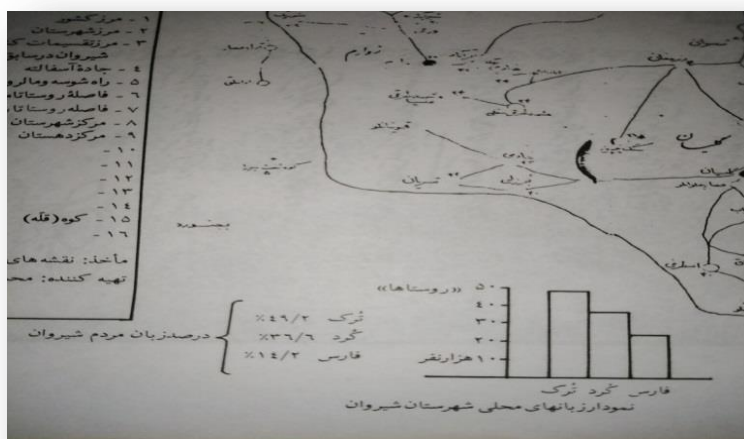
(۴۶) منصوران: یکی از دهستان های مرکزی بخش حومه شهرستان زیارت با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۵۶سکنه است و تورکها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۴۷) ورگ: دهی از دهستان گلیان شهرستان شیروان با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۴۵۲سکنه است و تورکدر این ده زندگی می کنند.

(۴۸) هنامه: دهی از دهستان سیوکانلو شهرستان شیروان با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۲۳۸سکنه است و کرمانج ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۴۹) ینگه قلعه سفلی: دهی از دهستان قوشخانه شهرستان شیروان با آب و هوایی دره _ سردسیر می باشد که دارای ۱۷۰سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

(۵۰) شیروان: شیروان دومین شهرستان پر جمعیت خراسان شمالی می باشد با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۱۶۷۲۳۱سکنه است و ۵۰٪ جمعیت شهر و روستاهای اطراف را تورک ها تشکیل میدهند و ۳۶٪ کرمانج ها و ۱۴٪ تات ها.



کتاب جغرافیای تاریخی شیروان / محمد اسماعیل مقیمی / ج ۱ / ص ۵۵۲

* پایان آبادی های تورک نشین شهرستان شیروان و حومه

(توضیحات بیشتر برای آبادی های تورک نشین شهرستان شیروان و حومه: این ها تمام روستاهایی نبودن که در حومه شهرستان شیروان وجود دارند. در روستاهای شیروان آبادی های زیادی رو میبینیم که تورک ها به تنهایی در آن آبادی ها زندگی میکنند و در جاهای انگشت شماری شاهد زندگی تورک ها و کرمانج ها در کنار هم در شیروان ساکن اند و نکته ای که باید اضافه کنم نصف شهر شیروان رو هم تورک ها تشکیل میدهند. چند روستای دیگر هم هستند که کرمانج ها ساکن آن هستند.)

(مطالعه جهت آگاهی یافتن و بالا رفتن اطلاعات))

- (۱) **آب جهان:** دهی از دهستان دولت خانه شهرستان باجگیران با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۴۳۳ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.
- (۲) **ابراهیم آباد:** دهی از دهستان دوغائی شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۳۱ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.
- (۳) **آبشوری:** دهی از دهستان سودلانه شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۴۳۶ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.
- (۴) **آبکوه:** دهی از دهستان دوغائی شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۲۰ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.
- (۵) **آب گرک:** دهی از دهستان سودلانه شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۲۵۵ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.
- (۶) **اترآباد:** دهی از دهستان شهر کهنه {قوچان عتیق} شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۴۷۶ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.
- (۷) **آسی بلاغ:** دهی از دهستان دولت خانه شهرستان باجگیران با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۱۴ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۸) آق قلمه: یکی از دهستان های مرکزی بخش حومه شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۱۴۴سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

(۹) آق کاریز: دهی از دهستان شیرین دره شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۲۰۶سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۰) آلاتمان: دهی از دهستان دوغائی شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۸۴سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۱) آلماجق / آلمجق: دهی از دهستان دوغائی شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۵۵۰سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی میکنند.

(۱۲) الهیان: دهی از دهستان شیرین دره شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۴۵۶سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۳) امامقلی: دهی از دهستان دولت خانه شهرستان باجگیران با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۷۸۲سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۴) اسلام آباد / امام وردی خان: دهی از دهستان دولت خانه شهرستان باجگیران با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۴۵۲سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی میکنند.

(۱۵) اندرزی: دهی از دهستان دوغائی شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۳۴۱ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی میکنند.

(۱۶) اورته چشمه: دهی از دهستان شهر کهنه {قوچان عتیق} شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ سردسیر می باشد که دارای ۴۲۳ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۷) ایزمان بالا/پایین: یکی از دهستان های مرکزی بخش حومه شهرستان باجگیران با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که ایزمان بالا دارای ۱۲۰ سکنه است و ایزمان پایین دارای ۷۹ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

(۱۸) اینچه سابلاغ: دهی از دهستان دولت خانه شهرستان باجگیران با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۲۴۰ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۹) اینچه شاهباز: دهی از دهستان دولت خانه شهرستان باجگیران با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۲۸ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی میکنند.

(۲۰) اینچه کیکانلو: دهی از دهستان دولت خانه شهرستان باجگیران با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۲۴۳ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی میکنند.

(۲۱) اینچه کهنه: دهی از دهستان دولت خانه شهرستان باجگیران با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۴۴ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۲۲) بادخور: دهی از دهستان شیرین دره شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۴۳۷ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۲۳) باغ: یکی از دهستان های مرکزی بخش حومه شهرستان باجگیران با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۱۲۰سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

(۲۴) برج: دهی از دهستان شهر کهنه {قوچان عتیق} شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ سردسیر می باشد که دارای ۳۲۵سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۲۵) برزلان: یکی از دهستان های مرکزی بخش حومه شهرستان باجگیران با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۱۴۶سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

(۲۶) برگیش: دهی از دهستان دوغائی شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۵۰سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۲۷) بئش حوض: یکی از دهستان های مرکزی بخش حومه شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۳۰سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۲۸) بناپید: دهی از دهستان کهنه فرود شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۲۰۰سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۲۹) پاکتل: دهی از دهستان دولت خانه شهرستان باجگیران با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۰۰سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۳۰) یدک: دهی از دهستان شیرین دره شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۷۵۲سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۳۱) پس حصار: دهی از دهستان دوغائی شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۴۲ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۳۲) پیرانلو: دهی از دهستان شیرین دره شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۸۵ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۳۳) تبارک/تبریک: دهی از دهستان شیرین دره شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۵۶ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۳۴) جعفرآباد: یکی از دهستان های مرکزی بخش حومه شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۲۱۳ سکنه است و و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۳۵) جرتوده: دهی از دهستان شهر کهنه {قوچان عتیق} شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۴۱۲ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۳۶) جنگاه: دهی از دهستان دولت خانه شهرستان باجگیران با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۷۰ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

(۳۷) جنیدآباد: دهی از دهستان شهر کهنه {قوچان عتیق} شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ سردسیر می باشد که دارای ۲۳۳ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۳۸) جوران/جوزان: دهی از دهستان دولت خانه شهرستان باجگیران با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۴۷۳ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۳۹) چالکی/چالاکي: دهی از دهستان شیرین دره شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۷۰سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

(۴۰) چاه آب: دهی از دهستان دوغائی شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۴۰سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۴۱) چران: دهی از دهستان شیرین دره شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۰۰سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

(۴۲) چنبر غربال: دهی از دهستان دوغائی شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۲۵۷سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۴۳) چونلی/چوینلی: دهی از دهستان دولت خانه شهرستان باجگیران با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۹۰سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۴۴) چهل بازه: دهی از دهستان دوغائی شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۶۸سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی میکنند.

(۴۵) چیتگر: دهی از دهستان شهر کهنه {قوچان عتیق} شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۲۷۰سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی میکنند.

(۴۶) حاجی کاهو: دهی از دهستان شهر کهنه {قوچان عتیق} شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۹۷ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی میکنند.

(۴۷) حسن آباد: دهی از دهستان شهر کهنه {قوچان عتیق} شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۳۲۲ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۴۸) خمارتاش: دهی از دهستان شیرین دره شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ سردسیر می باشد که دارای ۸۶۸ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

(۴۹) خیر آباد: دهی از دهستان دوغائی شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۳۸ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۵۰) داغیان: دهی از دهستان شهر کهنه {قوچان عتیق} شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۹۰۰ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

(۵۱) داودلی: دهی از دهستان سودلانه شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۶۵۹ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

(۵۲) ددانلو: دهی از دهستان سودلانه شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۳۷۸ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و

کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

(۵۳) دده خان: یکی از دهستان های مرکزی بخش حومه شهرستان باجگیران با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۹۴سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

(۵۴) دربندی: دهی از دهستان شهر کهنه {قوچان عتیق} شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ سردسیر می باشد که دارای ۱۱۱سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۵۵) دوست آباد: دهی از دهستان دوغائی شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۲۸سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۵۶) دوغائی: یکی از دهستان های مرکزی بخش حومه شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۱۲۸سکنه است و کرمانج ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۵۷) دولت خانه: یکی از دهستان های مرکزی بخش حومه شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۱۴۹سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی میکنند.

(۵۸) دولو: دهی از دهستان سودلانه شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۳۶۴سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

(۵۹) دیزادیز: دهی از دهستان سودلانه شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۸۱۷سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و

کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

۶۰) دیزواند/دیزاوند: دهی از دهستان سودلانه شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۵۹۶سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

۶۱) رهورد: دهی از دهستان دولت خانه شهرستان باجگیران با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۳۴۸سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

۶۲) زادک: دهی از دهستان شهر کهنه {قوچان عتیق} شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۶۵سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

۶۳) زمان پوط: دهی از دهستان دوغائی شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۳۳سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

۶۴) زوباران: دهی از دهستان شیرین دره شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۲۱۹سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

۶۵) زوخانو: دهی از دهستان شیرین دره شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۲۱۷سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

۶۶) زیدانلو: دهی از دهستان شهر کهنه {قوچان عتیق} شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ سردسیر می باشد که دارای ۷۴۵سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی

را تشکیل می‌دهند و کرمانج‌ها دومین جمعیت بالا را تشکیل می‌دهند و تات‌ها در این ده زندگی میکنند.

(۶۷) سالان قوچ: دهی از دهستان شیرین دره شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۲۲۸ سکنه است و تورک‌ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل می‌دهند و کرمانج‌ها دومین جمعیت بالا را تشکیل می‌دهند.

(۶۸) سرآب: دهی از دهستان شهر کهنه {قوچان عتیق} شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۴۰۴ سکنه است و تورک‌ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل می‌دهند و کرمانج‌ها دومین جمعیت بالا را تشکیل می‌دهند و تات‌ها در این ده زندگی میکنند.

(۶۹) سرزو: دهی از دهستان شیرین دره شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۷۶ سکنه است و تورک‌ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل می‌دهند و کرمانج‌ها دومین جمعیت بالا را تشکیل می‌دهند.

(۷۰) سعادت قلی سفلی: دهی از دهستان شهر کهنه {قوچان عتیق} شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۱۱۹ سکنه است و تورک‌ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل می‌دهند و کرمانج‌ها دومین جمعیت بالا را تشکیل می‌دهند.

(۷۱) سعادت قلی علیا: دهی از دهستان شهر کهنه {قوچان عتیق} شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۱۰۰ سکنه است و تورک‌ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل می‌دهند و کرمانج‌ها دومین جمعیت بالا را تشکیل می‌دهند.

(۷۲) سلطان آباد: دهی از دهستان دوغائی شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۲۵ سکنه است و تورک‌ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل می‌دهند و کرمانج‌ها دومین جمعیت بالا را تشکیل می‌دهند.

(۷۳) سلیم آباد: دهی از دهستان شهر کهنه {قوچان عتیق} شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۱۶۲ سکنه است و تورک‌ها در این ده جمعیت بالایی

را تشکیل می‌دهند و کرمانج‌ها دومین جمعیت بالا را تشکیل می‌دهند و تات‌ها در این ده زندگی میکنند.

(۷۴) سمنگان: دهی از دهستان دوغائی شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۳۵ سکنه است و تورک‌ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل می‌دهند و کرمانج‌ها دومین جمعیت بالا را تشکیل می‌دهند.

(۷۵) سهل آباد: دهی از دهستان دوغائی شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۲۳۷ سکنه است و تورک‌ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل می‌دهند و کرمانج‌ها دومین جمعیت بالا را تشکیل می‌دهند.

(۷۶) شغل آباد: دهی از دهستان دوغائی شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۲۰۰ سکنه است و تورک‌ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل می‌دهند و کرمانج‌ها دومین جمعیت بالا را تشکیل می‌دهند.

(۷۷) شفیع: دهی از دهستان دوغائی شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه _ معتدل می باشد که دارای ۱۳۴۳ سکنه است و تورک‌ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل می‌دهند و کرمانج‌ها دومین جمعیت بالا را تشکیل می‌دهند.

(۷۸) شورچه: دهی از دهستان دوغائی شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۲۹۸ سکنه است و تورک‌ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل می‌دهند و کرمانج‌ها دومین جمعیت بالا را تشکیل می‌دهند و تات‌ها در این ده زندگی میکنند.

(۷۹) شورک توپکانلو: دهی از دهستان شیرین دره شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۴۱۱ سکنه است و تورک‌ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل می‌دهند و کرمانج‌ها دومین جمعیت بالا را تشکیل می‌دهند.

(۸۰) شورک حاجی: دهی از دهستان شیرین دره شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۴۲۸ سکنه است و تورک‌ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل می‌دهند و کرمانج‌ها دومین جمعیت بالا را تشکیل می‌دهند.

۸۱) شهر کهنه: یکی از دهستان های مرکزی بخش حومه شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۳۳۲۰ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی میکنند.

۸۲) شیره زن: دهی از دهستان دولت خانه شهرستان باجگیران با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۱۴ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

۸۳) طویل: دهی از دهستان شیرین دره شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۹۶ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

۸۴) عراقی: دهی از دهستان دوغائی شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۸۰ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی میکنند.

۸۵) عسگر آباد: دهی از دهستان شهر کهنه {قوچان عتیق} شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۲۷۲ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی میکنند.

۸۶) علاقه جنبان: دهی از دهستان سودلانه شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۲۱۸ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

۸۷) علی آباد: دهی از دهستان سودلانه شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۱۴۶ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و

کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

(۸۸) عمارت: دهی از دهستان سودلانه شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۱۸۳سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

(۸۹) فتح آباد: دهی از دهستان شهر کهنه {قوچان عتیق} شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ سردسیر می باشد که دارای ۳۸۲سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۹۰) فخر آباد: دهی از دهستان شیرین دره شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۴۸۳سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۹۱) فرخان علیا: دهی از دهستان سودلانه شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۲۰۰۰سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

(۹۲) فرخان سفلی: دهی از دهستان سودلانه شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۰۰۰سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

(۹۳) فیروز آباد: دهی از دهستان شهر کهنه {قوچان عتیق} شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ سردسیر می باشد که دارای ۴۳۲سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

۹۴) فیلاب: دهی از دهستان شهر کهنه {قوچان عتیق} شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ سردسیر می باشد که دارای ۲۰۰سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

۹۵) قاجکانلو: دهی از دهستان دولت خانه شهرستان باجگیران با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۷۲۵سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

۹۶) قره جقه: دهی از دهستان دولت خانه شهرستان باجگیران با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۳۶سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

۹۷) قره چاه: دهی از دهستان دوغائی شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۷۶سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی میکنند.

۹۸) قره چه: دهی از دهستان دولت خانه شهرستان باجگیران با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۶۷سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

۹۹) قره شاموردی/احمدآباد: دهی از دهستان شهر کهنه {قوچان عتیق} شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۵۵۸سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

۱۰۰) قشلاق: دهی از دهستان سودلانه شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۴۳سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

(۱۰۱) قلعه بیگلر: دهی از دهستان شهر کهنه {قوچان عتیق} شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۴۲۱ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

(۱۰۲) قلعه شرف: دهی از دهستان دولت خانه شهرستان باجگیران با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۶۴ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۰۳) قلعه عباس: دهی از دهستان سودلانه شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۲۱۵ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

(۱۰۴) قیطاغی: دهی از دهستان شیرین دره شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۲۹۸ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۰۵) کتزر: دهی از دهستان سودلانه شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۳۲۲ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

(۱۰۶) کردکانلو: دهی از دهستان شیرین دره شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۲۰۱ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۰۷) کلاته احمد: دهی از دهستان دوغائی شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۷۷ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

۱۰۸) کلاته زمان: دهی از دهستان دوغائی شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۵۶سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

۱۰۹) کلاته علی زینل: دهی از دهستان دوغائی شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۱۲۶سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی میکنند.

۱۱۰) کلاته ملاقلی/مشکانلو: دهی از دهستان دوغائی شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۳۵سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

۱۱۱) کلاته ملو: دهی از دهستان دوغائی شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۲۷۹سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

۱۱۲) کلاته میرزا رجب: دهی از دهستان شهر کهنه {قوچان عتیق} شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۲۹۸سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

۱۱۳) کلوخی: دهی از دهستان شهر کهنه {قوچان عتیق} شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۶۹۳سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

۱۱۴) کهنه فرود: دهی از دهستان شهر کهنه {قوچان عتیق} شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۶۷۱سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

(۱۱۵) گرمجان: دهی از دهستان دوغائی شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۳۰ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل می دهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل می دهند.

(۱۱۶) گزل آباد: دهی از دهستان شهر کهنه {قوچان عتیق} شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۴۵۵ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل می دهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل می دهند.

(۱۱۷) گلابه: دهی از دهستان دوغائی شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۴۵ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل می دهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل می دهند.

(۱۱۸) گل احمد بیگ: دهی از دهستان شیرین دره شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۵ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل می دهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل می دهند.

(۱۱۹) گنبد جق: دهی از دهستان شهر کهنه {قوچان عتیق} شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۳۲۲ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل می دهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل می دهند.

(۱۲۰) گوجه: دهی از دهستان شهر کهنه {قوچان عتیق} شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ سردسیر می باشد که دارای ۶۴۱ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل می دهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل می دهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

(۱۲۱) لالو/لانو: دهی از دهستان دوغائی شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۴۳ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل می دهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل می دهند.

۱۲۲) محب سراج: دهی از دهستان شهر کهنه {قوچان عتیق} شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۲۰۰ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

۱۲۳) محمدآباد علیا: دهی از دهستان شهر کهنه {قوچان عتیق} شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۴۸ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

۱۲۴) محمدآباد سفلی: دهی از دهستان شهر کهنه {قوچان عتیق} شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۷۹ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

۱۲۵) محمودی: دهی از دهستان شهر کهنه {قوچان عتیق} شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۴۰۲ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

۱۲۶) مزرج: دهی از دهستان شیرین دره شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۳۸۴۳ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

۱۲۷) مؤمن آباد: دهی از دهستان دوغائی شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۲۳ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

۱۲۸) ناوخ: دهی از دهستان سودلانه شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۳۰۰ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

۱۲۹) نوروزی: دهی از دهستان شهر کهنه {قوچان عتیق} شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ سردسیر می باشد که دارای ۵۳۲سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

۱۳۰) نیت: دهی از دهستان شهر کهنه {قوچان عتیق} شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ سردسیر می باشد که دارای ۳۸۳سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

۱۳۱) هی هی: دهی از دهستان شیرین دره شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۲۹۶سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

۱۳۲) یادگار: دهی از دهستان دولت خانه شهرستان باجگیران با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۳۲۹سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

۱۳۳) یدک: دهی از دهستان شیرین دره شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۷۳۱سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

۱۳۴) یزدان آباد: دهی از دهستان شهر کهنه {قوچان عتیق} شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۹۷۴سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

۱۳۵) یساقی: دهی از دهستان دوغائی شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۲۰۵ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

۱۳۶) یساول باشی: دهی از دهستان دوغائی شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۲۰ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

۱۳۷) یکه لنگه: دهی از دهستان دوغائی شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۳۲ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

۱۳۸) یوسف آباد: دهی از دهستان شهر کهنه {قوچان عتیق} شهرستان قوچان با آب و هوایی جلگه ای _ گرمسیر می باشد که دارای ۷۱۴ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

۱۳۹) یوسف خان: دهی از دهستان شیرین دره شهرستان قوچان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۵۱۲ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

۱۴۰) قوچان: شهرستانی از استان خراسان رضوی با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۷۴۴۹۵ سکنه است که تورک ها و کرمانج ها و تات ها در این شهرستان زندگی می کنند.

***پایان آبادی های تورک نشین شهرستان قوچان و باجگیران حومه**

(توضیحات بیشتر برای آبادی های تورک نشین شهرستان قوچان و حومه: این ها تمام روستاهای شهر قوچان نبود با توجه به بافت قومیتی در روستان در ۹۵ درصد شاهد این

بودیم که تورک‌ها و کرمانج‌ها در کنار هم زندگی میکردند، زمانی که کرمانج‌ها از شمال غربی به خراسان تبعید شدند جمعیت زیادی از آن‌ها به قوچان رسیدن و دیدن که تمام مراتع و زمین‌های حاصل خیز قوچان مال ترکان گرایلی است برای توضیحات بیشتر به کتاب شهر من بیجین یورد نوشته شده به قلم رضا تأثیری مراجعه کنید. (۸۷)

* اسفراین

((مطالعه جهت آگاهی یافتن و بالا رفتن اطلاعات))

- (۱) **استئین:** دهی از دهستان دامن کوه شهرستان اسفراین با آب و هوایی جلگه‌ای _ گرمسیر می‌باشد که دارای ۱۶۷ سکنه است و کرمانج‌ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک‌ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.
- (۲) **امام عبدالله:** دهی از دهستان زرق آباد شهرستان اسفراین با آب و هوایی جلگه‌ای _ معتدل می‌باشد که دارای ۲۰ سکنه است و تات‌ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج‌ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تورک‌ها در این ده زندگی می‌کنند.
- (۳) **صفی آباد:** شهری از استان خراسان شمالی و مرکز بخش بام و صفی آباد با آب و هوایی جلگه‌ای _ معتدل می‌باشد که دارای ۳۴۲۷ سکنه است و کرمانج‌ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک‌ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.
- (۴) **قلعه نو رئیسی / قلعه نو انقلابی:** دهی از دهستان زرق آباد شهرستان اسفراین با آب و هوایی جلگه‌ای _ گرمسیر می‌باشد که دارای ۸۹ سکنه است و تورک‌ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات‌ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.
- (۵) **اردغان:** دهی از دهستان میلانلو شهرستان اسفراین با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می‌باشد که دارای ۷۶۷ سکنه است و تورک‌ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات‌ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۶) اردین: دهی از دهستان بام شهرستان اسفراین با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۲۶۷ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۷) الست: دهی از دهستان صفی آباد شهرستان اسفراین با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۹۵۸ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۸) انوشیروان: دهی از دهستان میلانلو شهرستان اسفراین با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۶۳ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۹) ایزی: دهی از دهستان آذری شهرستان اسفراین با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۳۱۸ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۰) آق قلعه: دهی از دهستان بام شهرستان اسفراین با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۲۱۹ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۱) آغش/اقج: دهی از دهستان بام شهرستان اسفراین با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۱۴۳ سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۲) بابا قدرت: دهی از دهستان بام شهرستان اسفراین با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۵۰ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۱۳) بام: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان اسفراین با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۱۳۶۸ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۴) بکر آباد: دهی از دهستان بام شهرستان اسفراین با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۱۶۹ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۵) بیدواز: دهی از دهستان میلانلو شهرستان اسفراین با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۴۵۱ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۶) پرتان: دهی از دهستان میلانلو شهرستان اسفراین با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۰۰ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۷) پرکانلو: دهی از دهستان میلانلو شهرستان اسفراین با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۸۲ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۸) پیاله: دهی از دهستان میلانلو شهرستان اسفراین با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۳۲ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۹) تارخه: دهی از دهستان بام شهرستان اسفراین با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۱۲۸ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۲۰) جان احمدی: دهی از دهستان میلانلو شهرستان اسفراین با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۳۴ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۲۱) جهان: دهی از دهستان بام شهرستان اسفراین با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۵۶۳ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۲۲) حسن آباد: دهی از دهستان میلانلو شهرستان اسفراین با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۵۸۲ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۲۳) خور آب: دهی از دهستان صفی آباد شهرستان اسفراین با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۳۲ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۲۴) راوخ: دهی از دهستان صفی آباد شهرستان اسفراین با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۱۴۲ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۲۵) روئین: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان اسفراین با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۴۱۳۵ سکنه است و تورکمن ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۲۶) زلفت: دهی از دهستان صفی آباد شهرستان اسفراین با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۲۵۹ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۲۷) درپرچین: دهی از دهستان میلانلو شهرستان اسفراین با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۲۰ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۲۸) دستجرد: دهی از دهستان بام شهرستان اسفراین با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۴۶۳ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۲۹) دنج: دهی از دهستان میلانلو شهرستان اسفراین با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۵۰ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۳۰) دهنه اجاق: دهی از دهستان بام شهرستان اسفراین با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۰۴۶ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۳۱) دهنه شیرین: دهی از دهستان صفی آباد شهرستان اسفراین با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۵۵۱ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۳۲) دولت آباد: دهی از دهستان آذری شهرستان اسفراین با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۲۹۳ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۳۳) سارکانلو: دهی از دهستان میلانلو شهرستان اسفراین با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۵۲ سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۳۴) سرچشمه: دهی از دهستان میلانلو شهرستان اسفراین با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۲۵۰ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۳۵) سرخ قلعه / سرخ قلعه تورکها: دهی از دهستان میلانلو شهرستان اسفراین با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۲۲ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۳۶) سفید قلعه: دهی از دهستان میلانلو شهرستان اسفراین با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۸۴ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۳۷) عباس آباد: دهی از دهستان صفی آباد شهرستان اسفراین با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۹۸ سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۳۸) علی آباد: دهی از دهستان زرق آباد شهرستان اسفراین با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۱۱۱ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۳۹) عیسی باغ: دهی از دهستان بام شهرستان اسفراین با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۴۵ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۴۰) عنبر آباد: دهی از دهستان بام شهرستان اسفراین با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۹۸ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۴۱) غوزه زن / گیوه جان: دهی از دهستان بام شهرستان اسفراین با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۱۴۹ سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۴۲) فتح آباد: دهی از دهستان بام شهرستان اسفراین با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۵۱ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۴۳) فیروز آباد: دهی از دهستان صفی آباد شهرستان اسفراین با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۷۶ سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۴۴) قارضی: دهی از دهستان صفی آباد شهرستان اسفراین با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۲۰۳ سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۴۵) قوچقر: دهی از دهستان بام شهرستان اسفراین با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۴۳ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۴۶) قنبر باغی: دهی از دهستان صفی آباد شهرستان اسفراین با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۷۰۴ سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۴۷) قاسم خان: دهی از دهستان آذری شهرستان اسفراین با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۷۷ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۴۸) قره چاه: دهی از دهستان صفی آباد شهرستان اسفراین با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۳۵۱ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۴۹) قلعه شور / کلاته شور: دهی از دهستان زرق آباد شهرستان اسفراین با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۱۹ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۵۰) قهرمان آباد / الیاس: دهی از دهستان آذری شهرستان اسفراین با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۳۲۳ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۵۱) کاظم آباد: دهی از دهستان میلانلو شهرستان اسفراین با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۴۰ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۵۲) کلاته بام: دهی از دهستان بام شهرستان اسفراین با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۱۶۸ سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۵۳) کلاته حبیب: دهی از دهستان میلانلو شهرستان اسفراین با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۶۸ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۵۴) کلاته سنجر: دهی از دهستان آذری شهرستان اسفراین با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۲۵۵ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۵۵) کمر غایه: دهی از دهستان بام شهرستان اسفراین با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۵۰ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۵۶) گراتی: دهی از دهستان آذری شهرستان اسفراین با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۶۶۱ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۵۷) گسک: دهی از دهستان صفی آباد شهرستان اسفراین با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۴۲۸ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۵۸) گنج دان: دهی از دهستان میلانلو شهرستان اسفراین با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۶۲ سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۵۹) مقصودآباد: دهی از دهستان صفی آباد شهرستان اسفراین با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۴۶۳ سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۶۰) مهرآباد: دهی از دهستان زرق آباد شهرستان اسفراین با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۳۷۶ سکنه است و کرمانج ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۶۱) منگلی: دهی از دهستان صفی آباد شهرستان اسفراین با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۸۸ سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۶۲) میلانلو: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان اسفراین با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۳۹۰۴ سکنه است و کرمانج ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۶۳) نصرآباد: دهی از دهستان بام شهرستان اسفراین با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۰۰ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۶۴) اسفراین: شهرستانی از استان خراسان شمالی با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر است که دارای ۱۲۰۵۱۳ سکنه است و جمعیت بالای این شهرستان را تورک ها و تات ها تشکیل میدهند و کرمانج ها در این شهرستان زندگی میکنند.

***پایان آبادی های تورک نشین شهرستان اسفراین حومه**

(توضیحات بیشتر برای آبادی های تورک نشین شهرستان اسفراین و حومه: این ها تمام روستاهای اسفراین نبودن، در اسفراین کرمانج ها هم تعداد قابل توجهی دارد ولی نباید از تعداد زیاد ترکان اسفراین که از ایل بزرگ گرایلی اند چشم پوشی کرد. آن ها ترکانی هستند که در زمانی که کرمانج ها بر زمین و خانه ی آن ها برای تصرف یورش بردن خانه شان را ترک کردن و به اسفراین و شهر رامیان کوچ کردند.)

* جاجرم

((مطالعه جهت آگاهی یافتن و بالا رفتن اطلاعات))

- (۱) **جغدی:** دهی از دهستان شوقان شهرستان جاجرم با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۱۰۴سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و کرمانج ها در این ده زندگی می کنند.
- (۲) **قراجه رباط:** دهی از دهستان شوقان شهرستان جاجرم با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۲۶۹سکنه است و تات ها در این ده زندگی می کنند.
- (۳) **حصار عیسی:** دهی از دهستان شوقان شهرستان جاجرم با آب و هوایی دامنه _ سردسیر می باشد که دارای ۶۴۳سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.
- (۴) **چهار بید:** دهی از دهستان طبر شهرستان جاجرم با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۱۳۲۹سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- (۵) **خرمن تپه:** دهی از دهستان طبر شهرستان جاجرم با آب و هوایی جلگه ای _ سردسیر می باشد که دارای ۳۰سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۶) خراشاه/اسلام آباد: دهی از دهستان جلگه سنخواست شهرستان جاجرم با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۴۶۷سکنه است و کرمانج ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۷) رضا آباد: دهی از دهستان طبر شهرستان جاجرم با آب و هوایی دامنه _ سردسیر می باشد که دارای ۴۰سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و کرمانج ها در این ده زندگی می کنند.

(۸) کتلی: دهی از دهستان طبر شهرستان جاجرم با آب و هوایی دامنه _ سردسیر می باشد که دارای ۳۴۸سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۹) کلاته تورک ها: دهی از دهستان دربند شهرستان جاجرم با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۲۲۰سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۱۰) جاجرم: شهرستانی از استان خراسان شمالی با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل است که دارای ۳۶۶۷۳سکنه است و تورک ها و کرمانج ها و تات ها در این شهرستان زندگی می کنند.

***پایان آبادی های تورک نشین شهرستان جاجرم حومه**

(توضیحات بیشتر برای آبادی های تورک نشین شهرستان جاجرم و حومه: این ها تمام روستاهای جاجرم نبود و باید ذکر کنم به استناد از کتاب بیجین یورد شهر من نوشته شده به قلم رضا تأثیری خوانین این شهر از تورک های گرایی بوده اند.)

* فاروج

((مطالعه جهت آگاهی یافتن و بالا رفتن اطلاعات))

- (۱) **احسان آباد:** دهی از دهستان سنگر شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۱۴۲سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.
- (۲) **ارمود آقاجی:** دهی از دهستان سنگر شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۲۳۸سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.
- (۳) **استاد:** دهی از دهستان شاه جهان شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۳۹۸سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.
- (۴) **اسفجیر:** دهی از دهستان حصار شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۶۲۹سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.
- (۵) **اسطرخ:** دهی از دهستان سنگر شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۱۰۰سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.
- (۶) **امیرآباد:** دهی از دهستان سنگر شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۳۲۵سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.
- (۷) **امیرخان:** دهی از دهستان سنگر شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۴۴سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- (۸) **آقا لطف علی:** دهی از دهستان سنگر شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۱۰۰سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

۹) آق باغ: دهی از دهستان حصار شهرستان فاروج با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۳۰سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

۱۰) آق چشمه: دهی از دهستان سنگر شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۱۵۶سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

۱۱) باش محله: دهی از دهستان سنگر شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۴۲۷سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

۱۲) باغ محله: دهی از دهستان مرکزی شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۱۶۹سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

۱۳) برگرد: دهی از دهستان شاه جهان شهرستان فاروج با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۶۱۲سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

۱۴) بهار: دهی از دهستان سنگر شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۲۵۸سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

۱۵) بیرک: دهی از دهستان سنگر شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۵۵۱سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

۱۶) بیرام آباد: دهی از دهستان سنگر شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۱۰۱سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل

میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

۱۷) پرکار: دهی از دهستان مرکزی شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۴۱سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

۱۸) پسکن: دهی از دهستان سنگر شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۴۰سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

۱۹) پیرعلی: دهی از دهستان شاه جهان شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۲۸۵سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

۲۰) پیره: دهی از دهستان سنگر شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۵۱سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

۲۱) تبریان: دهی از دهستان مرکزی شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۱۳۸سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

۲۲) ترنیک: دهی از دهستان تیتکانلو شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۲۶۳سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

۲۳) تقی آباد: دهی از دهستان تیتکانلو شهرستان فاروج با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۲۴سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

(۲۴) تیتکانلو: دهی از دهستان مرکزی شهرستان فاروج با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۵۸۷۷ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۲۵) جنجال آباد: دهی از دهستان سنگر شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۱۰۵ سکنه است و تورکها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

(۲۶) جهان آباد: دهی از دهستان مرکزی شهرستان فاروج با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۵۰ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۲۷) چورخانه: دهی از دهستان مرکزی شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۲۲ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۲۸) چری: دهی از دهستان مرکزی شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۲۰۸۷ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

(۲۹) حاجی تقی: دهی از دهستان تیتکانلو شهرستان فاروج با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۷۶۷ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و کرمانج ها در این ده زندگی می کنند.

(۳۰) حصار اندف: دهی از دهستان حصار شهرستان فاروج با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۶۲۵ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و کرمانج ها در این ده زندگی می کنند.

(۳۱) خرق: دهی از دهستان سنگر شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۱۴۱۸ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و کرمانج ها در این ده زندگی می کنند.

(۳۲) خوشان: دهی از دهستان حصار شهرستان فاروج با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۴۱۳ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

(۳۳) خواجه ها: دهی از دهستان حصار شهرستان فاروج با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۲۰۳ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

(۳۴) خیرآباد: دهی از دهستان شاه جهان شهرستان فاروج با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۶۳۳ سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۳۵) دالنجان ترکیه: دهی از دهستان مرکزی شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۸۳ سکنه است و تورک ها جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۳۶) دالنجان کردیه: دهی از دهستان مرکزی شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۲۴۴ سکنه است و تورک ها جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۳۷) دربند اسفجیر: دهی از دهستان حصار شهرستان فاروج با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۹۴ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

(۳۸) رستم آباد: دهی از دهستان مرکزی شهرستان فاروج با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۴۸۱ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

(۳۹) ریزه: دهی از دهستان مرکزی شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۲۰۳ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

(۴۰) زینگانلو: دهی از دهستان مرکزی شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۱۲۰ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

(۴۱) سلیمان آباد: دهی از دهستان مرکزی شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۷۹ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

(۴۲) سنگلی: دهی از دهستان مرکزی شهرستان فاروج با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۴۵۶ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

(۴۳) سه گنبد: دهی از دهستان شاه جهان شهرستان فاروج با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۲۷۴ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

(۴۴) سیاه دشت: دهی از دهستان شاه جهان شهرستان فاروج با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۶۶۴ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

(۴۵) شیرغان: دهی از دهستان سنگر شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۸۱ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۴۶) علیشاه: دهی از دهستان مرکزی شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۵۰ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۴۷) فرهادان: دهی از دهستان سنگر شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۱۱۳ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۴۸) فیض آباد: دهی از دهستان شاه جهان شهرستان فاروج با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۰۰ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و کرمانج ها در این ده زندگی می کنند.

(۴۹) قرق آب: دهی از دهستان مرکزی شهرستان فاروج با آب و هوایی جلگه ای _ سردسیر می باشد که دارای ۳۷ سکنه است و تورک ها و تات ها در این ده زندگی می کنند.

(۵۰) قره ارپد: دهی از دهستان سنگر شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۳۰ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۵۱) قره جقه: دهی از دهستان سنگر شهرستان فاروج با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۷۶ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۵۲) قره چشمه: دهی از دهستان سنگر شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۳۷۸ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۵۳) قره گل: دهی از دهستان مرکزی شهرستان فاروج با آب و هوایی جلگه ای _ سردسیر می باشد که دارای ۱۵۹ سکنه است و تورک ها و تات ها در این ده زندگی می کنند.

(۵۴) قلعه نورمحمد: دهی از دهستان سنگر شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۸۲ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۵۵) قوشخانه: دهی از دهستان سنگر شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۲۳۵ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۵۶) کواکی: دهی از دهستان مرکزی شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۵۶۳ سکنه است و تورک ها و کرمانج ها در این ده زندگی می کنند.

(۵۷) کلاته جعفرآباد: دهی از دهستان تیتکانلو شهرستان فاروج با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۲۸۵ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

(۵۸) کلاته شاه میر: دهی از دهستان مرکزی شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۱۴۱ سکنه است و تورک ها و کرمانج ها در این ده زندگی می کنند.

(۵۹) کلاته صفدرآباد: دهی از دهستان تیتکانلو شهرستان فاروج با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۹۵۶ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

۶۰) کلاته محمدرضا خان: دهی از دهستان مرکزی شهرستان فاروج با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۴۰۲ سکنه است و تورک ها و کرمانج ها در این ده زندگی می کنند.

۶۱) کوران ترکیه: دهی از دهستان حصار شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۶۶۷ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

۶۲) کوران کردیه: دهی از دهستان حصار شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۴۳۱ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

۶۳) گرماب: دهی از دهستان مرکزی شهرستان فاروج با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۳۰ سکنه است و تورک ها و کرمانج ها در این ده زندگی می کنند.

۶۴) گزکوه: دهی از دهستان تیتکانلو شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۹۶۸ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

۶۵) گوگ دره: دهی از دهستان سنگر شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۱۰۱ سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

۶۶) مایوان: دهی از دهستان شاه جهان شهرستان فاروج با آب و هوایی جلگه ای _ سردسیر می باشد که دارای ۳۶۰۴ سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و کرمانج ها در این ده زندگی می کنند.

(۶۷) محمدآباد: دهی از دهستان سنگر شهرستان فاروج با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۱۷سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۶۸) مردکانلو: دهی از دهستان مرکزی شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۱۶۶سکنه است و تورک ها و کرمانج ها در این ده زندگی می کنند.

(۶۹) مرغزار: دهی از دهستان تیتکانلو شهرستان فاروج با آب و هوایی جلگه ای _ سردسیر می باشد که دارای ۵۳۱سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۷۰) مفرنقاه: دهی از دهستان مرکزی شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۷۳۸سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۷۱) میر فضل الله: دهی از دهستان تیتکانلو شهرستان فاروج با آب و هوایی جلگه ای _ سردسیر می باشد که دارای ۱۶۷سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۷۲) نجف آباد: دهی از دهستان تیتکانلو شهرستان فاروج با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۶۶۹سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۷۳) نقاب: دهی از دهستان تیتکانلو شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۴۴۱سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۷۴) ولی آباد: دهی از دهستان تیتکانلو شهرستان فاروج با آب و هوایی جلگه ای _ سردسیر می باشد که دارای ۱۰۵ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۷۵) هشت مرخ: دهی از دهستان شاه جهان شهرستان فاروج با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۴۴ سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و کرمانج ها در این ده زندگی می کنند.

(۷۶) یارم گنبد: دهی از دهستان سنگر شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۵۵ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۷۷) یام: دهی از دهستان حصار شهرستان فاروج با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۳۲۸ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۷۸) ینگه قلعه: دهی از دهستان سنگر شهرستان فاروج با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۴۰۸ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تات ها در این ده زندگی می کنند.

(۷۹) فاروج: شهرستانی از استان خراسان شمالی با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل است که دارای ۴۹۲۷۱ سکنه است و تورک ها و کرمانج ها و تات ها در این شهرستان زندگی می کنند.

***پایان آبادی های تورک نشین شهرستان فاروج حومه**

(توضیحات بیشتر برای آبادی های تورک نشین شهرستان فاروج و حومه: این ها تمام روستاهای فاروج نبود هستند روستاهایی که کاملاً کرمانج نشین باشند و اصل حرف ما درباره ی تورک ها در خراسان است و به همین خاطر اسامی آن ها را به میان نیاورده ایم، به دلیل نزدیک بودن

این شهرستان با شهرستان قوچان از لحاظ بافت قومیتی شبیه به هم اند و در بیشتر آبادی ها تورک ها و کرمانج ها در کنار یکدیگر زندگی می کنند.)

مشهد*

((مطالعه جهت آگاهی یافتن و بالا رفتن اطلاعات))

- (۱) **آب قد:** دهی از دهستان درزآب شهرستان مشهد با آب و هوایی دره _ سردسیر معتدل می باشد که دارای ۲۶۵سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.
- (۲) **آبکمه:** دهی از دهستان زاوین شهرستان کلات با آب و هوایی دره _ معتدل می باشد که دارای ۱۹۷سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.
- (۳) **آق داش:** دهی از دهستان کبود گنبد شهرستان کلات با آب و هوایی دره _ سردسیر می باشد که دارای ۵۲۵سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- (۴) **آسیق سو:** دهی از دهستان کبود گنبد شهرستان کلات با آب و هوایی دره _ سردسیر می باشد که دارای ۷۵سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.
- (۵) **ارچنگان:** دهی از دهستان کبود گنبد شهرستان کلات با آب و هوایی دره _ سردسیر می باشد که دارای ۲۲۴سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- (۶) **ارداک:** دهی از دهستان درزآب شهرستان مشهد با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۳۱۲سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۷) اورتکند: دهی از دهستان زاوین شهرستان کلات با آب و هوایی دره _ معتدل می باشد که دارای ۲۰۹سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۸) النگ علی بای: دهی از دهستان پساکوه شهرستان کلات با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۰۰سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۹) ایده لیک: دهی از دهستان کبود گنبد شهرستان کلات با آب و هوایی دره _ سردسیر می باشد که دارای ۶۶۴سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۰) بازه خور: دهی از دهستان پیوه ژن شهرستان مشهد با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۱۲۷۹سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۱) باغ کند: دهی از دهستان زاوین شهرستان کلات با آب و هوایی دره _ معتدل می باشد که دارای ۲۴۵سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۲) برده: دهی از دهستان زاوین شهرستان کلات با آب و هوایی دره _ معتدل می باشد که دارای ۱۸۱سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۳) بلغور: دهی از دهستان کارده شهرستان مشهد با آب و هوایی دامنه _ سردسیر می باشد که دارای ۷۰۵سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۱۴) بهره: دهی از دهستان کارده شهرستان مشهد با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۷۷سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۱۵) بزجانی: دهی از دهستان سنگ بست شهرستان فریمان با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۶۳۵سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۱۶) تربت جام: شهرستانی از استان خراسان رضوی با آب و هوایی جلگه ای _ گرمسیر می باشد که دارای ۲۶۷۶۷۱ سکنه است و تات ها جمعیت بالایی از این شهرستان را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالای این شهرستان را تشکیل میدهند و تعدادی افغان در این شهرستان زندگی می کنند.

(۱۷) دربند: دهی از دهستان کبود گنبد شهرستان کلات با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۲۱۴ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۱۸) جلیل آباد: دهی از دهستان کبود گنبد شهرستان کلات با آب و هوایی رودخانه _ گرمسیری می باشد که دارای ۱۶۹ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

(۱۹) جنگ: دهی از دهستان کارده شهرستان مشهد با آب و هوایی دره _ سردسیر می باشد که دارای ۱۵۳ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۲۰) جمران: دهی از دهستان سنگ بست شهرستان فریمان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۵۹ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۲۱) حمام قلعه: دهی از دهستان کبود گنبد شهرستان کلات با آب و هوایی دره _ سردسیر می باشد که دارای ۶۳۱ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۲۲) چرم: دهی از دهستان سنگ بست شهرستان فریمان با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۲۶۷ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۲۳) خرگت: دهی از دهستان کارده شهرستان مشهد با آب و هوایی دامنه _ سردسیر می باشد که دارای ۴۶۶ سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۲۴) خشت: دهی از دهستان کبود گنبد شهرستان کلات با آب و هوایی دره _ سردسیر می باشد که دارای ۳۱۱ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۲۵) سررود: دهی از دهستان زاوین شهرستان کلات با آب و هوایی دره _ معتدل می باشد که دارای ۷۱۹ سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۲۶) سرقایه/سرغایه: دهی از دهستان سرجام احمدآباد شهرستان مشهد با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۲۴۵ سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورکمن ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۲۷) سیج: دهی از دهستان کارده شهرستان مشهد با آب و هوایی دره _ معتدل می باشد که دارای ۳۷۲ سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۲۸) سینی: دهی از دهستان کبود گنبد شهرستان کلات با آب و هوایی دره _ سردسیر می باشد که دارای ۳۷۸ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۲۹) قاباخ: دهی از دهستان کبود گنبد شهرستان کلات با آب و هوایی دره _ سردسیر می باشد که دارای ۲۶۸ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۳۰) قره تیکان: دهی از دهستان زاوین شهرستان کلات با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۲۴۶ سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۳۱) قره سو: دهی از دهستان کبود گنبد شهرستان کلات با آب و هوایی دره _ سردسیر می باشد که دارای ۳۰ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۳۲) قله زو: دهی از دهستان کبود گنبد شهرستان کلات با آب و هوایی دره _ سردسیر می باشد که دارای ۸۹۹ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۳۳) ژرف: دهی از دهستان کبود گنبد شهرستان کلات با آب و هوایی دره _ سردسیر می باشد که دارای ۲۵۶ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۳۴) لنگر: دهی از دهستان میان جام شهرستان تربت جام با آب و هوایی جلگه ای _ گرمسیر می باشد که دارای ۶۹۹ سکنه است و ترکمن ها در این ده زندگی می کنند.

(۳۵) طاهر آباد تورک ها: دهی از دهستان پساکوه شهرستان کلات با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۲۶۷ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۳۶) یکه توت: دهی از دهستان کبود گنبد شهرستان کلات با آب و هوایی کوهستانی _ گرمسیر می باشد که دارای ۵۰ سکنه است و فارس ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۳۷) مارشک: دهی از دهستان کارده شهرستان مشهد با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۹۳۲ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۳۸) ماه کاریز: دهی از دهستان سنگ بست شهرستان فریمان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۱۱ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۳۹) محمد آباد: دهی از دهستان هزار مسجد شهرستان کلات با آب و هوایی کوهستانی _ گرمسیر می باشد که دارای ۳۲ سکنه است و تورکمن ها در این ده زندگی میکنند.

(۴۰) مشهد: دومین کلانشهر کشور ایران است که دارای ۳۳۷۲۶۶۰ سکنه دارد و دارای آب و هوایی جلگه ای _ معتدل است که در این کلانشهر تعداد تورک ها بسیار بالا است، علاوه بر تورک های خراسان که از شهرستان های اطراف در مشهد ساکن هستند تورک های آذربایجانی هم در مشهد زندگی می کنند. کرمانج ها در این کلانشهر زندگی می کنند. تات ها و عرب ها و بلوچ ها هم در این کلانشهر ساکن هستند.

***پایان آبادی های تورک نشین شهرستان مشهد و تربت جام و فریمان و کلات و حومه**

(توضیحات بیشتر برای آبادی های تورک نشین شهرستان های مشهد و تربت جام و فریمان و کلات و حومه: این ها تمام روستاهای این شهرستان ها نبود تورک ها در این مناطق به طور پراکنده زندگی می کنند ولی در شهرستان کلات از جمعیت بالایی برخوردار هستند.)

*جوین

((مطالعه جهت آگاهی یافتن و بالا رفتن اطلاعات))

(۱) **احمد آباد ملک:** دهی از دهستان بالا جوین شهرستان جوین با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۹۵۳ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۲) **احمدآباد:** دهی از دهستان زرین شهرستان جوین با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۵۹۰ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۳) **اسماعیل آباد:** دهی از دهستان حکم آباد شهرستان جوین با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۷۲۰ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۴) **اله آباد:** دهی از دهستان پیراکوه شهرستان جوین با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۰۰ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۵) **انداده:** دهی از دهستان بالا جوین شهرستان جوین با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۸۷۸ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۶) **ارگ نوجوی:** دهی از دهستان پیراکوه شهرستان جوین با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۷۱۱ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

- (۷) اندوقان:** دهی از دهستان حکم آباد شهرستان جوین با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۵۰سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- (۸) ابراهیم آباد:** دهی از دهستان زرین شهرستان جوین با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۰۰سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- (۹) بخش آباد:** دهی از دهستان حکم آباد شهرستان جوین با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۱۲۵سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.
- (۱۰) بداغ آباد:** دهی از دهستان زرین شهرستان جوین با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۶۰۳سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.
- (۱۱) بحرآباد:** دهی از دهستان بالا جوین شهرستان جوین با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۷۰سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.
- (۱۲) جعفرآباد:** دهی از دهستان پیراکوه شهرستان جوین با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۷۰سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.
- (۱۳) جزندر:** دهی از دهستان پیراکوه شهرستان جوین با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۲۲۳سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- (۱۴) حاجی آباد:** دهی از دهستان بالا جوین شهرستان جوین با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۹۴۱سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.
- (۱۵) حاجی آباد بزازی:** دهی از دهستان حکم آباد شهرستان جوین با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۱۹۶سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۶) حکم آباد: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان جوین با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۳۸۲۴ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۷) حسین آباد: دهی از دهستان بالا جوین شهرستان جوین با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۰۰ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۸) خرم آباد: دهی از دهستان حکم آباد شهرستان جوین با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۴۸۲ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۹) خیر آباد: دهی از دهستان حکم آباد شهرستان جوین با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۳۷۸ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۲۰) رحمت آباد: دهی از دهستان زرین شهرستان جوین با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۶۵۱ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۲۱) رستم آباد: دهی از دهستان حکم آباد شهرستان جوین با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۵۰ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۲۲) رازی: چهار ده ادغام شده بنام های قزلقارشی، قارزی، بحرآباد و بیسجرد از دهستان بالا جوین شهرستان جوین با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۴۲۵۰ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۲۳) رامشین: دهی از دهستان پیراکوه شهرستان جوین با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۴۸۲ سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۲۴) زورآباد: دهی از دهستان بالا جوین شهرستان جوین با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۹۴۶ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۲۵) زیرآباد: دهی از دهستان بالا جوین شهرستان جوین با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۴۱۴ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۲۶) سردارآباد: دهی از دهستان مرکزی بخش نقاب حومه شهرستان جوین با آب و هوایی جلگه ای _ گرمسیر می باشد که دارای ۱۲۰ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۲۷) شمس آباد: دهی از دهستان پیراکوه شهرستان جوین با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۸۳ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۲۸) عباس آباد عرب: دهی از دهستان حکم آباد شهرستان جوین با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۸۷۶ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۲۹) عباس آباد ملک: دهی از دهستان بالا جوین شهرستان جوین با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۹۵۱ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۳۰) فتح آباد: دهی از دهستان بالا جوین شهرستان جوین با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۸۸۱ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۳۱) کریم آباد: دهی از دهستان زرین شهرستان جوین با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۶۹۹ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۳۲) کلاته انداده: دهی از دهستان بالا جوین شهرستان جوین با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۶۴۲ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

- (۳۳) کلاته قادری:** دهی از دهستان حکم آباد شهرستان جویین با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۹۱سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- (۳۴) کلاته میمری:** دهی از دهستان بالا جویین شهرستان جویین با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۳۳۹سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- (۳۵) کلاته فانوا:** دهی از دهستان حکم آباد شهرستان جویین با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۰۰۰سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- (۳۶) کلاته عرب:** دهی از دهستان زرین شهرستان جویین با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۴۴۹سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- (۳۷) کماستان:** دهی از دهستان بالا جویین شهرستان جویین با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۵۱۹سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- (۳۸) منجشیرین:** دهی از دهستان پیراکوه شهرستان جویین با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۳۲۷سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- (۳۹) یوسف آباد:** دهی از دهستان پیراکوه شهرستان جویین با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۱۳سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.
- (۴۰) نقاب:** شهری از استان خراسان رضوی، مرکز شهرستان جویین با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۴۷۸۳سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.
- (۴۱) همت آباد:** دهی از دهستان حکم آباد شهرستان جویین با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۰۰سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۴۲) جوین: شهرستانی از استان خراسان رضوی با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۳۸۴۲۵ سکنه است که تورک ها جمعیت بالای این شهرستان را تشکیل میدهند و تات ها هم در این شهرستان زندگی می کنند.

***پایان آبادی های تورک نشین شهرستان جوین حومه**

(توضیحات بیشتر برای آبادی های تورک نشین شهرستان جوین و حومه: این ها تمام روستاهای جوین نیست روستاهای دیگری هم وجود دارند که کاملاً تات نشین هستند.)

***جغتای**

((مطالعه جهت آگاهی یافتن و بالا رفتن اطلاعات))

- (۱) ابویسان:** دهی از دهستان میان جوین شهرستان جغتای با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۶۹۷ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- (۲) آزادوار:** دهی از دهستان پائین جغتای شهرستان جوین با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۴۴۲ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- (۳) انادی/اناوی:** دهی از دهستان پائین جوین شهرستان جغتای با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۴۱۰ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- (۴) حاجی آباد:** دهی از دهستان پائین جوین شهرستان جغتای با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۱۹ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- (۵) حجت آباد:** دهی از دهستان میان جوین شهرستان جغتای با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۶۱۷ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

- (۶) **حسین آباد:** دهی از دهستان پائین جوین شهرستان جغتای با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۲۲۶سکنه است و تورک ها جمعیت بالای این شهرستان را تشکیل میدهند و تات ها هم در این شهرستان زندگی می کنند.
- (۷) **خداشاه:** دهی از دهستان میان جوین شهرستان جغتای با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۶۶۱سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.
- (۸) **خسروشیر:** دهی از دهستان میان جوین شهرستان جغتای با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۴۴۰سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- (۹) **دستوران:** دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان جغتای با آب و هوایی جلگه ای _ گرمسیر می باشد که دارای ۹۰۰سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- (۱۰) **راه چمن:** دهی از دهستان میان جوین شهرستان جغتای با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۳۳۲سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.
- (۱۱) **ریواده:** دهی از دهستان میان جوین شهرستان جغتای با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۲۴۴۷سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.
- (۱۲) **زمند:** دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان جغتای با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۶۲۸سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- (۱۳) **زرقان:** دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان جغتای با آب و هوایی جلگه ای _ گرمسیر می باشد که دارای ۲۰۰۰سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.
- (۱۴) **سیدآباد پیره:** دهی از دهستان پائین جوین شهرستان جغتای با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۸۰سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۱۵) سامقان: دهی از دهستان میان جوین شهرستان جغتای با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۳۱۶ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۶) گت: دهی از دهستان دستوران شهرستان جغتای با آب و هوایی جلگه ای _ گرمسیر می باشد که دارای ۴۹۹ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۷) شهرستانک: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان جغتای با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۲۱۵۶ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۸) عباس آباد قندی: دهی از دهستان میان جوین شهرستان جغتای با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۵۸۱ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۹) فشانجرد: دهی از دهستان میان جوین شهرستان جغتای با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۰۰۰ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۲۰) فیض آباد: دهی از دهستان پائین جوین شهرستان جغتای با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۹۲۷ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۲۱) سلیمان آباد: دهی از دهستان میان جوین شهرستان جغتای با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۰۰ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۲۲) نو باغ: دهی از دهستان میان جوین شهرستان جغتای با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۷۵۴ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۲۳) جغتای: شهرستانی از استان خراسان رضوی با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۱۰۹۱۲ سکنه است و تات ها جمعیت بالای این شهرستان را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالای این شهرستان را تشکیل میدهند.

***پایان آبادی های تورک نشین شهرستان جغتای و حومه**

(توضیحات بیشتر برای آبادی های تورک نشین شهرستان جغتای و حومه: این ها تمام روستاهای جغتای نیست روستاهای دیگری هم وجود دارند که کاملاً تات نشین هستند و بر اثر نزدیکی به شهرستان جوین بافت قومیتی مشترکی با یکدیگر دارند.)

***خوشاب**

((مطالعه جهت آگاهی یافتن و بالا رفتن اطلاعات))

(۱) اردنچ: دهی از دهستان یام شهرستان خوشاب با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۸۵ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۲) بلقان آباد: دهی از دهستان سلطان آباد شهرستان خوشاب با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۷۰۵ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۳) ترخاص: دهی از دهستان سلطان آباد شهرستان خوشاب با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۲۴۷ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۴) داشخانه: دهی از دهستان طبس شهرستان خوشاب با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۳۶۶ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۵) دیواندر: دهی از دهستان طبس شهرستان خوشاب با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۵۸ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۶) رباط جز: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان خوشاب با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۳۰۰۰ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۷) روکی: دهی از دهستان سلطان آباد شهرستان خوشاب با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۲۹۵ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

(۸) زرقی: دهی از دهستان سلطان آباد شهرستان خوشاب با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۱۳۶ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

(۹) سراج: دهی از دهستان سلطان آباد شهرستان خوشاب با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۷۸ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

(۱۰) سلطان آباد: مرکز شهرستان خوشاب با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۸۰۰۰ سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۱) طالبی: دهی از دهستان سلطان آباد شهرستان خوشاب با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۲۲۳ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

(۱۲) عادل آباد: دهی از دهستان یام شهرستان خوشاب با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۴۶۹ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۳) فوجی: دهی از دهستان سلطان آباد شهرستان خوشاب با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۲۶۳ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۴) قارضی: دهی از دهستان طبس شهرستان خوشاب با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۵۰ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۵) قمشلق: دهی از دهستان سلطان آباد شهرستان خوشاب با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۱۰۰سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۶) کیخسرو: دهی از دهستان سلطان آباد شهرستان خوشاب با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۳۷۴سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۱۷) گل گنبد: دهی از دهستان مشکان شهرستان خوشاب با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۲۳۶سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۱۸) نورآباد: دهی از دهستان سلطان آباد شهرستان خوشاب با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۲۷۵سکنه است و تورکی ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۹) نشیب: دهی از دهستان یام شهرستان خوشاب با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۵۴سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۲۰) نوروزی: دهی از دهستان یام شهرستان خوشاب با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۵۲۱سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۲۱) نودهان: دهی از دهستان طبس شهرستان خوشاب با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۸۱۷سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۲۲) خوشاب: شهرستانی از استان خراسان رضوی با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۲۷۱۶۹سکنه است و تورک ها در این شهرستان جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

***پایان آبادی های تورک نشین شهرستان خوشاب حومه**

(توضیحات بیشتر برای آبادی های تورک نشین شهرستان خوشاب و حومه: این ها تمام روستاهای خوشاب نیست روستاهای دیگری هم وجود دارند که کاملاً تات نشین هستند و بر اثر نزدیکی به شهرستان جوین و جغتای بافت قومیتی مشترکی با یکدیگر دارند.)

*نیشابور

((مطالعه جهت آگاهی یافتن و بالا رفتن اطلاعات))

(۱) **ابراهیم آباد یوسفعلی:** دهی از دهستان دربقاضی شهرستان نیشابور با آب و هوایی کویر شوره زار _ گرمسیر می باشد که دارای ۱۰۰سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۲) **آبقوی:** دهی از دهستان مازول شهرستان نیشابور با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۱۷۸سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۳) **آق قایه:** دهی از دهستان سرولایت شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۲۴۴سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۴) **آستایش:** دهی از دهستان بلهرات شهرستان نیشابور با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۶۸۶سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۵) **ارگ:** دهی از دهستان مازول شهرستان نیشابور با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۱۲۹سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۶) **اردوغش:** دهستان مرکزی از بخش زبرخان شهرستان نیشابور با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۹۱۴سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

- (۷) ارغش:** دهی از دهستان عشق آباد شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۳۲۱ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- (۸) ادگ:** دهی از دهستان فضل شهرستان نیشابور با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۴۴۰ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.
- (۹) اینچگان:** دهی از دهستان سرولایت شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۵۶ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- (۱۰) اندراب:** دهی از دهستان بینالود شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۹۸ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- (۱۱) بابا بهلول:** دهی از دهستان سرولایت شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۳۰ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- (۱۲) باقریه:** دهی از دهستان عشق آباد شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۴۰۳ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- (۱۳) باغشن کج:** دهی از دهستان مازول شهرستان نیشابور با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۳۹۱۵ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- (۱۴) برج:** دهی از دهستان اردوغش شهرستان نیشابور با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۱۱۶۷ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- (۱۵) بحرود:** دهی از دهستان دربقاضی شهرستان نیشابور با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۵۷۴ سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.
- (۱۶) بشر آباد:** دهی از دهستان فضل شهرستان نیشابور با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۱۲۱۲ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۷) بشکن: دهی از دهستان سرولایت شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۶۸ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۱۸) برزنون: دهستان مرکزی از بخش سرولایت شهرستان نیشابور با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۲۹۸۵ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۹) برگشاهی: دهی از دهستان بینالود شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۲۳۷ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۲۰) بز قوچان: دهی از دهستان تخت جلگه شهرستان فیروزه با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۱۰۵۳ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۲۱) بزق: دهی از دهستان بلهرات شهرستان نیشابور با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۰۵۹ سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۲۲) بغیش: دهی از دهستان مازول شهرستان نیشابور با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۲۳۰ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۲۳) بیدخان: دهی از دهستان سرولایت شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۴۰۵ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی میکنند.

(۲۴) تپه جیک: دهی از دهستان طاغن کوه شمالی شهرستان فیروزه با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۳۵۱ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۲۵) تلی: دهی از دهستان بینالود شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۲۶۵ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۲۶) تیران: دهی از دهستان برزنون شهرستان چکنه با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۴۱۸ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۲۷) خانلق: دهی از دهستان مازول شهرستان نیشابور با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۳۷۹ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۲۸) خایسک: دهی از دهستان سرولایت شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۴۵۵ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۲۹) خرو: شهری از بخش حومه شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۳۵۳۵ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۳۰) خواجه آباد: دهی از دهستان سرولایت شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۵۳۳ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۳۱) خواجه بچه: دهی از دهستان مازول شهرستان نیشابور با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۲۱۵ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۳۲) خیر آباد: دهی از دهستان مازول شهرستان نیشابور با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۱۴۶ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۳۳) حاجی آباد: دهی از دهستان سرولایت شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۲۶ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۳۴) حسن آباد: دهی از دهستان سرولایت شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۹۵ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۳۵) حسن آباد بلهر: دهی از دهستان بلهرات شهرستان نیشابور با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۶۸۲ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

- (۳۶) حسن آباد سرتپه:** دهی از دهستان مازول شهرستان نیشابور با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۱۲۰ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- (۳۷) حصار زبرخان:** دهی از دهستان زبرخان شهرستان نیشابور با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۸۵۷ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- (۳۸) حیدرآباد:** دهی از دهستان بینالود شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۳۷ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- (۳۹) جنداب:** دهی از دهستان بلهرات شهرستان نیشابور با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۰۰۷ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- (۴۰) چهارگوشلی:** دهی از دهستان بینالود شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۹۶ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل می دهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل می دهند.
- (۴۱) چکنه:** شهری از بخش حومه شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ سردسیر می باشد که دارای ۱۳۸۱ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.
- (۴۲) جمبرجوق:** دهی از دهستان طاغن کوه شمالی شهرستان فیروزه با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۷۴۷ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- (۴۳) چکنه علیا:** دهی از دهستان سروالایت شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۲۷۲ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- (۴۴) چزگ:** دهی از دهستان طاغن کوه شمالی شهرستان فیروزه با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۵۵۳ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- (۴۵) چناران:** دهی از دهستان زبرخان شهرستان نیشابور با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۶۷۴ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

- (۴۶) فاضل آباد:** دهی از دهستان بینالود شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۶۶سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- (۴۷) فرخار:** دهی از دهستان طاغن کوه شمالی شهرستان فیروزه با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۹۱۳سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- (۴۸) فهنه:** دهی از دهستان سرولایت شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۵۵۳سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- (۴۹) فیض آباد:** دهی از دهستان مازول شهرستان نیشابور با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۲۴۱۴سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.
- (۵۰) قاسمیه:** دهی از دهستان بینالود شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۹۶سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- (۵۱) قزل قلعه:** دهی از دهستان سرولایت شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۲۱۸سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.
- (۵۲) قره خان:** دهی از دهستان عشق آباد شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۹۷سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- (۵۳) قره گل:** دهی از دهستان برزنون شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۷۶سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.
- (۵۴) قره داش:** دهی از دهستان زبرخان شهرستان نیشابور با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۲۸۳سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۵۵) قرقه باغ: دهی از دهستان طاغن کوه شمالی شهرستان فیروزه با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۶۴۹سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۵۶) قلعه نو جمشید: دهی از دهستان مازول شهرستان نیشابور با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۱۸۴۰سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۵۷) قلعه شیشه: دهی از دهستان بلهرات شهرستان نیشابور با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۳۵۲سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۵۸) قطن آباد: دهی از دهستان مازول شهرستان نیشابور با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۱۶۱۲سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۵۹) قوش آغل: دهی از دهستان بلهرات شهرستان نیشابور با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۸۲سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۶۰) داس: دهی از دهستان زبرخان شهرستان نیشابور با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۳۴۳سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۶۱) داغی: دهی از دهستان دربقاضی شهرستان نیشابور با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۵۹سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۶۲) ده حلاج: دهی از دهستان مازول شهرستان نیشابور با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۱۰۰۰سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۶۳) ده نو خلیج/ده نو: دهی از دهستان بلهرات شهرستان نیشابور با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۲۵۲سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۶۴) دولت آباد: دهی از دهستان مازول شهرستان نیشابور با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۲۷۳سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۶۵) دهنو خالصه: دهی از دهستان مازول شهرستان نیشابور با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۱۴۴۹سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۶۶) دهنو: دهی از دهستان بلهرات شهرستان نیشابور با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۲۵۲سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۶۷) دهنه حیدری: دهی از دهستان بینالود شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۴۰سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۶۸) ذمه: دهی از دهستان بلهرات شهرستان نیشابور با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۴۴۴سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۶۹) رباطی: دهی از دهستان تخت جلگه شهرستان فیروزه با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۴۰سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۷۰) رشید آباد: دهی از دهستان تحت جلگه شهرستان فیروزه با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۴۴۸سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۷۱) رحیم آباد: دهی از دهستان دربقاضی شهرستان نیشابور با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۶۸سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۷۲) روح آباد: دهی از دهستان دربقاضی شهرستان نیشابور با آب و هوایی جلگه ای _ گرمسیر می باشد که دارای ۳۷۴سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۷۳) ریگی: دهی از دهستان بلهرات شهرستان نیشابور با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۶۵۸سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۷۴) زیگ: دهی از دهستان سرولایت شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۸۱سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۷۵) زهان: دهی از دهستان برزنون شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۶۷۴سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۷۶) ساقی بیگ: دهی از دهستان سرولایت شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۶۴۵سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۷۷) سالاری: دهی از دهستان بلهرات شهرستان نیشابور با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۹۷۸سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۷۸) سامغان: دهی از دهستان مازول شهرستان نیشابور با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۹۷سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت زندگی می کنند.

(۷۹) سیان: دهی از دهستان تحت جلگه شهرستان فیروزه با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۱۵۲سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۸۰) سراب کوشک: دهی از دهستان مازول شهرستان نیشابور با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۲۰۶۹سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۸۱) سرچاه: دهی از دهستان بینالود شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۹۵۱ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۸۲) سیدآباد اسدالله خان: دهی از دهستان بینالود شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۵۹ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۸۳) سیدآباد بار معدن: دهی از دهستان بینالود شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۴۰ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۸۴) سرگریک: دهی از دهستان بینالود شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۸ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۸۵) سلطان میدان: دهی از دهستان سرولایت شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۷۷۵ سکنه است و کرمانج ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۸۶) سلیمانی: دهی از دهستان طاغن کوه شمالی شهرستان فیروزه با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۱۰۹۷ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۸۷) سوله: دهی از دهستان سرولایت شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۴۳ سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۸۸) سیدآباد: دهی از دهستان مازول شهرستان نیشابور با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۷۰۸ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

۸۹) شایخ: دهی از دهستان ریوند شهرستان نیشابور با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۴۳ سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

۹۰) شادکان: دهی از دهستان دربقاضی شهرستان نیشابور با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۸۶ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

۹۱) شترسنگ: دهی از دهستان سرولایت شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۱۴ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

۹۲) شتر غلط: دهی از دهستان دربقاضی شهرستان نیشابور با آب و هوایی کویر شوره زار _ گرمسیر می باشد که دارای ۱۰۰ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

۹۳) شوراب: دهی از دهستان طاغن کوه شمالی شهرستان فیروزه با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۹۸۶ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

۹۴) شور رود: دهی از دهستان عشق آباد شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۱۴ سکنه است بلوچ ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

۹۵) شیخ مصطفی: دهی از دهستان سرولایت شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۲۴ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

۹۶) شهرک: دهی از دهستان مازول شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۲۵۳۰ سکنه است و تات ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تورک ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

۹۷) صمان: دهی از دهستان طاغن کوه شمالی شهرستان فیروزه با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۲۵۱ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

۹۸) صومعه: دهی از دهستان مازول شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۷۲۵ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

۹۹) عشق آباد: دهی از دهستان سرولایت شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۸۰ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

۱۰۰) عبدالله گیوی: دهی از دهستان سرولایت شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۶۰۰ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

۱۰۱) علی آباد: دهی از دهستان بینالود شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۳۷ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

۱۰۲) علی آباد: دهی از دهستان طاغن کوه شمالی شهرستان فیروزه با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۱۱۱ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

۱۰۳) عیش آباد: دهی از دهستان مازول شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۲۴۲ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

۱۰۴) عنبر که: دهی از دهستان بلهرات شهرستان نیشابور با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۳۴۵ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

۱۰۵) غزل اغول: دهی از دهستان سرولایت شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۶ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

۱۰۶) کارچی: دهی از دهستان بینالود شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۹۳ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

۱۰۷) کاریز کال / کاریز کنار کال: دهی از دهستان دربقاضی شهرستان نیشابور با آب و هوایی جلگه شوره زار _ گرمسیر می باشد که دارای ۴۸۵ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

- ۱۰۸) کاریز کهنه:** دهی از دهستان دربقاضی شهرستان نیشابور با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۳۰سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- ۱۰۹) کاریز نو:** دهی از دهستان زبرخان شهرستان نیشابور با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۶۶سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- ۱۱۰) کران:** دهی از دهستان بینالود شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۲۰۴سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- ۱۱۱) کریم آباد:** دهی از دهستان دربقاضی شهرستان نیشابور با آب و هوایی شوره زار _ معتدل می باشد که دارای ۲۸۴سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- ۱۱۲) کلاته حاجی:** دهی از دهستان زبرخان شهرستان نیشابور با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۱۴۴سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- ۱۱۳) کلاته میدان:** دهی از دهستان سرولایت شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۳۵۲سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- ۱۱۴) کمال آباد:** دهی از دهستان تخت جلگه شهرستان فیروزه با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۲۰سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.
- ۱۱۵) کوارک:** دهی از دهستان فضل شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۳۴سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- ۱۱۶) کوه سخت:** دهی از دهستان سرولایت شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۶۲۲سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.
- ۱۱۷) گاوکش:** دهی از دهستان برزنون شهرستان چکنه با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۲۰سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۱۱۸) گرماب: دهی از دهستان طاغن کوه جنوبی شهرستان فیروزه با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۴۳۱۶ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۱۱۹) گراب: دهی از دهستان مازول شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۷۰ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۱۲۰) گلین: دهی از دهستان سرولایت شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۲۱ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۲۱) گلشن: دهی از دهستان ریوند شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۳۵۰ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۱۲۲) گل مخران: دهی از دهستان برزنون شهرستان چکنه با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۷۰ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۲۳) گل یتیم: دهی از دهستان سرولایت شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۲۰۰ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۱۲۴) طالبی: دهی از دهستان سرولایت شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۶۸۹ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۱۲۵) ماروسک: دهی از دهستان بینالود شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۳۴۷ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و کرمانج ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۲۶) مرزان: دهی از دهستان طاغن کوه شمالی شهرستان فیروزه با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۱۲۵۷ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۱۲۷) ملخدره سفلی: دهی از دهستان مرکزی بخش حومه شهرستان فیروزه با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۲۳ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۱۲۸) نصر آباد: دهی از دهستان طاغن کوه شمالی شهرستان فیروزه با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۳۴۱ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۱۲۹) نظرگاه: دهی از دهستان دربقاضی شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۶۴ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۱۳۰) نومیری: دهی از دهستان سرولایت شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۱۸۸ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۳۱) نوروز آباد: دهی از دهستان دربقاضی شهرستان نیشابور با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۹۶۰ سکنه است و تورک ها در این ده زندگی می کنند.

(۱۳۲) یک لنگه: دهی از دهستان ریوند شهرستان نیشابور با آب و هوایی جلگه ای _ معتدل می باشد که دارای ۱۲۲ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۳۳) ینگجه: دهی از دهستان سرولایت شهرستان نیشابور با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۳۸۵ سکنه است و تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

(۱۳۴) نیشابور: دومین شهر بزرگ استان خراسان رضوی با آب و هوایی دامنه _ معتدل می باشد که دارای ۴۵۱۷۸۰ سکنه است که تورک ها در این ده جمعیت بالایی را تشکیل میدهند و تات ها دومین جمعیت بالا را تشکیل میدهند.

***پایان آبادی های تورک نشین شهرستان نیشابور و فیروزه حومه**

(توضیحات بیشتر برای آبادی های تورک نشین شهرستان نیشابور و فیروزه و حومه: این ها تمام روستاهای نیشابور و فیروزه نیست، روستاهایی هستند که اسم تورکی دارند ولی امروزه خالی از سکنه اند و همه آن ها به شهر کوچ کرده اند و باید ذکر کنم نیشابور دومین شهر بزرگ خراسان رضوی است و تعداد ترکان در این خطئه بسیار چشم گیر است و یکی از مفاخر تورک که در جهان تورک پیروان زیادی دارد از این شهر به آناطولی کوچ کرد، او حاجی ولی بکتاش نیشابوری است.)

✱ آشنانه

((مطالعه جهت آگاهی یافتن و بالا رفتن اطلاعات))

۱) **آشنانه:** مرکز شهرستان مانه و سملقان با آب و هوایی کوهستانی _ معتدل می باشد که دارای ۲۵۱۰۴ سکنه است و تورک ها و کرمانج ها در این شهرستان زندگی می کنند.

✱ **پایان توضیحات در مورد شهرستان آشنانه**

✱ سبزوار

((مطالعه جهت آگاهی یافتن و بالا رفتن اطلاعات))

۱) **سبزوار:** شهرستانی از استان خراسان رضوی با آب و هوایی جلگه ای _ سردسیرمی باشد که دارای ۱۳۰۶۳۱۰ سکنه است که تورک ها و تات ها در این شهرستان زندگی می کنند که بیشتر تورک های این شهرستان اصالتا از شهر های جوین و جغتای و خوشاب هستند.

✱ **پایان توضیحات در مورد شهرستان سبزوار**

*رامیان

((مطالعه جهت آگاهی یافتن و بالا رفتن اطلاعات))

۱) **رامیان:** شهرستانی از استان گلستان با آب و هوایی جلگه ای _ سردسیر می باشد که دارای ۴۹۷۳۷ سکنه است که تورک های گرایلی در این شهرستان زندگی می کنند.

*پایان توضیحات در مورد شهرستان رامیان

قابل توجه دوستان گرامی تمامی این اطلاعات از مناطق تورک نشین در خراسان بزرگ از کتاب فرهنگ جغرافیای ملی ترکان ایران زمین، جلد چهارم، و توسط ژنرال دکتر محمود پناهیان {تبریزی} در سال ۱۳۴۲ تألیف شده است و منبع این کتاب فرهنگ جغرافیایی ایران از انتشارات ستاد ارتش سالهای ۱۳۳۰_۱۳۳۲ می باشد. البته اطلاعات درمورد تعداد سکنه این آبادی ها و نوع تقسیم بندی این آبادی ها بر اساس استان و بخش بر اساس آمار سرشماری سال ۹۵ از سایت آمار جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است.

*تعداد سرداران ملی تورک خراسان که به میهن خدمت کردن بسیار زیاد است ولی نام برخی از آنان را به میان می آوریم:

الف) **نادر قلی بیگ** پسر امامقلی بیگ از طایفه ی قرقلو که نام کامل ایشان نادرشاه بزرگ است.

ب) **چلمه سلطان** یکی از سرداران معروف ارتش نادرشاه و رئیس طایفه ی ارلات جغتای بود.

پ) **عبدالله خان** استاجلو که شاه عباس را در حکومت داری کمک میکرد.

ت) **حیدریگ اوتانلو** از سرداران و خوانین قدرتمند خراسان بود.

ث) **ساروخان تاتار** از سرداران بزرگ خراسان و رئیس ایل تاتار بود.

ج) میرعلی مردان خان نصره الملک میر پنج رئیس ایل تیموری حاکم باخرز و خواف و جام .

ح) کلبعلی خان کوسه احمدلو پسر باباعلی بیگ از سرداران دلاور ارتش نادرشاه بود.

گ) رحیم بیگ گرایلی از سران عالی قدر ارتش نادرشاه بود.

ک) ابراهیم خان بغایری یکی از سرداران ارتش نادرشاه بود.

ل) حسین خان بیات یکی از سرداران رشید و دلاور ارتش نادرشاه بود.

م) محمدعلی خان قرایی یک از سرداران رشید و دلیر خراسان. ی) و....

این مقاله اولین بار است که در خراسان با جدیّت و به همراه مدرک موثق و با نگاهی دقیق به تعداد و مناطق اصلی زندگی تورک ها در خراسان پرداخته است و در کنار این همه اطلاعات باید این رو اضافه کنم که در خراسان بزرگ شش ایل تورک زندگی می کنند که عبارتند از کرائیت، افشار، بیات، تاتار، اوزبک، خلج که همه ی آن ها را برای شما توضیح میدهم.

۱. کرائیت / گرایلی:

کرائیت / کرائیت ایلی / کرائیت لی در دوران باستان به این سه حالت بیان شده است. {کرا} به معنای {خان} می باشد و اسم یک شخص می باشد و در زبان مغولی {کرا} و یا {خرا} یا {خیره} به غراب / ریون گفته می شود. {ئیت} یا {ایت} در زبان تورکی باستان و زبان فعلی مغولی به معنای {یورد} یعنی همان سرزمین است. غراب / ریون که پرنده ای از خانواده کلاغ است که تقریباً در نیمکره شمالی دیده می شود و بیشترین پراکندگی را در بین تمامی اعضای تیره کلاغ ها در سطح جهان دارد و دارای منقار کلفت بزرگترین نوع کلاغ و احتمالاً سنگین ترین پرنده در میان تمامی اعضای راسته گنجشک سانان است. زمانی که دولت چین به عنوان یک قدرت مسلم در شرق دور تقریباً تمام سرزمین های آن نواحی را در اختیار خود داشت. به تدریج قوم نوپایی در این منطقه ظهور کرد که از لحاظ نیروی انسانی از خیلی از طوایف آن حدود قدرتمندتر بودند. قوم کرائیت / گرایلی به قدری از لحاظ نیروی انسانی بالا رفت که دولت چین حساب دیگری درباره آن ها باز کرد.

به همین دلیل وقتی {بوئرنور}ها به چین حمله کردند امپراطور چین قوم قدرتمند کرائیت را به جنگ آن ها فرستاد. در آن زمان تنها طایفه ای که توان مقابله با کرائیت ها را داشتن نایمان ها بودند. دولت چین به پادشاهان کرائیت به خاطر شجاعتشان و توانایی بالای آن ها در جنگ ها لقب {اوانگ} یا {وانگ} داد. که این لقب با پسوند {خان} تورکی مخلوط گردید و به وانگ خان یا اوانگ خان مرسوم گردید. قبیله ی کرائیت با مغول ها همسایه بودند و اغلب اوقات به کمک هم می آمدند. قراقروم پایتخت کرائیت ها بوده است از همان جا سرزمین کرائیت ها آغاز می شد، کرائیت ها از لحاظ قدرت بدنی از تمام قبایل آن حدود برتر بودند یعنی کاملاً در سرزمین مغولستان سکونت داشته اند و همسایه اصلی مغول ها محسوب می شدند. اوانگ خان پادشاه قوم کرائیت بودند و تونقاییت و دیگر اقوام هم جزء کرائیت ها حساب می شدند. پلیو در کتاب خود به نام {آسیای علیا} می نویسد: {اصل و مبدأ مغولی درباره ی کرائیت ها صدق نمی کند، طوری که حتی با اشکال می توان گفت که کرائیت ها مغولانی بوده اند که نفوذ سرشار تورک ها در آن ها اثر کرده است یا اینکه ترکانی بوده اند که به تدریج مغولی شده اند. به هر حال اغلب القاب و عناوین آن ها تورکی است. حتی خود کلمه طغرل هم تورکی است.} قبلا هم گفتیم این طایفه از طوایف قدرتمند آسیای میانه بوده است. {۲۹}

ضمناً کرائیت ها با مغولان از لحاظ رسوم و عادات مشابهت هایی داشتند و خیلی به هم نزدیک بودن. به فرمانروایان کرائیت ابتدا طغرل {طغریل} می گفتند. معنی این کلمه در زبان تورکی {مرغ عنقا} معنی میدهد این پرنده چنگال هایی سخت و منقار پولادینی دارد که در یک حمله می تواند ۲۰۰_۳۰۰ پرنده را بزند و بکشد. علت این که مردم این مرغ را ندیده را این قدر اعتبار میدهند برای این است که گاهی صیادان و صحرانشینان مشاهده کرده اند در یک موضع، از انواع مرغان ۱۰۰_۲۰۰_۳۰۰ سر از تن جدا شده و بال و پر کنده از هوا فرو می افتند بر آن قیاس باید که کشنده اینان مرغی باشد با صولت و او را مخلب های تیز و محکم.

۲. افشار / اوشار:

ایل افشار از بیست و چهار قبیله ی اوغوز و از فرزندان یولدوز خان می باشد. افشارها از سده یازدهم و دوازدهم همراه سلاجقه بعد از تشکیل حکومت آنها، از بالای سیحون و ماوراءالنهر به سمت ایران، آناتولی، عراق، سوریه آمدند.

افشار نام یک گروه بزرگ قومی از اقوام تورک تبار است که در متن های قدیم به صورت های اوشار {۳۱} اوشر {۳۲} اوشریه، اوشاریه و افشاریه {۳۳} نیز آمده است. افشارها یکی از نیرومندترین ایلات تورک {۳۴} در تاریخ ایران به شمار میرفته است و ایل افشار یکی از ایلات تشکیل دهنده ی سپاهیان است که اقتدار شاه اسماعیل اول صفوی {سلسله ۹۰۷_۹۳۰ق} را در ایران استوار کردند و یکی از ۳۲ قبیله اشرفی دارای امتیازات ویژه {۳۵} و نیز از ایلات عمده و معتبر قزلباش {۳۶} در دوره صفوی بوده است. سران و امیران طایفه های افشار در جنگهای پادشاهان صفوی با عثمانیان و ازبکها، در سپاه نادرشاه نقش بزرگ و مهمی داشتند. بخش بزرگی از نیروی سپاه قاجار را نیز مردان طایفه های ایل افشار تشکیل می دادند.

امروزه بیشتر طایفه های افشار در شهرها و روستاهای ایران اسکان یافته اند. خاستگاه ایل بزرگ افشار را در کتاب یوان لغات التورک و از زبان محمود کاشغری می خوانیم {تألیف ۴۶۶ق} از ایل افشار نام می برد و افشارها را از ترکان اغوز یا ترکمان و یکی از ۲۲ تیره آن قوم به شمار می آورد {۳۷} اوشر یا اوشار را نام یکی از ۴ فرزند یولدوخان، پسر سوم اغوز، و آن را به معنی {چالاک و به شکار جانوران مهوس} {۳۸} و یا کسی که کاری را به چالاکي انجام میدهند آورده اند. {۳۹} قوم افشار ظاهراً نام خود را از سر دودمان قومی خود {اوشر} گرفته است. {۴۰} مقدسی از دهی بزرگ به نام اوشر در ترکستان یاد می کند {ص ۲۸۲} شاید به سبب اقامت گروهی از نیاکان افشار در این ده، آن را اوشر می خواندند. نشان دودمانی _ طایفگی: هر یک از ۲۲ یا ۲۴ تیره قوم اغوز {۴۱} از جمله افشارها، تمغا یا نشان مخصوص برای خود داشتند که {فرمانها، خزاین و گله و رمه} هایشان را بدان نشانه گذاری می کردند و به اینگونه از یکدیگر متمایز می شدند {۴۲} نشان دودمانی _ طایفگی افشار را کاشغری {همانجا} به شکل آورده است {۴۳} ایل افشار یک اونقون یا جانور مقدس نیز داشت. این اونقون میان افشارها و ۳ تیره دیگر از فرزندان یولدوز خان مشترک بود.

رشید الدین فضل الله واژه اونقون را برگرفته از کلمه {انیق} تورکی و به معنای مبارک نوشته است. اونقون ایل افشار {طوشنجیل} نامیده می شود که احتمالاً پرنده شکاری بود. افشارها طوشنجیل را مقدس و مبارک می شمردند و شکار و آزار این پرنده را منع کرده بودند و گوشتش را هم نمی خوردند. {۴۴} هر یک از تیره های اُغوز مجاز بودند که به هنگام {طوی} {جشن، به خصوص جشن عروسی} و پختن غذا فقط اندام معینی از گوشت حیوان را به کار برند و بخورند. {۴۵} اندام گوشت تعیین شده برای افشار و ۳ تیره دیگر فرزندان یولدوزخان {صاغ اوباحه} بود که کاربرد و خوردن آن برای قبیله های دیگر قوم اُغوز حرام شمرده می شد. {۴۶} به نظر یکی از پژوهشگران ایرانی، نظام اونقون پرستی پیش از انتخاب تمغا و شیوه نشانه گذاری بر گله و رمه در میان اقوام اُغوز پدید آمده بود. این پژوهشگر اونقون را مختص به دوره {گردآوری خوراک} و گذران زندگی از راه شکار و صید، و تمغا را مختص به دوره {تولید خوراک} و تلاش در انداختن و حفظ ذخایر، گلمه و رمه و متمایز کردن آنها از متعلقات دیگران، دانسته است. {۴۷}

افشارها در ایران، آذربایجان، افغانستان، عراق مستقر شدند. افشارها در ایران تحت فرماندهی یعقوب فرزند شوملا فرزند قوش طوغان بودند. در سده دوازدهم میلادی برابر با سده ی ششم هجری قمری به خوزستان آمدند و در لرستان و فارس و کهگیلویه پراکنده شدند.

در موقع تشکیل حکومت آق قوینلو، صفویه، افشارهای آناتولی دسته دسته به آذربایجان رفتند که در رأس آن ها منصور بیگ بود. آن ها در روی کار آمدن آق قوینلو و صفویه نقش مهمی را ایفا کردند.

اسامی طایفه هایی از افشارهای ایران عبارت اند از: ۱. شاملو ۲. اصانلو ۳. ایمانلو ۴. ارشلو ۵. ابرلو ۶. گوندوزلو ۷. بکشلو ۸. کهگیلویه ۹. قرقلو {قرخلو} ۱۰. تکه لو این طایفه ها از قبیله های گوندوزلو و کوپک لو {که از طرف سوریه آمدند} و افشارهایی که از آسیای میانه آمده اند، تشکیل شده است. {۳۰}

طوایفی که از ایل افشار به خراسان آمدند عبارت اند: ۱. قرقلو ۲. پاپالو ۳. سرورلو ۴. کوسه احمدلو ۵. گندوزلو ۶. ابرلو {ایمرلو} ۷. ارشلو ۸. بکشلو ۹. الیلو ۱۰. ایده لو افشارها جزء یکی از بزرگترین و نیرومندترین قبیله های ترکان اُغوز می باشند، کمتر جایی را می توان یافت که افشارها در آن پای نگذاشته و دلاوری نکرده باشد.

افشارها مانند دیگر قبایل اُغوز دارای تمغا و نماد خاصی هستند، آنها با هنر خود این نماد را روی قالیچه ها گلیم و لباس خود با افتخار هک می کنند. بنابر مطالب {صنعت فرش ایران} که در تهران منتشر شده است، فرش افشاری که در ارومیه بافته می شود زیباترین و مرغوب ترین نوع قالیچه در ایران است.

شاعران زیادی از ایل افشار برخوردارند که از جمله آن ها می توان به طرزی افشار، مخفی افشار، نوایی افشار، ملاهمای افشار، دادال اوغلو و ... اشاره کرد. از چهره های شاخص جهانی و تاریخی ایل افشار می توان به : ۱. نادرشاه افشار {بنیانگذار سلسله افشاریان}، ۲. آلپ ارسلان تورکش {مؤسس حزب ملی گرایبی ترکیه}، ۳. عسگرخان افشار ارومی {سفیر ایران در فرانسه در زمان قاجار}، ۴. حیدر خان عمو اوغلو {از بزرگان انقلاب مشروطه، دوست و یاور ستارخان} {۴۸}

۳. بیات

ایل بیات یا بایات، از بیست و چهار قبیله ی اُغوز هستند و از فرزندان گون خان پسر اُغوز هستند. بیات ها تورک های جنوب خراسان را تشکیل می دهند، طوایف بیات عبارتند از: ۱. بیات ۲. بیات مختاری ۳. بیات خسروشاهی ۴. قرابیات ۵. بیات پیرزاده ۶. شام بیات {شامبیاتی}

جمعیت ایل بیات در زمان قاجار بیش از پانزده هزار خانوار بوده است. ایل بیات همچون ایل گرایلی و افشار خدمات میهنی فراوانی انجام داده است.

قرابیات ها در دوره صفوی، دومین شاخه بیات های ایران، ساکن در خراسان بودند که آن ها را قرابیات نیز می گفتند. احتمال دارد که قرابیات ها، منصوب به تورکمن های خوارزم باشند. این بیات ها پس از تصرف خراسان توسط شاه اسماعیل، تحت حاکمیت صفویان قرار گرفتند، و صفت {قرا} به عنوان علامت تبعیتشان به آنها داده شد. قرابیات ها در منطقه نیشابور، بویژه در حوالی محلی که مادن {معدن} نامیده می شد، سکونت داشتند. حدو اواخر قرن شانزدهم عبدالله خان فرمانروای اوزبک که بخشی از خراسان را به تصرف خویش درآورده بود، آن جا را به پسرش عبدالؤمن خان واگذار کرد. پس از آنکه عبدالؤمن خان، فرهادخان قرامانی، فرمانده صفویان را که قصد باز پس گرفتن نیشابور را داشت، وادار به عقب نشینی کرد، قرابیات ها تبعیت از او را پذیرفتند. اما محمود سلطان

الیاس اوغلی و سایر بزرگان بیات ها که جهت اظهار اطلاعات به حضور خان مذکور آمدند به علت اینکه بیات ها مدت ها قبل تعداد زیادی از جغتاییان را به قتل رسانده بودند، بدون هیچ گونه ترحمی کشته شدند. محمد سلطان برادر محمود سلطان، قرابیات ها را که با پریشانی هر چه تمام تر در نقاط مختلف پراکنده شده بودند، به دور خود جمع کرد و خدمات زیادی به شاه عباس نمود؛ حتی به خاطر خدماتش، تمامی طایفه قرابیات از پرداخت مالیات معاف شد. پس از فوت محمد سلطان که دوازده سال مقام والیگری نیشابور را داشت، پسرش بیرم {بایرام} علی سلطان جانشین وی شد. از این تاریخ به بعد این مقام مدت های مدید در دست قرابیات ها ماند. در دوره نادرشاه {افشار} و پس از مرگ وی نیز، نیشابور همچنان توسط امرای قرابیات اداره می شد. {۴۹}

۴. تاتار

طایفه ای تورک تبار که عمده سپاهیان چنگیزخان را تشکیل میدادند. در دوره ای تاتارها از مرو به فرمان نادر شاه به زاغچه درگز و ابیورد انتقال یافتند، و بعد عده ای در روستای تاتار از توابع بجنورد سکونت گزیدن و عده ای هم در کلات زندگی می کنند. {۵۰} و تعدادی از آن ها در دهستان نردین در استان سمنان امروزی ساکن هستند. تاتارها امروزه در تورکمن صحرا (استان گلستان) در همجواری طوایف قوجوق و جعفربای و آتابای از ایل بزرگ یموت زندگی میکنند. تاتارهای ترکمن صحرا حدود ۱۰ نسل قبل با ستم ایوان مخوف از ناحیه رود ولگا به اطراف شهر کازان (قازان) تاتاریستان به ترکمنستان فعلی مهاجرت کرده و سپس در زمان جنگ جهانی دوم با توجه به ستم های استالین دیکتاتور شوروی به میان ایلات تورکمن در ترکمن صحرای ایران مهاجرت می کنند.

تاتارهای تورکمن صحرا را می توان به طوایف زیر تقسیم کرد: (۱) سقرلی، (۲) آغ قمشیلی، (۳) منگلی مامدلی، (۴) آغ لمشلی، (۵) ایل آقاخانی نسبت درباره نسب شناسی ترکان و تاتاران، آثار اسلامی نسبت به نوشته های یهودیان و مسیحیان از دقت بیشتری برخوردار است. با این وصف، احوال قوم

تاتار را با افسانه هایی در آمیخته اند و نسب آن را به ترک بن یافث بن نوح {علیه السلام} می‌رسانند. {۵۱} {۵۲} {۵۳}

در اسطوره مربوط به ترکان، تاتاران آمده است که یافث فرزندی به نام {تورک} داشت که او را {یافث اوغلان} می‌نامیدن که هم زمان با کیومرث میزیست. مؤلف ایرانی ناشناخته ای در سده ۶ق/۱۲م از دو فرزند یافث به نام های ترک و خزر یاد کرده است. به نوشته ی همین مؤلف، ترک ۴ فرزند به نام های توتل {تونگ}، چگل، برسخان و ایلک داشت. {۵۴} تاتارها را اغلب از اقوام تورانی زردپوست یا از اقوام اورال _ آلتایی دانسته اند، اما به گفته برخی از متأخرین، بهتر است که تاتارها و تورکها از تورانیان سفیدپوست شمرده شوند. {۵۵} {۵۶} {۵۷}

جمعیت بالایی از تاتارها امروزه در روسیه زندگی می‌کنند که در آن کشور جمهوری خودمختاری رو به مرکزیت شهر قازان تشکیل دادن، زبان تاتاری از شاخه قبچاق یکی از خانواده زبان های تورکی هستش. اقلیتی از تاتارها علاوه بر روسیه در کشورهای اوزبکستان، قزاقستان، قرقیزستان، تورکمنستان، ایران، آذربایجان و اوکراین هم سکونت دارند. در منابع چینی واژه تاتار برگرفته شده از حکایت از قومی دارد که در این مناطق سکنی داشتند. از نام های دیگر این مردمان که در نوشته های چینی ضبط شده است می‌توان تاتان و داتان را نام برد.

در اروپا تاتارها توسط مردم بومی یا خودشان با نام های: تورک های قبچاقی، بلغارهای ولگا، آلانها و کیماکها شناخته می‌شوند. تاتارهای سیبری از بازماندگان تورکهای ساکن آلتای هستند.

۵. ازبک

ازبکها اقوام تورک تباری اند که آنها را طایفه ای از تاتارها میدانند {۵۸} درباره ی روش نوشتن صحیح این اسم "اوزبیک" صحیح است و ترجمه ی این اسم به زبان فارس به این شکل است که اوز به معنی {خودش} و بیک به معنی {خان} می‌باشد.

اوزبیکهای کنونی به همراهی اولاد های شیبانی خان با تشکیلات و سازماندهی مکمل اولوس جوجی خان صلاحیت های قبایل و همچنین در حکومت نیز به سطح بالایی رسیدند. اوزبیکها پس از فروپاشی امپراتوری تیموریها در بیشتر مناطق تسلط خود را استحکام بخشیدند.

بدین ترتیب قلب اردوی طلایی یا "آلتین اورده" "ایل _ ایچی" با تشکیلات مرکزی همراه با عناصر متمدن به این مناطق رسیدند. به تعبیر مورخ اوتو میس حاجی، از قدیم الایام ملت اوزبیک، مردمان منغیتهای شهری که ساکن توران زمین بودند به تدریج از نظر مدنی در این مناطق مسلط گردیدند.

آق کول مرکزی، چلقر کول مرکز ولایت تورغه به چنگ شیبانی ها افتاد. پس از سال ۱۴۳۰م ابوالخیرخان که در خوارزم مسلط بود ابتدا مناطق فوق الذکر بعد تر نواحی دور دست سیردریا، توران و باشقورت را از چنگ شیبانی ها و سایبریای غربی را از چنگ محمود بیک خان بدر آورد.

مطابق ساختار قبیله ای اوزبک ها به نام اوزبک ۹۲ باو یاد میشدند که باو به مفهوم قبیله است. در میان باشقورت ها اصطلاح باشقورت ۱۲ باوی وجود دارد. اوزبک ها شجره ی ۹۲ باوی دارند.

امروزه اوزبک ها در خراسان در شهرستان اسفراین و جوین و بخشی هم در نیشابور زندگی میکنند.

۶. خلیج

تلفظ صحیح کلمه خلیج در زبان تورکی از دو واژه عامیانه تورکی {قال _ آچ} گرفته شده است، محمود کاشغری خلیج یا همان قال آچ را اغوز میداند.

مرکز سکونت خلیج ها در خراسان، شهر خواف است. جمعیت شهر خواف ترکیبی از طوایف تاجیک، تیموری، خلیج و غیر بومیان است. مرکز خلیجستان در قدیم شهر دستگرد است، دستگرد شهری قدیمی در درگزا است. خلیج های شهر خواف از طایفه ی قلزایی اند. قلزایی ها در سیستان و خواف و سرخس زندگی می کنند و به اعتقاد دکتر جواد هیئت، قلزایی ها در افغانستان زندگی می کنند از ترکان خلیج هستند. در افغانستان اقوامی مانند قلزایی

ها، هزاره ها، چهار آیماق ها زندگی می کنند اگر اجداد قلزایی ها تورک بوده اند از ترکان آلتای بوده اند ولی تورکی را فراموش کرده اند. {۵۹} {۶۰}

امروزه در مشهد کوه هایی بنام کوه های خلج هم وجود دارد که نشان از وجود تورک های خراسان در مشهد می باشد.

فرض بر این است که خلج ها استفاده از زبان خود را رها کرده و در انبوه مردم افغانستان مستحیل {حل} شدند ولی ترکان خلجی که در ایران هستند و هنوز هم به زبان تورکی صحبت میکنند.

این لهجه از زبان تورکی که منحصر به کشور ایران می باشد توجه دانشمندان تورک شناس جهان را به خود جلب کرده است. طبق برآوردی که در سال ۲۰۰۰ میلادی صورت گرفت حدود پنجاه هزار نفر تورک خلج در شمال شرق شهر اراک در استان مرکزی و نیز پراکندگی اندکی در برخی مناطق استان قم دارند.

تورکی خلج شباهت بسیاری به تورکی آذربایجان دارد لیکن کلمات تورکی باستان بصورت انحصاری در این لهجه به وفور یافت می شود و در حقیقت این لهجه از تورکی را تبدیل به پلی برای محققان تورکی باستان برای نیل به تورکی مادر کرده است.

در حقیقت دانشمندان تورک شناس قبل از معطوف شدن به وجود لهجه تورکی خلجی در ایران ناچار بودند برای تحقیق در دوره های تورکی باستان و میانه به کتب مکتوب و سنگ نوشته ها و اسناد تاریخی استناد نمایند ولی لهجه تورکی خلجی به عنوان شاهدی زنده در مقابل دانشمندان قرار گرفت.

مارکوات، J.Marquart در تألیف خویش به نام {ایران شهر خولیتای} Xolitai ادعا می کند که خلج واژه کهن به صورت خولج Xolaç، بوده است. مینورسکی مطالبی را از جغرافیدان قرن هفتم هجری، محمد ابن نجیب بکران، مؤلف جهان نامه نقل می کند، مبنی بر این که ترکان خلج از منطقه ترکستان به زابلستان، مهاجرت کرده اند. به هر حال بقول پرفسور پوهاند جاوید خلج هم نام جای و هم نام قوم است. مطالعاتی که از منابع بعد از اسلام به عمل آمده نشان می دهد که خلج ها، در سده های نخستین اسلام در سه منطقه می زیسته اند:

- (۱) بالاساقون {سویاب قدیم} پایتخت ترکستان در کرانه راست رود چو و شمال غربی ایسی
 گول {بیشکک امروزی}
 (۲) پنجیک {بئش کند}
 (۳) بین دو رود آمودیان و سند

امپراتوری پارت / Part impiraturliği

پارتیان یا اشکانیان یکی از سلسله های بزرگ ایران است که امپراتوری وسیعی را از ماوراءالنهر تا بین النهرین به وجود آورده و پنج قرن اداره امور کشور را بر عهده داشتند. {۶۱} {۶۲} تاریخ سرزمین ایران همواره مورد بی مهری قرار گرفته و در طول ۵۰ سال حکومت پهلوی، تاریخ ایران مورد تحریف واقع شده، حوادث و واقعیت ها را وارونه نشان داده اند. تاریخ را به نفع یک قوم مصادره کرده و دروغ را جای حقیقت نشانده اند. یکی از این دوران پر ابهام تاریخ ایران، همان اشکانیان یا امپراتوری بزرگ پارت است. {۶۳} دوره ۴۷۷ساله امپراتوری اشکانیان با سکوتی توطئه آمیز رو به رو بوده و اگر توانسته اند دروغ گفته اند و هر جا که دیگر نتوانسته اند، توطئه سکوت را ترجیح داده اند. به گفته استاد دکتر محمد تقی زهتابی، مسکوت نهادن تاریخ ۵۰۰ساله سرزمین ایران از طرف شوونیسم ها بی دلیل نبوده است. به گفته ی ایشان چگونه ممکن است حکومت ۸ساله اسکندر به عنوان دشمن ایران در شاهنامه فردوسی در بیش از ۳۰۰۰بیت نوشته شود، اما حکومت ۴۷۷ساله اشکانیان تنها در ۲۳بیت اتمام یابد؟! چه دلیلی وجود دارد که حتی تا امروز هم همه مورخین شوونیسم و نژادپرستان، نگارش و بررسی تاریخ ۵ سده اشکانیان رغبتی نشان نمی دهند؟! همین مورخین معاصر و تئوریسین های آریامهر هستند که وقتی تاریخ طبری را از عربی به فارسی ترجمه می کنند دست از تحریف و دروغ بر نمیدارن و در یک کتاب بیش از ۷۰۰ تحریف را وارد می کنند. {۶۴} آری، مترجمان محترم این تاریخ، جیش الترك را به عنوان غلامان تورک ترجمه کرده و تکرار نموده است تا ترکانی که ۱۰۰۰سال از اسلام تا امروز بر ایران حکومت رانده اند را از نسل غلامان بدانند و بتوانند انواع دروغ ها و تهمت ها را به آنان ببینند. اما، امروز دیگر علم در دست تعدادی از مردم اسیر نیست و اخبار و اطلاعات علمی و حقایق تاریخی در کمتر از ساعت و دقیقه در تمام اکناف جهان پخش می شود. کسی را که حتی دولت مردان را نیز یارای جلوگیری از آن نیست! در دنیای تاریخ نویسی و بررسی علمی تاریخ،

نوسانات بسیاری رخ داده و حقایق در حال آشکار شدن هستند. {۶۵} چند قرن پیش از این، محققان در بررسی تاریخ پارت ها یا اشکانیان، این امپراتوری بزرگ را در مقایسه با امپراتوری روم و شاهنشاهی ساسانی کم ارزش جلوه میدادند. در ایران نیز کاملاً مسکوت گذاشته بودند. در چند قرن گذشته کتاب هایی بسیاری در ایران در این باره نوشته شد، که از آن جمله ژ. فوی ویان کتاب مشهور خود درباره تاریخ اشکانیان را به سال ۱۷۲۵ به دنبال او دیگر پژوهشگر فرانسوی پ. لونگرو در سال ۱۷۳۲ کتابش را در همین زمینه منتشر کرد تا در سال ۱۸۵۰ سن فارتن قطعاتی از تاریخ اشکانی را منتشر نماید. در آلمان نیز کتاب های چندی منتشر شد. از آن جمله، اشنایدر ویرث J.H.Schneider کتاب اشکانیان بر اساس منابع یونانی _ رومی، سپس فریدریک اشپیگل Fr.Spiegel کتاب باستان شناسی ایران را نوشتند اما مورد خاصی را تغییر ندادند. تا اینکه کشف اسناد میخی بابلی باعث شد اشکانیان دوباره در مرکز توجه پژوهشگران قرار گیرد. یکی از کتبی که بر اساس این اسناد به رشته تحریر در آمد از آ. و. گوتشمند با عنوان از زمان اسکندر تا انقراض اشکانیان بود که در سال ۱۸۹۶ نوشته شد و بیش از نیم قرن در دانشگاه ها تدریس شد و تازه در سال ۱۳۷۶ در ایران توسط کیکاووس جهاننداری ترجمه گشت، و آن هم همچون دیگر ترجمه ها که می توانید حدس بزنید چی شد. گام دیگر توسط نیلسون دوبواز با کتاب تاریخی سیاسی پارت برداشته شد که این کتاب نیز با همان سبک و سیاق دیگر ترجمه ها توسط دکتر علی اصغر حکمت منتشر شد. اما میدان تحقیقات بعد از کشف تعداد زیادی سکه، همچنین یافته های باستان شناسان روسی در ترکمنستان، ایران و عراق، زمینه را برای تحقیقات بیشتر و دقیق تر مهیا ساخت و در سال ۱۹۸۰ ک. شیپمان کتاب شالوده های تاریخ پارت را نوشت. بر اساس کشفیات باستان شناسان شوروی، تاریخ ایران به روایت کمبریج در دوره پارتی _ سلوکی در سه جلد توسط تعدادی از محققین، تیرگی های بسیاری را در عرصه تاریخ روشن ساخت و در نهایت کشفیات ترکمنستان در نیسا {نساء} توسط دانشمندان شوروی بسیاری از پیچیدگی ها را مرتفع ساخت. {۶۶} لازم به ذکر است که در آذربایجان پرفسور اقرار علیف تاریخ ماد و تاریخ پارت را بر اساس تازه ترین یافته های زمین کاوی و باستان شناسی و سکه شناسی به رشته ی تحریر درآورد و مرتضی ثاقب فر نیز این کتاب های ارزشمند را به فارسی ترجمه کرده است. {۶۷} {۶۸}

برای کامل تر کردن اطلاعات درمورد ایل های تورک خراسان باید نکته ای ذکر کنم بهتر است توجه بفرمایید، پژوهشگران تاریخی در ایران که بیشتر فارس ها هستند و پیرو شوونیسیم فارس هم هستند در زمان تعریف کردن ایل و طایفه های خراسان این طور تعریف می کنند: {در... زمان به ایران آمدند.} بای نگاه کرد و پرسید از نظر اون ها ایران چه قسمت هایی رو شامل میشده و اصل خود آن ها در کجا هستند و آیا در صحنه سیاست همان کشور ایران مشارکت داشتن یا نه؟ آیا حکومت دار خوبی بوده اند یا همیشه بازنده در برابر حکومت های عرب و تورک بوده اند؟ باید پرسید چرا همیشه جوری درمورد اقوام غیر فارس تاریخ می نویسند و که همه آن ها مهمان اند و فقط قوم فارس با تاریخ ۲۵۰۰ که دو بار از طرف سیبری به ایران و اروپا آمدن و تمام راه و رسم زندگی را از اقوام ساکن آن منطقه ها یاد گرفتن صاحب ایران اند؟ درمورد این موضوع حتی در شاهنامه فردوسی اشاره شده است. لطفا توجه کنید.

یکی از دلایل سکوت پژوهشگران آریائیست درباره تمدن ماننا آن است که ماننا در آن دوران مالک یکی از پیشرفته ترین تمدن های منطقه شرق نزدیک بودند. حال اینکه ده طایفه پارسی که در آن دوران به فلات ایران در آمدند کاملاً عقب مانده بودند.

بخش های نخست شاهنامه فردوسی مربوط به شاهان سلسله پیشدادی که از سلسله های افسانه ای پارسیان است می باشد. این سلسله افسانه ای مربوط به دوران نخست ورود پارسیان به فلات ایران است.

پارسیان به تقریب دو قرن پس از ورود به فلات ایران در نهم ق.م {از ساکنان محلی منطقه} خط و کتاب آموخته و نخست به زبان ایلامی و سپس در دوران امپراتوری مادها به زبان خود کتیبه نقر کرده اند. در افسانه مزبور شاهان پارسی در عهد پیشدادیان خواندن و نوشتن می آموزند.

بنابراین دوران بر آمدن سلسله پیشدایان، سده نهم تا هفتم ق.م بوده است.

حال ببینیم در شاهنامه که نخستین شاهان پیشدادی در شاهنامه چگونه ترسیم شده اند؟ کیومرث نخستین شاه پیشدادی در کوه مسکن می گزیدند و پوست پلنگ می پوشد:

کیومرث شد بر جهان کد خدایی نخستین بکوه اندرون ساخت جای
سر بخت و تختش برآمد بکوه پلنگینه پوشید خود با گروه {۶۹}

کیومرث برای خود و قومش در کوه مأمنی می سازد و همه پوست پلنگ می پوشند چرا که هنوز تربیت نیافته اند و یعنی هنوز نمی دانند که خوراک و پوشاک رسمی چیست.

از او اندر آمد همی پرورش که پوشیدنی نو بود و نو خورش

و حالا در قسمت بعد شاهنامه میبینیم که:

به گیتی نبودش کسی دشمننا مگر بد کنش ریمن آهرمنا
یکی بچه بودش چو گرگ سترگ دلاور شده با سپاه بزرگ
سپه کرد و نزدیک او راه جست همی تخت و دیهیم کی شاه چست

کیومرث در جهان دشمنی نداشت، مگر اهریمن بد ذات و حيله گر، این اهریمن، دیو بچه ای داشت چون گرگ سترگ که سلحشور و دلاور بود و سپاهی بزرگی داشت. او لشگری آراست و در صدد بدست آوردن تاج و تخت کیومرث برآمد. {۷۰}

این خبر به گوش سیامک پسر کیومرث می رسد و سیامک برای نبرد با دیو مهیا گردیده. حال دیو وحشی همه چیز لازم را برای دولت و حکومت اعم از لشکر منتظم، سلاح، لباس رزم و ... را دارد ولی کیومرث شاه هیچ یک از این ها را ندارد. سیامک بدن خود را با پوست پلنگ می پوشاند و با تن برهنه با دیو می جنگد.

پوشید تن را به چرم پلنگ که جوشن نبود و نه آیین جنگ
پذیره شدش دیو را جنگ جوی سپه را چو روی اندر آمد به روی
سیامک بیامد برهنه تن بر آویخت با پور آهرمنا

سیامک چون با سپاه دشمن روبرو شد برهنه به میدان آمد و با پسر اهریمن در آویخت. {۷۱}

اوضاعی بسیار عجیب و متناقض ترسیم می شود. شاه و پسرش، نه لباس نه سلاح و نه جوشن {لباس رزم} دارند، لیکن دیو وحشی همه این ها را دارا است. این چگونه شاهی است؟ و آن چگونه دیوی است؟

اقوامی که از سده نهم تا هفتم ق.م، در مجاورت طوایف پارسی در نواحی پارس و کرمان می زیستند و کم و بیش با آنان ارتباط داشتند عبارتند از: ایلامیان، گوتیان، لولوبیان و ماننایان.

اهریمنی که دوشمن کیومرث بود و نیز دیوی که سیامک با او پیکار می کند، در واقع همان اقوام اخیرالذکر بوده اند که از چند هزار سال پیش از آن دولت، سپاه، هنر، تکنولوژی و فرهنگی پیشرفته داشته اند. بنابراین در افسانه پارسیان، حقیقت به کلی واژگونه انعکاس یافته و آن ها ایلامیان و ماننایان و... را "دیو" و طوایف بدوی و عقب مانده خود را حاکم قلمداد نموده اند.

سومریان، ایلامیان، گوتیان، لولوبیان و... از چند هزار پیش از در آمدن پارسیان به فلات ایران آتش را می شناختند و از آن استفاده می کردند. حتی هزاره دوم ق.م نطفه های زردشتی گری که با آتش مربوط بود در میان ماننایان بوجود آمده است.

بر آمد بسنگ گران سنگ خرد همان و همین سنگ بشکست گرد
فروغی پدید آمد از هر دو سنگ دل سنگ گشت از فروغ آذرنگ
جهاندار پیش جهان آفرین نیایش همی کرد و خواند آفرین
که او را فروغی چنین هدیه داد همین آتش آنگاه قبله نهاد
بگفتا فروغیست این ایزدی پرستید باید اگر بخردی

سنگ کوچکی به سنگ بزرگی برخورد، دو سنگ بشکست و جرقه ای پدید آمد که دل سنگ از روشنایی آن به رنگ آتش در آمد... شاه در برابر جهان آفرین که چنین آتشی را به او هدیه داده بود، نیایش نمود، سپس همین آتش را قبله گاه ساخت و آن را نور ایزدی خواند که باید پرستیده شود. {۷۲}

در قسمت دیگر شاهنامه فردوسی می گوید....

طهمورث گویا کارهای نیکی انجام می داد و دیوها از او خوششان نمی آمد به همین دلیل نیز آن ها حرف شاه را گوش نمی دادند. طهمورث با آن ها پیکار کرده و اسیرشان ساخته و در صدد کشتن آن ها بر می آید. دیوها امان طلبیدن و چنین گفتن که: {مارا نکش تا آنچه را که نمی دانی به تو بیاموزیم.} فردوسی در واقع آشکار می نویسد که شاه نوشتن نمی دانست و بی سواد و بی دانش بود و دیوان او را سواد آموخته اند.

یکایک بیاراست باد یو جنگ نبد جنگشانرا فراوان درنگ
 کشیدندشان خسته و بسته خوار بجان خواستند آن زمان زینهار
 که ما را مکش تا یکی نو هنر بیاموزی از ما کت آید ببر
 کی نامور دادشان زینهار بدان تانهانی کنند آشکار
 چو آزاد گشتند از بند او بجستند ناچار پیوند او
 نبشتن به خسرو بیاموختند دلش را بدانش برافروختند {۷۳}

این فقط بخشی از واقعیت با مدرک بود که برای آگاهی شما بیان شد و همیشه شوونیسیم فارس از بیان این حقیقت عذاب می کشد و تمام موضوعات را بر عکس کرده و به مردم می گویند. باید این واقعیت رو بدونیم که در تاریخ باستان هدف اصلی تشکیل حکومت ها کشورگشایی بود ولی نویسنده های پیرو شوونیسیم فارس کاملا این موضوع را عوض می کنند و انسان هایی که در طی روز اصلا ساعت مطالعه آزاد ندارند خیلی راحت تمام جعلیات و تهمت های این جور نویسندگان باور می کنند، البته به شوونیسیم فارس باید حق داد، من منکر این مسئله نیستم که فارس ها در طول تاریخ حکومت نداشتن، حکومت هایی بزرگی داشتن ولی حکمرانان خوبی نبودن چون که بیشتر اوقات مقابل رومی ها سکشت می خوردن و در برابر حکومت عظیم و با شکوه عرب ها و تورک ها حرفی برای گفتن نداشتن. واقعا تا چه وقت می شود با دروغ و جعل زندگی کرد؟ من به شما می گویم، تا زمانی که انسان وابسته به انسانی دیگری باشد و در زبان ساده تر تا زمانی که انسان رهبر داشته باشد و چشم بسته از او پیروی کند.

قبل انقلاب ۵۷ توسط پهلوی دوم تمام این جنجال های تاریخی و هویتی به وجود آمد که استارت آن را می توان در زمان حکمرانی رضا میرپنج {پهلوی اول} دانست و در زمان پهلوی دوم به تمام این جعلیات شاخ و برگ دادن، همین کار در ذهن بیشتر مردمان نقش بست ولی به خاطر احساسی بودن ملت ایران انقلاب ۵۷ شکل گرفت درست بعد از انقلاب درصد مطالعه مردم کم شد و جهل در بین جامعه بالا گرفت، شوونیسیم فارس که رنگ عوض کرده بود باز به فعالیت خودش ادامه داد تا اقوام غیر فارس را حل کند و از کشور ایران یک فارس یک پرشین بسازد.

قسمت سوم:

تجزیه و تحلیل مسائل فرهنگی _ مدنی تورک های خراسان/ایران

بحثی رو که می خوانیم در این قسمت با هم در میان بگذاریم رو با دقت بخوانید و اگر هم شده دوبار بخوانید تا اصل مطلب را بفهمید.

اگر افرادی که تورک خراسان هستید و اولین بار است مقاله ای در مورد هویت خود می خوانید توصیه میکنم از این قسمت به بعد خواندن مقاله را اتمام دهید و مقاله های با عنوان کلیاتی در مورد ترکان خراسان و دوران قاجار بدون عینک پهلوی را بخوانید تا این قسمت از مقاله برایتان قابل فهم باشد.

صحبت هایی که در این بخش انجام شده، اگر شخصی توضیحات اولیه را در بر نگرفته باشد و خودش آماده نکرده باشد، درک اصل مطلب در این بخش برایش امکان پذیر نخواهد بود درست مثل این می ماند توضیح دادن این مطالب برای یک ذهن ضعیف و بی مطالعه مثل یک آدمی می باشد با وزن ۸۰ کیلوگرم که مجبور باشد وزنه ی ۳۰۰ کیلوگرمی را بردارد، در این میان آن ذهن ضعیف و آن فرد ۸۰ کیلویی فقط می خواهند به سرعت از شر آن کار خلاص شوند این موضوع نشانه ی نگرش سطحی آن ذهن ضعیف است، چون اطلاعات ندارد و با اطلاعات غلط پر شده است و نمیخواهد حقیقت را باور کند. پس لطفا دو مقاله قبلی را مطالعه نمایید بعد این بخش را مطالعه کنید.

میشه به طور قطعی گفت امروزه ۸۰٪ ملت ایران دچار سر در گمی هویتی هستند و خیلی راحت ذلت را می پذیرند و در بیشتر اوقات یا عضو گروه و فرقه های افراطی می شوند و یا منبع اصلی خبر ها و کارهاشون را شوونیسیم فارس قرار می دهند، که همین عمل باعث می شوند به طور کلی اشتباه مسیر زندگی را دنبال کنند.

شوونیسیم چیست؟ میهن شیفتگی یا شوونیسیم {به فرانسوی: Chauvinisme} در معنای اصلی و ابتدایی آن، یک نوع میهن پرستی افراطی و ستیزه جو، و یک ایمان کور به برتری و شکوه ملی است. با بسط معنا، شوونیسیم طرفداری مفرط و غیر عقلانی به نام هر گروهی که کسی عضو آن

است را شامل می شود، به خصوص هر وقت این طرفداری، همراه با کینه و بداندیشی نسبت به گروه رقیب باشد.

باید گفت دلیل این همه بی بند و باری میان ملت ایران سیاست های فاشیستی آریایی است که با سخنانی نا مفهوم و منحرفانه کل ملت ایران را فارس معرفی می کنند، و پدر ایران را کوروش می نامند.

امروزه در بین جوانان موضوع ملیت گرایی که همان هویت طلبی است به اسم و نگرش عقب ماندگی و افراطی گری یاد می شود ولی در مقابل اگر اسمی از قومیت ساخته شده ی آریایی به میان بیاید در بین برخی از ملت ایران غرور و شادی کاذب به میان می آید چرا که امروزه ملت آسمیله شده ی ایران چه تورک باشند و چه تورکمن و چه عرب خود را آریایی می دانند و به خرافات شوونیسیم فارس گوش میدهند.

اگر ملیت ها و قومیت ها در ایران که جمعیت بالایی را تشکیل می دهند با هر نامی چون تورک و عرب و بلوچ و کرد در قبال هویت واقعی شان مسئول بودن امروزه دچار سر در گمی هویتی نمی شدند که سال ها برای مسائل نامفهوم و پوچ صدای خود را آزاد می کنند و در آخر هم دنبال سوراخ موش می گردن و تمام اهدافی را که شوونیسیم فارس و دیگر فرقه های شیطانی در مغز آن ها گنجانده اند را فراموش میکنند و دوباره مشغول پذیرش ذلت می شوند.

یادمان باشد که پرداختن به موضوع هویت زندگی ما را می سازد و دقت کنید که هویت خود انسان است که زندگی اش را می سازد و جعل و پذیرفتن خرافات دیگر اقوام باعث پایه گذاری پذیرفت ذلت و خاری در وجود انسان ها می شود.

زیبا است که ملیت ها و اقوام ها به سادگی همراه با صلح و احترام متقابل در کنار هم زندگی کنند و هر کدام هویت خود را حفظ می کنند تا آینده ی روشن برای خود ایجاد نمایند، این کار معنی اصلی فرهنگ را به انسان می فهماند.

اینکه همه ما ایرانی هستیم در آن شکی نیست، ولی مهم تر از آن اصل هویت ملیت ها و اقوام ایران است، تورک و عرب و بلوچ و گیلک هستند که ایران را تشکیل میدهند و این یک جنایت است که همه گروگان شوونیسیم فارس باشیم.

حال از طرفی گروه های افراطی و سودجو با پشتیبانی تمام و کامل خاندان پهلوی مردم ایران را ایرانی آریایی نام نهادن و ضروری می دانند که مردم در ایران فارس هستند و اگر کرد یا لر باشند اصلا تورک و یا عربی در ایران وجود ندارد.

در چنین وضعیتی پای رژیم فعلی را به میان می آورند تا افکار شیطانی خودشان را در سر جوانان ساده و بی مطالعه ی کشور پیاده کنند، این خاندان به همراه گروه های افراطی تحت حمایت خود در میان کلام خود به نشانه ی روشنفکری اصل دین اسلام را مورد حمله قرار میدهند.

جوان هایی که بدون هیچ مطالعه کردنی و آلوده شده به عملیات آسیمیلاسیون که از زمان حکومت پهلوی بر دیگر ملت های غیر فارس پایه گذاری شد و هدفش کشتن زبان های غیر فارسی و جا زدن فرهنگ آریایی و زبان فارسی مدرن بود، اصلا بذارید به زبان ساده تر بگویم حکومت پهلوی ملیت های غیر فارس را فدای اقوام فارس کرد.

اصل حرف من در این جا است، من اصلا کاری به هیچ رژیمی ندارم ولی فقط گوسفند نباشیم. مطالعه کنیم تا حقیقت را بفهمیم.

یکی کردن حق و ناحق، درست و نادرست، حمایت ضمنی از ناحق و نادرست است.

در ایران یک مسئله ی پان ایرانیسم از دوره ی مشروطیت تاکنون وجود داشته است. یعنی اندیشه ای که خواهان آسیمیلاسیون گروه های غیر فارس ساکن در ایران و در رأس آن ها تورک ها و فارس سازی آن ها از طریق از بین بردن زبان تورکی، و ایجاد یک ملت واحد ایران با زبان ملی فارسی و نژاد آریایی و گذشته زرتشتی و... است. این ذهنیت پان ایرانیستی در عمل حدود یک صد و بیست سال است که توسط حکومت های مشروطه و دولت پهلوی و جمهوری اسلامی اجرا می شود. یعنی سیاستی نهادینه و دولتی و راهبرد رسمی است. ساقط کردن دولت قاجار تنها یکی از نتیجه های عملی شدن همین ذهنیت پان ایرانیستی بود که قاجارها را تورک و در نتیجه بیگانه و انیرانی و دشمن و... می شمرد. بنا بر این ذهنیت پان ایرانیست، تورک ها به دلیل غیر ایرانی و بیگانه بودن طلاحیت حاکمیت بر ایران و حتی حق حضور و وجود در ایران را ندارند و بنابراین باید از حاکمیت ساقط و زبان و هویت و تاریخ تورکی از صحنه ی ایران حذف و پاک سازی شود.

اما در ایران چیزی به اسم پان تورکیسم و هیچ جریان پان تورکیستی معادل پان ایرانیسم و دارای خصلت های مشابه آن (خواستار و مصمم به تورک سازی گروه های غیر تورک، از بین بردن زبان فارسی، اعتقاد به نژاد پان تورک، دولتی بودن، تهدیدینه بودن، اجرا شدن، ...) وجود خارجی ندارد. ادعای وجود پان تورکیسم در ایران خیال بافی محض است. در ایران صرفا پان ایرانیسم وجود دارد، اصلا دولت تورکی وجود ندارد که بخواهد گروه های غیر تورک را تورک سازی کند، زبان های غیر تورکی را نابود کند، به نژاد پاک تورک معتقد باشد، زبان فارسی را ممنوع و زبان تورکی را اجباری و تنها زبان دولتی و تحصیلی و حقوقی و ... اعلام کند و برای این منظور سالانه صدها میلیون دلار مصرف کند. در گذشته هم تورک ها که هزاران سال بر ایران حاکم و در اوج قدرت بودند، امپراتوری ها و امکانات لازم را داشتند، هرگز به خیال تحمیل تورکی و نابود کردن زبان و هویت دیگران نیافتادند.

حالا که اصلا یک کودکستان به زبان تورکی و اجازه ی داشتن یک کانال تلویزیونی و روزنامه سراسری تورکی حتی حتی یک کتاب فروشی تورکی در تهران؛ بزرگ ترین شهر تورک نشین در ایران را ندارند و حتی اسمشان انکار و با آذری و آریایی و ... عوض می شود چگونه می توانند غرق همچو خیالاتی بشوند؟ آنچه از طرف پان ایرانیست ها و قومیت گرایان افراطی فارس و دولت ایران پان تورکیسم نامیده می شود چیزی نیست به جزء اعتقاد به وجود یک هویت ملی بنام تورک.

در نظر این دسته جات هر کس که به هویت ملی تورک معتقد باشد و خود را و یا تورکان ساکن ایران را و یا دولت های تورک در تاریخ و... را تورک بداند، چه ملی گرا، چه مارکسیست، چه لیبرال، چه اسلام گرا، ... پان تورکیست است. اما همه می دانند که اعتقاد به وجود هویت تورک و ملت تورک و... به هیچ وجه پان تورکیسم نیست، بلکه صرفا قبول یک واقعیت بدیهی و علمی است. مارک و انگ پان تورکیسم، صرفا نامی برای شیطان سازی از تورک و هویت ملی تورک و وسیله ی سرکوب و خاموش کردن صدای معتقدین به وجود تورک ها در گذشته و اکنون ایران، و انکار حقوق جمعی زبانی و ملی و... تورک ها است. ادعای وجود پان تورکیسم در ایران، ابزاری برای تسهیل نسل کشی زبانی و ملی تورک ها و سرکوب و ریشه کن کردن باقیمانده ی تورک ها در ایران است.

در کشورهایمانند ایران که چندین قومیت و ملت سکونت دارند سیاستگذاری و برنامه ریزی در تمامی حوزه ها مستلزم نگاه تکثرگرایانه است اما موقعی که برتری قومی یا سیاست تمرکزگرایانه ی قومی غالب باشد هر چند یکبار تنش های قومی شدت می یابد و افراط و یا تفریط بر جامعه حاکم می شود.

قدمت باستان گرایی و ترویج سیاست های تمرکزگراییدر ایران حدود یک قرن است زمانی که بعد از سقوط قاجاریه و روی کار آمدن پهلوی لژهای فراماسونری اتاق فکر پان فارسیسم و باستان گرایی شدند. شاید به جرأت بتوان گفت که شکاف فعلی قومی در ایران محصول همان فعالیت ها و تداوم آن ها در عصر حاضر است. پرستش دیوانه وار کوروش و پاسارگاد نمود ظاهری پان فارسیسم است. از لحاظ عقلانی نمی توان کوروش را نسبت به سایر دیگر ملیت های داخل ایران یکی از برجسته ترین اساطیر مشترک این مرز بوم معرفی کرد، برای این کار نیاز به مطالعه سطح بالا است که کم تر کسی پی آن را میگیرند ولی بخاطر نوع تبلیغات پان فارسیسم حتی افراد غیرفارس با تعصب خشک طرفداری کوروش را می کنند و بدون اطلاعات و بدون هیچ مدرک خرافات لژهای فراماسونری اتاق فکر پان فارسیسم را باز گو می کنند بدون اینکه کمی بدون تعصب به این مسئله نگاه کنند.

و یک سوال اینجا به وجود می آید که چرا تمام نویسندگانی که برای آریایی و کوروش کتاب نوشتن، همه یهودی اند و وقتی خواهان این می شویم در ایران در مورد آریایی ها و کوروش تحقیق کنی و مطالعه کنی کتاب نویسندگان یهود را به ما معرفی میکنند و وقتی سخنی از ویل دورانت و کوینت کورس و هومر و هرودوت به میان می آید سخنان و مدارک آنان را ساختگی و غیر واقعی میدانند!!!

اگر با گفته های پهلوی ها و نوچه هاشون باید در حفظ فرهنگ آریایی کوشا باشید اول از خود بپرسید که مادر و پدرتان اگر از ملیت های غیر آریایی هستند پس آیا آریایی و زبان فارسی به شما ربطی دارد؟ و در دومین پرسش از خود به این موضوع اشاره کنید که فرهنگ اصیل آریایی نیست؟ آیا همان خرافاتی است که تاریخ نگاران دوران طاغوت ذکر کرده اند یا در اصل فرهنگ و تاریخ آریایی همانی است که در اوایل هزاره ی نخست پیش از میلاد در ترکیب قبیله به فلات ایران آمدند و در ناحیه ی استان فارس کنونی یعنی حد فاصل خلیج فارس و جنوب همدان مستقر شدند و به نوشته ی هرودوت پارسیان مرکب از ده طایفه بودند که کوچ رو بودند یا به

گفته ی دکتر صدر به نقل از هرودوت در ایل باره می نویسد: سلاطین هخامنشی نظیر مغولها بنا به خصلت کوچیده ایلی خود بین پایتخت های ممالک تصرف شده، ییلاق و قشلاق می کردن {شوش، همدان، بابل و گاهی سارد} پارس ها بر خلاف مادها به مرحله شهرنشینی نرسیده بودند و از ده ایل پارسی شش ایل ده نشین و چهار ایل کوچنده بودند. {۷۴}

مهم ترین این طوایف پارسی "پاسارگاد" بودند که "هخامنش" بزرگ خاندان آنان بودند. این طوایف از بدو ورود به این مناطق تابع ماد شدند. پیشوای پارسیان در زمان آستیاک، کمبوجیه دوم بود که همچون نیاکان خود هم رهبر سیاسی و هم رهبر دینی اقوام پارسی بود. وی با دختر دوم آستیاک بنام "ماندانا" ازدواج کرد. کوروش پسر ماندانا و کمبوجیه دوم یعنی نوه دختری آستیاک بود. در جنگ میان پارسیان و مادها که به وقوع پیوست هرودوت از تاخت و تازهای پارس ها صحبت میکند و درباره ی دفاع قهرمانانه مادیها چنین می نویسد: در نبرد میان پارس ها و مادها همه مادیها، حتی پیرمردان نیز شرکت جسته و دلاوریهای بزرگی از خود نشان دادند. {۷۵}

و در این جا به این قسمت میرسیم که کوروش "سپتامه" را کشت و با همسر وی "آمی تیدا" دختر بزرگ آستیاک و در واقع با خاله ی خود که خیلی مسن تر از وی بود، ازدواج نمود و حال واقعا این است فرهنگ اصیل ایران و آریایی؟ به قول گروه های افراطی که در خارج کشور برای آن که پولی می گیرن را حلال کنند و یا تاریخ نگاران پهلوی که یک کشور را به بازی گرفته اند باید حفظش کنیم. بازنگری هویت خود باید باعث آزادی خواهی انسان شود، همین طور می شود وقتی تاریخ و فرهنگی را سر هم کنند و جعل را در آن جای دهند در بازنگری آن انسان گوسفند رومانیایی می شود. تمام اقوام و ملیت ها محترم هستند تا وقتی که با سیاست هایی که توسط رژیم پهلوی صورت گرفت و ملت غیر فارس همگی فدای ذهنیت آریایی بودن شدند و تا جایی پیش رفتن که هم زبان و هم تاریخ شان کم کم دارد از بین میرود و فرهنگ آن ها با نام فارس و یا آریایی و ملیتی ایرانی که آن را هم فارس تعریف کرده اند میدزدند. چنان تاریخ سازی می کنند که فقط در جهان هیچ شناختی که اون جوری که خودشان در ایران از فارس گفته اند وجود ندارد و در بین این عملیات شیطانی دیگران را هم از خود می دانند و آن ها را بازیچه ی خود قرار می دهند.

حالا بماند که تاریخ نگاران خود فروش در دوره ی پهلوی با چرندیاتی که ثبت کردن تمام اقوام اصیل ایرانی را فارس می خواندند و ملت غیر فارس را در ایران را وحشی و کوچ رو می دانند و همین طور با دست بردن در تاریخ مادها و اشکانیان را هم آریایی می خوانند.

همچنین آن ها بر دین مقدس اسلام به نشانه ی آزادی و روشنفکری می تازند و دین محترم زردشت را در اولویت قرار میدهند و بر این عقیده اند که زردشتیان هم آریایی بوده اند که باید نکته ای را در مورد این عقیده خدمتتان عرض کنم.

حضرت محمد {ص} رسالت و دستورات آسمانی خویش را جزء عربی به چه زبان دیگری می توانست بر توده های عرب که فقط زبان عربی می دانستند ابلاغ نماید. اگر آن حضرت رسالت خویش را به زبان غیر از عربی ابلاغ می کرد آیا نتیجه مطلوب به دست می آمد؟ زبان برای آن حضرت و همین طور برای زردشت در آن عهد یک وسیله بود نه هدف. بدون شک اگر در عهد زردشت زبان اهالی آذربایجان چنانکه برخی مدعی اند فارسی می بود در این صورت نیازی به ترجمه ی اوستا به زبان فارسی در عهد ساسانیان وجود نداشت. بنابر این زبان نخستین اوستا و در درجه اول زبان گائها پارسی باستان و یا به هر حال زبان هند و اروپایی نبوده است. به علاوه این زبان مسلماً زبانی بوده است که اهالی آذربایجان و همدان در آن عهد بدان تکلم می کرده اند و یا دست کم آن را می فهمیده اند وگرنه اهالی این سرزمین در آن عهد چگونه می توانسته اند اندیشه ها و اصول دینی زردشت را درک کرده و به آن ایمان بیاورند؟!

دیاکونوف می گوید: اما راجع به مفهوم و مضمون خود گائها به طور مشخص از آن نمی توان سخن گفت چون در طریق فهم گائها هنوز فرسنگها از کمال مقصود دور هستیم؛ هر معبری از علمای دینی عهد ساسانیان گرفته تا دانشمندان فقه اللغه معاصر ما گائها را به میل خود ترجمه می کند و مضمونی را که خود مایل می باشد برای آن کتاب قائل است. ولی تاکنون هیچکدام از ایشان موفق به درک درست مفهوم آن نگشته اند. کریستیان بارتولومه که یکی از بزرگ ترین دانشمندان غربی آشنا به فقه اللغه ایرانی می باشد چنین می نویسد: بدون اغراق می توان گفت که گائها دشوارترین بخش فقه اللغه هند و اروپایی را تشکیل میدهند. ترجمه ای که خود وی از کائها در سنین کهولت به عمل آورده دارای نقیصه ای است به این معنی که مترجم می خواهد آن مواعظ و دعاهای عهد بسیار کهن را به صورت آثار فلسفه تاریک ایدآلیستی آلمانی معرفی

کند. می توان صراحتاً گفت که اکنون به تعداد مترجمان گائنه های گوناگون و مختلف وجود دارد. {۷۶}

بیا بید سخنان ویل دورانت را هم با هم بخوانیم و آن را در مغز خود تجزیه و تحلیل کنیم.

« از آن زمان که تاریخ نوشته در دست است تا کنون، لاقلاً شش هزار سال می گذرد، و در نیمی از این زمان تا آنجا که بر ما معلوم است، خاورمیانه مرکز امور مسائل بشری بوده است. از این اصطلاح مبهم "خاورمیانه" منظور ما تمام جنوب باختری آسیاست که در جنوب روسیه و دریای سیاه و مغرب هندوستان و افغانستان قرار دارد، و با مسامحه بیشتری این نام را شامل مصر نیز می دانیم، چه این سرزمین از زمان های بسیار دور با خاور پیوستگی داشته و با یکدیگر شبکه پیچ در پیچ فرهنگ و تمدن خاوری را ساخته اند. بر این صحنه ای که تحدید حدود آن مقدرور نیست، و بر روی آن مردم و فرهنگ های مختلف وجود داشته، کشاورزی و بازرگانی، اهلی کردن جانوران و ساختن ارابه، سکه زدن و سند نوشتن، پیشه ها و صناعت، قانون گذاری و حکومت رانی، ریاضیات و پزشکی، هندسه و نجوم، تقویم و ساعت و منطقه البروج، یکتا پرستی، تک همسری و... و پیزهای فراوان دیگری برای نخستین بار پیدا شده و رشد کرده و فرهنگ اروپایی و آمریکایی ما در طی قرون از راه جزیره کرت و یونان و روم از فرهنگ همین خاور میانه گرفته شده. {آرین ها} خود واضح و مخترع تمدن نبوده بلکه آن را از بابل و مصر بعاریت گرفته اند، و یونانیان نیز سازنده کاخ تمدن بشمار نمیروند، زیرا آنچه از دیگران گرفته اند بمراتب بیش از آن است که از خود بر جای گذاشته اند. یونان در واقع وارثی است که ذخایر سه هزار ساله علم و هنر را که با غنایم جنگ بازرگانی از خاور زمین به آن رسیده است بناحق تصاحب کرده است. {۷۷}»

دقت کرده اید هر گاه خواستیم در مورد آریایی ها {فارسیها} و ادعاهایی که کرده اند حرفی بزنیم منبع ما از طرف غرب بوده و بیشتر منابع یونانی بوده اند؟! چرا اسمی از پادشاه تازه معروف شده ی آریایی یعنی کوروش در شاهنامه فردوسی نیست؟! افرادی معتقد هستند که شاهنامه فردوسی یک افسانه است، ولی تمام توضیحاتش در مورد افراسیاب پهلوان تورانی واقعیت داشته. افراسیاب همان آلپ ارتونقا است پادشاه و پهلوان قدرتمند ساکایی که فردوسی در شاهنامه اش به آن اشاره کرده است.

فهمیدید چرا در مورد آریایی‌ها {فارس‌ها} هر گاه خواستیم تحقیق کنیم رجوع کردیم به منابع خارجی؟؟ بر خلاف تمام ممالک جهان، در کشور ما ایران علم تاریخ راهی ناهموار و فاجعه آمیز و غالباً دور از حقیقت را پیموده است. یکی از عوامل مهم این فاجعه اردشیر بابکان است که به قصد ستردن آثار سلسله‌های تورک از صفحات تاریخ ایران و زدودن یاد آن‌ها از اذهان، همه‌ی اسناد تاریخی تا زمان خویش را از میان برد و به وسیله تنسر مؤبد مؤبدان، افسانه‌های ملی قوم فارس را جایگزین تاریخ حقیقی ایران ساخت. {۷۸}

در این جا نمی‌خوام گروهی را نقد کنم، تمام ملیت‌ها و اقوامی که در ایران زندگی میکنند محترم هستند و باید به خودباوری هویتی برسند، آیا سلطنت طلب‌ها و خاندان پهلوی باز هم رؤیای حکومت داری را در سر می‌پروراند؟

بگذارید یک موضوع را خیلی روشن برای شما بیان کنم، در زمان ۱۶ سال حکومت داری رضا میرپنج {رضا پهلوی} چیزی جزء خفت و خاری برای کشور ایران به وجود نیامد، از رواج نژادپرستی بگیریید تا قحطی در آذربایجان و فدا کردن منابع طبیعی آذربایجان برای استعمارگران و سند زدن روستاها به نام شاه وقت تا تقدیم کردن کشور به متفقین بدون این که حتی لحظه‌ای برای حرمت گذاشتن به وطن در برابر بیگانگان مقاومت کند این در صورتی بود که بیشتر بودجه کشور صرف تجهیزات نظامی شد، بعد از ۱۶ سال حتی اربابش {انگلیس} او را نپذیرفت و پسرش را یعنی محمدرضا شاه را به جای او به روی کار آورد، محمدرضا در اوایل کارش راه پدرش را ادامه داد و با حمله به آذربایجان و فاجعه‌ی آن و سوزاندن کتاب‌های تورکی، جنون آمیز تر راه نژادپرستی را ادامه داد، اوضاع اقتصادی در این زمان بهتر شد چرا که محمد رضا شاه باید برای عملیات‌های خرابکارانه‌اش سرپوشی می‌گذاشت تا دوران حکومتش پایدار باشد و همیشه مورد تشویق اربابش باشد.

اصل حرف‌های من به هیچ وجه سیاسی نیست و اصلاً با سیاست کاری ندارم، اصل حرف من تاریخ و فرهنگ است. هویت در وجود ما است اگر آن را حفظ نکنیم از انسانیت دور می‌شویم خاری و ذلت را می‌پذیریم و نسل به نسل زندگی سخت می‌شود تا این که مغزی برای ما نمی‌ماند تا استقلال فردی داشته باشیم.

تا حالا به ذلت و خاری ای که نسیب ما شده دقت کرده اید؟ پس از انقلاب ۵۷ سرانه ی مطالعه به کم شد تا سال ۱۳۸۰ که شدت زیادی گرفت و مردم احساسی شده بودن و سال به سال گول خوردن و دروغ شنیدن در این جا راه برای شوونیسم فارس باز شد که از خارج از کشور ذهنیت مردم را اداره کنن، مردم بدون مطالعه کردن شیفته ی سخنرانی شبکه های ماهواره که شوونیسم فارس آن شبکه را اداره میکرد شدند و به زبان ساده تر ذهنیت خودشون رو به دست آن ها دادن و تمام مطالب آن ها را صحیح و مؤثق میدانستند در این میان شوونیسم فارس در کنار ذکر مشکلات معیشتی مردم چرب زبانی می کرد و کم کم تاریخ جعلی آریایی را هم وارد بازی خودش کرد یعنی همان کاری که رضا میرپنج و پسرش انجام دادن حال شوونیسم فارس آن ها را ادامه دادن.

در این سال ها مردم احساسی تر شده بودن همین طور که در سال ۱۳۷۵ احساسی انقلاب کردن ولی حالا در اواخر دهه ۷۰ این احساسی بودن شدت گرفت، شوونیسم در این دهه در داخل کشور راه پیدا کرد ولی چه کسانی باعث شدن که شوونیسم فارس بتواند به این شکل در داخل کشور بعد از انقلاب ۵۷ جولان بدهد؟ آن اشخاص مان قورد ها هستند. به این مطلب خوب دقت کنید تا بفهمید، مانقورد کیست؟

افسانه مانقورد بشکل وسیعی در میان ترکان قیرقیز از قدیم الایام بصورت سینه به سینه نقل گردیده تا اینکه در عصر حاضر توسط "چنگیز آیتماثف" نویسنده ی بزرگ قرقیزی در زمانی به نام "گوئن وار عصره بدل" {روزی به درازی قرن} انعکاس خود ر یافته است.

"مان قورد" در حقیقت بعنوان صفت جانشین موصوف به کسانی که فاقد "شعور ملی" بوده و بطور کامل از خود بیگانه گردیده اند اطلاق می شود. مان قورد کسی است که نسبت به ایل و قوم و خویش خود بیگانه شده و هیچ وابستگی فرهنگی به قوم خود احساس نمی کند. او به راحتی زبان مادری و حتی مام میهن و مادر حقیقی خود را در جا به جای گفتارش به تحقیر و تمسخر می گیرد و فرهنگ خودی را نفی و به فرهنگ بیگانه به دیده احترام فوق العاده می نگرد و در این کار آنقدر پیش می رود که حتی حاضر می شود طبق افسانه به دستور ارباب، قلب مادر خود را نیز نشانه ی تیر کند و او را از پای در آورد بدون اینکه خم به ابرو بیاورد و یا متأثر گردد. بدین جهت مان قورد یک بی اصل و نسب کامل است که بیشتر به کوبیدن مظاهر و منافع خود می پردازد. واژه "مان" در تورکی غیر از معنی مثل و مانند در ترکیب ترکمان {تورک مانند} و ائلان {ائل

مانند} معنی عیب و نقص را نیز در خود دارد و مان قورد در حقیقت مفهوم "گرگ ناقص" یا به بیان واضح تر "انسان ناقص" را در قاموس ترکان افاده می کند. با توجه به اینکه در این قاموس بوز قورد بعنوان انسان کامل و اصیل است لذا مان قورد بعنوان انسان ناقص تلقی می گردد.

به عبارت دیگر مان قورد به معنی "گرگ ننگین" یا "انسان ننگین" است. این ننگ بیشتر گریبان گیر همان بوز قورد ها است که اسیر دشمن شده و بعد از شستشوی مغزی به ننگ ایل و تبار و جامعه و ایدئولوژی خود بدل می شوند. مان قورد همیشه وادار به مصاحبه بر علیه ایدئولوژی قبلی خود می شود.

در افسانه این گونه آمده است که: در منطقه ساری اؤزیه چاه های زیادی وجود داشت و همه جا سرسبز و خرم بود ولی ناگهان قحطی بزرگی اتفاق افتاد و اقوام ساکن در آن صحرا به جاهای دیگر کوچ کردند. قوم ژوان ژوان ها نیز که مبتکر شستشوی مغزی جوانان بودند مجبور به کوچ گردیده بسوی رود ادیل {اتیل} که همان ولگا باشد، رفتند. آن ها چون به لعنت و نفرین الهی به جزای مان قورد کردن جوانان دچار شده بودند موقع گذر از روی آب های یخ بسته ولگا همگی از کوچک و بزرگ و انسان و حیوان با شکسته شدن یخ ها به عمق آب ها مثل فرعون فرورفته و از روی زمین محو و نابود شده به جزای خود می رسند. ژوان ژوان ها وقتی کسی را اسیر می گرفتند آن ها را به صحرا برده موهای سرشان را از ته می تراشیدند، بعد شتری را سر بریده و از پوست گردن شتر که از سفت ترین قسمت پوست شتر است قطعاتی را جدا کرده و بلافاصله به سر اسیر چسبانیده، آن را محکم می بستند. بعد از این کار دستبند و پای بند اسیران را محکم کرده و آن ها را در زیر آفتاب سوزان رها می کردند.

بعد از مدتی موی سر آن ها رشد کرده و چون جایی برای رشد خود نمی یافتند برگشته بتدریج داخل مغز اسیر می شدند. در این موقع بیشتر جوانان تاب تحمل این عذاب را نیاورده فوت می کردند ولی آن هایی که می ماندند در اثر برخورد موها با سلولهای حافظه تمام خاطرات گذشته خود را از دست داده و تنها مهارت های آنان در تیراندازی می ماند. آن ها به دستور ارباب خود هر کس را که دستور میداد بلافاصله تیرباران می کردند. پون بین ده اسیر یک اسیر مان قورد شده و بقیه می مردند لذا ارزش یک مان قورد ده برابر یک غلام بود و اگر کسی مان قورد کسی را می کشت مجبور به پرداخت جریمه سنگین می شد.

در این افسانه پسری بنام "ژول آمان" {یول آمان} فرزند پیرزنی بنام "نایمان آنا" برای گرفتن انتقام خون پدر خود از ژوان ژوان ها که در جنگ با آنان کشته شده بود به اتفاق سایر جوانان قبیله نایمان به ژوان ژوان ها حمله کرده و بعد از جنگی قهرمانانه اسیر می شود. ژوان ژوان ها او را مان قورد کرده و به چوپانی گله های خود می گمارند. "نایمان آنا" برای نجات پسرش به منطقه ژوان ژوان ها رفته و پسر خود را می بیند که چوپان گله شده است. مادر به او نزدیک شده و اسمش را می پرسد. پسر جواب میدهد نامش مان قورد است. مادر میان حسرت و ناامیدی از پدر و مادر و ایل و تبارش می پرسد. پسر تنها یک جواب دارد آن هم: من مان قورد هستم.

مادر سعی می کند حافظه ی پسر جوانش را به کار بیاندازد. نایمان آنا می گوید: اسم تو ژول آمان است می شنوی؟ تو ژول آمان هستی. اسم پدرت هم دونن بای است پدرت را یادت نیست؟ آخر او در زمان کودکی به تو تیر اندازی یاد میداد. من هم مادر تو هستم. تو پسر من هستی. تو از قبیله ی نایمان هستی. او {مان قورد} با بی اعتنائی کامل به سخنان مادرش گوش می داد.

نایمان آنا باز هم تلاش کرد تا حافظه ی پسرش را به کار بیاندازد از زمان تولد او گفت که در زمان کوچ بزرگ نایمان ها به دنیا آمدی، وقتی تو به دنیا آمدی ما سه روز تمام کوچ خود را متوقف کردیم. نایمان آنا برای تحریک کردن پسرش تا این که به یاد کودکی اش بیاندازد برای ترانه لالایی و بایاتی می خواند ولی هیچ تأثیری در پسر جوان نمی کند. در آن زمان ارباب ژول آمان پیدا می شود و نایمان آنا سریع در جایی پنهان می شود. ارباب ژول آمان از او پرسید که آن پیرزن به تو چی می گفت؟ ژول آمان می گوید او به من گفت که من مادرت هستم. ارباب ژول آمان می گوید تو مادر نداری تو اصلاً هیچ کس را نداری. وقتی آن پیرزن دوباره پشت آمد او را با تیر بزن و بکش. او بعد از دادن "حکم تیر" به دنبال کار خود می رود. نایمان آنا وقتی می بیند که او رفت از مخفیگاهش بیرون می آید که دوباره تمام تلاشش را برای به کار انداختن حافظه ی تاریخی و قومی و خانوادگی پسر جوان را بکار بیاندازد لذا به او نزدیک می شود. اما ژول آمان با دیدن نایمان آنا بدون هیچ ترحمی در اطاعت کورکورانه از دستورات اربابش قلب مادرش را نشانه گرفته و او را از پشت شتری که سوارش بود سرنگون می سازد. قبل از اینکه پیکر بی جان نایمان آنا به زمین بیفتد روسری او به شکل پرنده ای بنام دونن بای در آمده و پرواز می کند. گویی این پرنده روح نایمان آنا را در جسم خود دارد. از آن زمان پرنده ای در صحرای ساری اؤزبه پیدا شده و به مسافری نزدیک گردیده و دائماً تکرار می کند:

"به یاد آر از چه قبیله ای هستی، اسمت چیست؟ اسم پدرت دونن بای است دونن بای،
دونن بای..."

پیکر بی جان نایمان آنا در محلی که بعدها بنام او به قبرستان "آنا بیت" معروف گردیده به خاک سپرده شد. پسر مانقورد او حتی برای گرامی داشت خاطره مادر بر سر قبر او نیز حاضر نمی شود چرا که او خود را بی پدر و مادر و بی اصل و نسب می دانست. {۷۷}

انسان هر چقدر هم غرق دنیای مدرن شود، باز هم وابسته به هویت خودش است، کشورهای جهان را نگاه کنید، ترکیه به پادشاهان تاریخی اش میبالد و آن تاریخی که داشته است، یونانیان به آثار باستانی و پادشاهان خودش میبالد، و اگر مدرن تر نگاه کنیم کوبا به چه گوارا میبالد ولی متأسفانه هر روزه تورک های خراسان در تاریخ جعلی آریایی حل شده اند و در بیشتر اوقات سخن از این میزنند که باید سراغ کاری رفت که پول داشته باشه و اصلاً کارهای فرهنگی سرنوشتی ندارد!!! باید در جواب گفت آیا وقتی سراغ یک کار پر سود رفتیم و پول دار شدیم باید به همراه آن بی هویت و بی شرف بشیم و این جزء کار اصلی ما است؟! یعنی هم رنگ جماعت بشیم؟ حتی اگر در بند اسارت بودن قدم بر میدارند؟ فرهنگ و هویت است که به انسان زندگی می بخشد اگر تورک هستی، اگر عرب هستی، اگر گُرد هستی و اگر بلوچ هستی هویت خودت را حفظ کن و به زبان مادری خودت صحبت کن، اگر تو شاهنامه را از بر باشی تمام اشعار سعدی و حافظ را از حفظ بخونی و تمام جا به جای پاسارگاد را لیس بزنی و بر آن سجده کنی مدال بهت نمیدهند بلکه کار شوونیسیم فارس را راحت کرده ای و لقب مان قورد را برای خود انتخاب کرده ای و این اسم را بر پیشانی ات حک کرده ای چون بر هویت خودت پشت کرده ای. اگر کسی بعد خواندن مقاله ی {کلیاتی در مورد ترکان خراسان} و توضیحات اولیه این مقاله باز هم راه خودش را ادامه دهد اون همان مان قورد است، تفاوت در این جا است که در آن زمان ژول آمان در جنگ قهرمانانه اسیر شد و بر اثر شکنجه مان قورد شد ولی این شخص که به راه خودش ادامه داده از روی جهل خود و برای خودنمایی در اجتماع و پول مان قورد می شود.

کسی که مان قورد شود برای خود ارباب انتخاب کرده است، کسی که ارباب داشته باشد مغز ندارد، کسی که همیشه چشم و گوشش به شبکه های شوونیسیم فارس در ماهواره ای که اخبار های تاریخی و فرهنگی اش باشد توان تفکر ندارد، چون با تمام صحبت های جهت دارد این شبکه ها هم سو شده است نه می تواند فکر کند و نه موضوعات مورد بحث آن ها را در ذهن خود

تجزیه تحلیل کند چرا که یکی از شگرد آن ها بازی با کلمات است و از آن جا که امروزه کسی مطالعه ای ندارد و آشفته از مشکلات روزمره مانند شاگرد حرف های اربابش را یاد می گیرد. حتی حرف های اربابش هم در انتخاب عکس پروفایلش هم تأثیر بسیار بالایی دارد.

حتما سال ها است این نوع شبکه های ماهواره ای را دنبال می کنید، سال ها دم از اتحاد اقوام ایرانی میزنند حال بماند که در پشت صحنه همه ی اقوام ایرانی را آریایی میدانند و سرباز کوروش می خوانند، در برنامه هایی که اجرا میکنند خبر از زندانی های فعال فرهنگی و مدنی میدهند، نکته ی قابل توجه از طرف شوونیسف فارس این است که اوضاع زندانی هایی که فعال فرهنگی _ مدنی را از هر کجای کشور باشد بیان میکند ولی هیچ گاه نامی از زندانیان تورک به زبان نمی آورد به ندرت شده است نام کسانی را بیاورند که تورک بوده اند ولی هویت آن ها پنهان می کنند و به نام و نام خانوادگی آن ها اکتفا می کنند.

سال ها دم از اتحاد ملی میزنند ولی در جشنواره ی فجر سال ۹۸ بود که فیلم آتابای ساخته ی نیکی کریمی اکران شد و بلافاصله در کنفرانس مطبوعاتی به طور شدید از طرف خبرنگاران شوونیسف فارس با ساخت این فیلم مخالفت شد و ادبیات و تاریخ ترکان ایران را به تمسخر گرفتن با این دلایل که چرا ما که در کشور فارس زبان زندگی میکنیم باید فیلم تورکی در کشور ما ساخته بشود و چرا ما باید در کشور خودمان فیلمی با زیر نویس فارسی ببینیم!!!! دم از انسانیت و هویت پاک آریایی میزنند و از صلح و دوستی ای که در زمان کوروش برقرار بود ولی وقتی خوانند هایشان در عربستان در جشنواره ی طنتوره شرکت می کنند این عمل آن ها را کسرشانی برای فارس ها میدانند این نوع نژادپرستی در بین آریایی ها نهادینه شده است.

شوونیسف فارس در آموزه هایش در مغز برده های خود این طور فرو کرده است که در کشور ایران تورک و عرب و بلوچ مهم نیست همه ایرانی هستیم، اگر این طور است پس باید همه ی ملیت هایی که در ایران زندگی می کنند شبکه تلویزیونی به زبان خود داشته باشند و به زبان مادری خود در مدارس تحصیل کنند و فقط در ادارات دولتی بخاطر بر طرف شدن مشکلات، از زبان فارسی به عنوان زبان مشترک استفاده کنند. واقعا چرا نمی شود؟

چرا از شرکت کردن خوانندگانشان در جشنواره ی طنتوره عصبانی شده اند؟ شنیده ای در آموزه های شوونیسف فارس این طور آمده که اعراب با حمله به ایران چه ظلم فراوانی به آریایی ها کردن

و از آن موقع ایران رو به بدبختی رفت چون عرب ها فلان بودن؟!!!! واقعا اگر عرب ها ناتوان بودن قرن ها حکومت داری باشکوهی نمیکردن و همانند سلسله ی هخامنش در برهه ای از تاریخ محو می شدن.

به یاد داشته باشید هر چه که هستید اگر تورک هستید، اگر عرب هستید، اگر گُرد هستید، اگر بلوچ هستید اصل موجودیت همه انسانیت است، احترام متقابل حاصلش صلح و دوستی و پیشرفت است، به یاد داشته باشید افرادی هم هستند که خواهان ایجاد تفرقه بین ملیت ها و اقوام ساکن ایران هستند و بدانید که نباید به آن ها و به احزابشان باج بدهیم. هر جور که هستیم خوب و بد خود را بپذیریم و هویت خود را حفظ کنیم و در کنار دیگر ملیت ها و اقوام در اداره ی کشور همکاری کنیم، آلوده شدن به طرز تفکرات شوونیسم فارس آزادگی را از ما می گیرد، چرا؟ چون فقط فقط افراطی گری را به ما یاد میدهد. این طور می آموزند که ماسک دلسوزی و روشن فکری بر چهره ی خود بزنید برای پشبرد سریع اهداف ولی در اصل باید ذهنتان را جنون واری برای نژاد آریایی پرورش دهید که شامل این می شود که رضا خان فرشته ی نجات سال ۱۳۰۴ بوده و نامش همیشه باید پایدار قرار بگیرد و کوروش را فرمانروای تمام عالم بوده که بیشتر نوآوری های امروزه را باید حاصل تلاش کوروش دانست، حال بماند که در منابع موثق فارسی نامی از آریایی و کوروش برده نشده است. شوونیسم فارس آن قدر ما را به سوی مان قورد شدن هدایت می کنند که هیچ گاه همراه با کنجکاوی درمورد حقیقت به به اطراف نگاه نکنیم که چرا سلسله هخامنشیان که به ادعای شوونیسم فارس فرمانروایی بر قسمت های بزرگ جهان را دارند چرا در سرزمین هایی که فتح کرده اند از آنان هیچ آثار باستانی ای یافت نمی شود بجز تخت جمشید که در شیراز امروزی در ایران یافت می شود؟ ولی در مقابل حکومت های رومی در بیشتر نقاط اروپایی و قسمتی از آسیا دارای آثار باستانی هستند، سلجوقیان و صفویان و افشاریان و این سلسله ها هم در جا به جای سرزمین هایی که فتح کرده اند صاحب آثار باستانی هستند.

با مطالعه کردن ذهن شاداب می شود و یافتن حقیقت برای مغز مانند حیات دوباره است، تا این جا باید از نوع نگرش نژادپرستی شوونیسم فارس فهمیده باشید، یک نمونه ی دیگری را برایتان بازگو میکنم در همان شبکه های ماهواره ای که شوونیسم فارس آن ها را اداره می کند چرا جوری جبه گیری می شود که کشور های تورکیه و عربستان و دیگر کشورهای عربی حکومت دیکتاتوری دراند و عقب مانده اند؟ و این سخن را از زمان رضا میرپنج {رضا پهلوی} همیشه با

خود در رؤیاهایشان ذکر می کنند که زمانی فلان کشور فقیر بود و زمانی فلان کشور چادرنشین بود، به راستی اگر این طور بود الان وضعیت آریایی در جهان چگونه است؟ متأسفانه آسیمیلیسیون جوری روی افراد اثر قوی گذاشته است که هیچ کس این نوع سوال ها را در ذهن خود نمی پروراند و با تمام دل و جان تمام خرافات این جور شبکه های ماهواره ای را با جان و دل باور می کنند و بعضی ها با این نوع سوال ها مخالف هستند و جواب اکثر آن ها این است که این کارها نژادپرستی است.

در اولین کار باید فهمید تعریف کلی آن ها از نژادپرستی چیست؟ آیا نژادپرست آن کسی است که همیشه به زبان مادری اش حرف یزند و به فرهنگ و تاریخ خودش که از طریق اجدادش برای او به ارث رسیده است احترام بگذارد و آن را حفظ کند؟ امروزه مان قورد های بسیار زیادی هستند که هر زمان و هر جا به ساز شوونیسیم فارس میرقصند. افزایش تعداد مان قوردها و افزایش تعداد کسانی که به هویت خود بی اعتنایی می کنند باعث رواج بی غیرتی در جامعه هم میشه، میپرسید چطوره؟ وقتی افراد جامعه ذلت و خاری را میپذیرند همین مسئله باعث بی بند و باری در افراد می شود و خنثا بودن خاصی را در آن ها به وجود می آید، این مسئله به ناموس افراد هم سرایت می کند. فرد علاوه بر این ناموس خود زنان و وطنش هم ناموس او بشمار می آیند. زنان باید در جامعه دارای آرامش روحی باشند ولی شده است وقتی آزار و اذیت یک زن را در خیابان میبینیم شاهد کمک حداقلی مردان هستیم؛ بیشترشان در گوشه ایستاده اگر فیلم نمی گیرند فقط تماشا می کنند، این عمل حاصل نژادپرستی فارسی ای است که در جامعه ی ایران وجود دارد، ذهن در حالتی سریع قفل می کند و درباره ی صحنه ای که جلوی چشمش دارد به وقوع میپیوندد بی اعتنا می شود. این نوع حالت، حداکثری است.

وقتی این نوع موضوعات را برای کسانی که نسبت به هویت خود بی اعتنا هستند به اشتراک میگذاریم بیشتر آن ها باد توی غبغب خود می اندازند و می گویند ناموس حرف اول آخر ما در زندگی است ولی این فقط در حرف زدن معنی خوشی میدهد، وقتی بی اعتنایی نسبت به هویت در بین افراد جامعه جای پیدا کند هیچ بی بند و باری دور از ذهن نیست، چرا؟ چون فرد از حق خودش می گذرد و موقع ضایع شدن حق خودش از طرف یک حزب نژادپرست سکوت می کند علاوه بر سکوت کردن فحش هم می خورد و تحقیر می شود، این عمل آدم را سرخورده می کند.

افرادی هم هستند که اصلاً هویت را اشتباه تعریف می کنند، آن ها این جمله را می گویند که هویت ما ایرانی است، باید به آن ها توضیح داد هویت یک مسئله ی شخصی پر اهمیت است چون اگر هویتی برای اشخاص جامعه وجود نداشته باشد قطعاً ایرانی هم وجود نخواهد داشت.

مردم ایران بیاید احساسی فکر نکنید و احساسی تصمیم نگیرید، ایران فنلاند و سوئیس نمی شود ولی اوضاع را می توان بهتر کرد، فقط خودمان می توانیم حال و روز خودمان را بهتر کنیم با این که حقیقت را بپذیریم و از دروغ دوری کنیم. با جهل خود زندگی مان را جهنم کرده ایم، چرا بدبختی ها را می پذیریم ولی نمی خواهیم واقعیت ها را باور کنیم!!!

کسانی که هنوز با تعصب بی جا بر این عقیده پافشاری می کنند که تورک های اصیل آذربایجانی ها هستند، از خواب بلند شوید نگاهی به اطراف خود بی اندازید منظور از اصل بود یعنی چه؟ یاد این موضوع می افتم که کسی برتر از دیگری است و بقیه پست تر هستند!! این هم یک نوع شگرد از شوونیسیم فارس است. به تمام روستاهای تورک نشین و یا شهرهای تورک نشین خراسان نگاهی بیاندازید که دارای قدمت تاریخی بالایی هستند ولی خبری از فرهنگ و تاریخ آن ها نیست، ولی در عوض اقوام تبعیدی در خراسان دارای فرهنگ و تاریخ اند، این آیا با عقل جور در می آید که اقوام تبعیدی در خراسان دارای تاریخ و فرهنگی اند که اسامی تورکی دارند و حال چرا در این میان تورک های خراسان از داشتن و دانستن تاریخ و فرهنگ خود بی خبراند با این که نام بیشتر شهر ها و روستاها و رود ها و کوه ها و دشت ها تورکی است!!

قوچان {سرزمین رشیدان و دلاوران}، جغتای {چاغاتای}، چکنه {چک انه}، آلاداغ، کپه داغ، قراول چینگی {در شیروان}، یامان داغی، قورقود داغی، آغ داغ، بئش قارداش {در بجنورد}، قار داغ {در سرخس}، یاریم تپه درگز، رود قره سو {سرچشمه گرفته از کوبه داغ در کلات نادری}، هرای رود {هریر رود}، محله ای موسوم به سمرقند {یا سمیزکند به معنی آبادی بزرگ} از محلات قدیمی مشهد که ترکی شرقی می باشد، رود آترک وجود قدیمی ترین غزل های تورکی آذربایجانی کشف شده منسوب به حسن اوغلو اسفراینی مربوط به حدود هشتصد سال پیش است. این ها فقط تعداد از نشانه ها بود شما حتما در بخش دوم این مقاله شاهد اسامی تورکی آبادی ها بوده اید.

همان انسان های جاهل به بهانه ی اینکه ما زبان ترکان آذربایجان و ترکیه رو نمیفهمند باید با آن ها مثل یک مردم رفتار کنیم و در مواقعی باید با آن ها دشمن باشیم، این عمل باعث خودباختگی می شود و راه پذیرش ذلت و خاری را ساده تر می کند، حال ظالمان و شوونیسم فارس هر چقدر می خواهند حق این انسان های خود باخته را بخورند و همان انسان های جاهل به بی اصل نصب بودن و به هویت جدید روی می آورند و جعلیات آریایی ها لالایی گوش نوازشان می شود.

باید به یک نکته دقت کنیم کسانی که مدعی این هستند که ترکان خراسان زبان ترکان آذربایجان و ترکیه رو نمیفهمند کسانی اند که نمی توانند بطور کامل با اشخاص دیگر تورکی صحبت کنند و بطور شکسته زبان مادری خود را یاد دارند و طبیعی است که حق این گونه سخن را ندارند که بگویند ترکان خراسان زبان ترکان آذربایجان و ترکیه رو نمیفهمند. و جالب است بیشتر این افراد نوجوان و جوانان اند که در سخن گفتن به زبان مادری خود مشکل دارند و در آستانه ی بی اعتنایی به هویت خود هستند.

ویژگی تاریخنگاری مدرن رویکرد پرسشگونه ی آن به حوادث تاریخی بر مبنای پرسش "چرا و چگونه؟" می باشد. تاریخنگاران مدرن ایران با رویکرد پانفارسیستی با مصادره به مطلوب این گونه ی تاریخنگاری تاریخ ایران را بر مبنای برتری جویی آریایی نگاشته و وجه مشترک سه جریان اصلی تاریخنگاری در ایران گردید. تاریخنگاری پانفارسیستی در ایران در بدو آفرینش خویش بر سه محور سکولاریسم آریایی، تشیع آریایی، سوسیالیسم آریایی به باز خوانی حوادث تاریخی گذشته ی ایران پرداخت و در پاسخ به پرسش چرایی این حوادث با استناد به منابع دروغین و بعضاً آفریده شده ترکان و عرب ها را دشمنان قسم خورده ی ایران نمایاند. از آنجایی که بحث نوشتار حاضر تاریخنگاری در ایران است به جای تبیین رویکرد جریان های سیاسی و نشریات پانفارسیست تنها تاریخنگاران پانفارسیست ایران که دارای کتب تاریخی با شیوه نگارش مدرن می باشند در بخش بعد بررسی می شود. {۹۳}

حالا قبل اینکه کمی تخصصی صحبت کنیم کمی جست و جو کنیم که سکولاریسم چیست؟

سکولاریسم به معنی گیتی گرایی یا جدانگاری دین از سیاست است. از آن جایی که اصطلاح سکولاریسم در موارد مختلفی استفاده می شود، معنی دقیق آن بر اساس نوع کاربرد متفاوت است. دیدگاه سکولاریسم بر این پایه بنا شده است که زندگی با در نظر گرفتن ارزش ها پسندیده

است و دنیا را با استفاده از دلیل و منطق، بدون استفاده از تعاریفی مانند خدا یا خدایان یا هر نیروی ماورای طبیعی دیگری، بهتر می توان توضیح داد. در حکومت معنی سکولاریسم، عدم دخالت باورهای مذهبی در امر حکومت و برتری دادن اصول حقوق بشر بر سایر ارزش های هر گروه و دسته ای است.

حالا تعریف سوسیالیسم چیست؟

سوسیالیسم به معنی جامعه خواهی و جامعه گرایی است. اندیشه ای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است که برای ایجاد نظم اجتماعی مبتنی بر انسجام همگانی می کوشد، جامعه ای که در آن تمامی قشرهای اجتماعی سهمی برابر در سود همگانی داشته باشند.

تاریخننگاری لیبرالیسم _ سکولاریسم آریایی:

تاریخننگاری سکولاریسم آریایی که بعدها توانست با تشکیل دولت رضاخان مراکز قدرت و ثروت را در ایران به چنگ آورد با تلاش های کنت دوگوبینو تاریخدان فرانسوی هوادار برتری نژاد آریا نخستین آثار خویش را در اواخر دوره قاجار در ایران منتشر نمود. نخستین نگارش های این گونه ی تاریخنگاری در ایران که در برخی موارد به توصیه ی کنت دوگوبینو وزیر مختار دولت فرانسه در ایران نگاشته شد آثار جلال الدین میرزا قاجار عبدالحسین آقاخان کرمانجی در باب تاریخ باستان ایران و تمدن آریایی بود. میرزا آقاخان کرمانی در آثار رضوان، جنگ هفتاد و دو ملت، انشالله و ماشالله، نامه باستان یا سالارنامه، آیین سخنوری یا نامه سخن، آیین سکندری یا تاریخ باستان، سه مکتوب، رساله صد خطابه، تکوین و تشریح و هشت بهشت خود به خصوص در کتاب های آیین سکندری، نامه باستان و سه مکتوب به مدح آریایی می پردازند و سعی در باز تعریف کردن گذشته ایران با رویکرد نژادی دارد. همین سیر را در کتاب "نامه خسروان" اثر جلال الدین میرزا قاجار مشاهده می گردد. میراثداران این دو تاریخنگار اواخر قاجار در دوران نوین ایران عرب ستیزی، تائید آسیمیلاسیون گروه های غیر فارس موجود در ایران، نابودی هویت های غیر آریایی، زرتشت گرایی در برابر اسلام و توجیه فارسیزه کردن ایران را مبنای فعالیت های خود قرار دادند. اما آنچه سبب بهت و حیرت تاریخدانان بیطرف گردید نحوه ی نگارش کتاب های جلال الدین میرزا قاجار و میرزا آقاخان کرمانی بود. چرا که علیرغم این که کتاب های تاریخ این دو شخص تأثیری شگرف در تاریخنگاری مدرن ایران داشت اما از هر گونه توجیه علمی، تمسک و

متد تاریخنگاری مدرن و ارجاع به منابع تاریخی مستدل و مرسوم تهی بود و تنها در خوشبینانه ترین حالت تصورات شاعرانه ی یک فرد از گذشته ای دیرین را به تصویر می کشید. ناظم الاسلام کرمانی با نگارش کتاب تاریخ بیداری ایرانیان، حسن پیرنیا با نگارش کتاب تاریخ ایران باستان، محمدعلی فروغی با نگارش کتابهای تاریخ مختصر ایران، تاریخ ایران قدیم و تاریخ ساسانیان، سعید نفیسی با کتاب های تاریخ اجتماعی ایران از انقراض ساسانیان تا انقراض امویان، تاریخ اجتماعی دوران پیش از تاریخ و آغاز تاریخ و تاریخ تمدن ایران ساسانی و عباس اقبال آشتیانی با نگارش کتب تاریخ مفصل ایران از استیلایمغول تا اعلان مشروطیت و... از جمله تاریخنگارانی هستند که با تاسی به رویکرد برتری نژاد و مبتنی بر آریاگرایی پرداخته اند. {۹۴}

تاریخنگاری تشیعگرایی آریایی محور:

مذهب تشیع که از جمله مذاهب مهم اسلامی محسوب می شود در بطن خویش دارای آثاری در حوزه ی تاریخنگاری است که با حضور منسوبین سرویس جاسوسی انگلستان در ایران در اواخر دوره قاجار رویکردی ایران محور و باستانگرا به خود گرفت. بسیاری از روحانیون شیعه ی ایرانی در دوره ی قاجار از سوی دولت انگلستان حمایت گشته و نظریه ی ولایت فقیه که هم اکنون تئوری سیاسی حاکم بر اقتدار ایران محسوب می شود در دوره ی قاجاریه نش و نمو تئوریک به خود دید. {۹۵}

تاریخنگاری چپ آریایی محور:

متد تاریخنگاری چپ در ایران که ملهم از آثار تاریخنگاران روسی بود دیر تر از تاریخنگاری لیبرال _ سکولار آریایی محور و تشیع آریایی محور وارد ایران گشت. بدین دلیل بازخوانی تاریخدانان چپ و سوسیالیست ایرانی از تاریخ گذشته ی ایران با متد تاریخنگاری روسی با استناد به منابعی صورت گرفت که توسط دو جریان پیشین بنیان نهاده شده بود. بدین سبب چپ نوین ایران که در احزاب مختلفی چون حزب توده خویشتن را به صورت عینی به نمایش گذاشت در بسیاری از مقاطع تاریخی تندروتر از لیبرال _ سکولار سنگ آریایی پرستی به سینه زد. {۹۶}

این مسئله را در نظر بگیریم که انگلیس عامل اصلی این جریان ها در ایران بوده است و از ظهور قدرت جدید تورک در جهان در کنار حکومت عثمانی احساس خطر نمود و از طریق مختلف وارد فرهنگ و تاریخ ایران شد.

اصل حرف مان این است، تورک ها قرن ها حکومت کردند و حاصل این حکومت های باشکوه پایداری و اتحاد آن ها بوده است حال چطور اقوام تبعیدی در خراسان دارای تاریخ و فرهنگ اند در حالی خود را از اکراد میدانند ولی زبان اکراد غرب کشور را اصلاً متوجه نمی شوند، این ادعای اقوام تبعیدی تعریف ملیت و قومیت را نقض می کند، اصل یک ملیت و قومیت زبان مشترک و فرهنگ و تاریخ مشترک است. حال واقعا نمی خواهید از خواب جهل و بی هویتی بیدار شود؟ پس از این همه کم کاری برای هویت خود امروزه جان خود و عزیزانمان هم در خطر است، چند نسل دیگر باید بگذرد و فرزندانمان عذاب بکشند؟؟

حاصل این همه سال بی اعتنایی ها و پشت کردن به هویت خود، ذلت و خاری و مشکلات معیشتی است، زندگی خود را با تبدیل شدن به یک مان قورد به جهنم تبدیل نکنیم، لطفا اشتباه برداشت نکنید که باید از کار و تلاش روزانه دست کشید و فقط به هویت اهمیت داد، در کنار همه ی این ها با هویت خودت زندگی کن با هویت خودت قله های موفقیت را فتح کن با هویت خودت به دیگران خوبی کن با هویت خودت عبادت کن. روزی برسد که لوس بازی ها از بین برود و خودشیرینی ها بخاطر رسیدن به یک جایگاه اجتماعی از رفتارها محو شود، ساده زیستن با هویت خود نعمتی است که خداوند به هر انسان بخشیده است.

اگر تورک هستی، اگر گرد هستی، اگر عرب هستی، اگر بلوچ هستی انسانیت و شرف مال تو است هویت خودت را بفهم و حفظ کن و با احترام متقابل راه صلح و دوستی را ادامه بده چرا که احترام، احترام می گذارد. با مطالعه کردن منابع موثق؛ حقیقت و این مبارزه با نژادپرستی در وجودمان نهادینه می شود که دیگر هیچ گاه طعمه ی تفرقه اندازها نشویم.

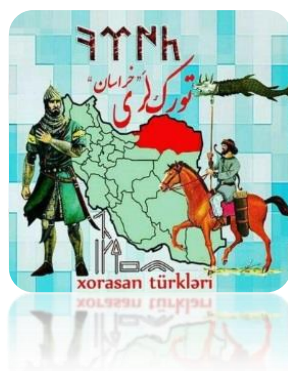
از دهه ۸۰ در ایران بیشتر مردم شهرنشین جوری به این عقیده رسیده بودن که در تاریخ باستان بیشترین حکومت از آن آریاییان بوده و در کنار این عقیده ی غلط به افراط گرایی هم دچار شدن که زمانی فلان کشورها در برابر ما فقیر بودن در عوض به این فکر نمی کنند اگر فلان کشور در یک زمانی فقیر بود چرا امروزه خودشان به این فلاکت افتاده اند، تا کی رؤیای پردازی!!؟

در همین دوره بود که در بین ترکان خراسان این حرف جا افتاد که فارسی حرف بزنییم و به بچه هامون فارسی را یاد بدهییم چون فارسی حرف زدن کلاس دارد و نصل بعدی با فارسی حرف زدن صاحب یک زندگی باکلاس شوند. خیلی صادقانه همه جواب دهییم، آیا واقعا این گونه شد؟ آیا تمام ترکان خراسان با فارسی حرف زدن به زندگی با شکوه رسیدن؟ آیا با فارسی صحبت کردن که زبانی برگرفته از دیگر زبان های عربی و تورکی است و به اندازه ی نازکی یک مو است باعث با کلاسی و زندگی خوب می شود؟ شعور داشتن و با فرهنگ بودن خود و نسل آینده به نوع نگرش و تربیت پدر و مادر بستگی دارد، وگرنه امروزه زبان محاوره ای فارسی با ۴ کلمه منظور را به طرف مقابل میرسانند و بقیه همه اش فحش و ناسزا است حالا چه دوستانه و چه از روی آگاهی دادن باشد. بالا رفتن سطح سرانه مطالعه در یک جامعه هیچ گاه نژادپرستی را در آن جامعه به وجود نمی آورد.

باید دانست که خود سانسوری و ترس و خجالت کشیدن برای فهم هویت خود ضرر دارد و یک نوع فلج بودن رفتاری است که نتیجه ای جزء کمک کردن به تخریب فرهنگ و تاریخ ما ندارد. باید پیوسته با رعایت احترام به دیگران حتی اگر کار ناخوشایندی کرده باشند برای شناخت هویت خود تلاش کنیم.

شناخت هویت خود، راهی پر نوری است در زندگی مان.

{ وطن مَز ساغ اولسون، خراسان ساغ اولسون }



نتیجه گیری:

امروزه بیشتر ترکان خراسان آسیمیله شده اند و نسبت به هویت اصلی خود یعنی تورک بودن بی اعتنا شده اند و در مقابل، گرایش بالایی به فرهنگ و تاریخ جعلی آریایی پیدا کرده اند، متأسفانه این قدر درگیر آسیمیلیسیون شده اند که حتی بی وجدانی هم شامل آن ها شده است، چون از تعصبی که شوونیسم فارس به آن ها آموزش داده است با بحث هایی که با موضوع هویت تورکی مطرح می شود مانند یک دشمن خونی با آن مخالفت می کنند و آن را رد می کنند و در کنار خودباختگی و آشفتگی فرهنگی و تاریخی خود را آریایی میدانند.

باید هر یک از ترکان خراسان یک معلم باشند تا تاریخ و فرهنگ خود را حفظ کند و جاهلان را از خواب تمام مدت در زندگی بیدار کند. لطفا توجه کنید هر تورک خراسانی که راه بیداری فرهنگی را پیش میگیرد بدون هیچ افسانه پردازی و دروغ پراکنی فقط حقیقت را همراه با منابع موثق ذکر کند و به شدت از داشتن تعصب خشک بپرهیزد.

انسان با هویت خود باید زندگی کند و با هویت خود به دیگران خوبی کند، حتما تا امروز متوجه این سردرگمی جامعه شده اید یا خودتان دچار آن شده اید، این نشانه ی نبودن یکی از اجزاء زندگی است و آن هم هویت است. هویت یک نوع پشتوانه مستحکم برای انسان است، این که انسان بفهمد اصل و نصب او چیست و در خانه ی خود و در جمع فامیل ها و همشهری هایش به زبان مادری اش صحبت می کند و از زبان فارسی به عنوان یک زبان دوم در ادارات دولتی فقط برای رفع مشکلات استفاده کند.

ترکان خراسان فقط کافی است از امروز در کنار هدفشان از تکیه گاه مستحکم خود یعنی هویت خودشان هم استفاده کنند، اتحاد برقرار کنند، آن وقت شاهد این هستیم که دیگر هیچ گاه حق آن ها در ایران ضایع نمی شود و دیگر ذلت و خاری برای آن ها معنی ای ندارد. برقراری اتحاد آن است که با مطالعه کردن و جست و جو کردن اطلاعات اصلی را بدست آورند که تورک، تورکمن، قشقایی، تورک آذربایجان، خلج، شاهسون همه ملیت تورک را در ایران اند و هم خون هستند، همه چیز با مطالعه کردن و جست و جو کردن درست می شود و با عمل کردن به حفظ هویت شکوفایی به وجود می آید.

پس بدانید که با مطالعه ی این مقاله یک گام بزرگ برداشته اید، دروغ هایی را که سالها در مغزها تون بود را دور ریخته اید. با مطالعه کردن این مقاله معلم باشید و راه بیداری فرهنگی ترکان خراسان را ادامه دهید.

"برای رسیدن به هدف بزرگ و متحول کننده در جامعه و زندگی شخصی، باید اول هویت اصلی خود را بشناسیم. شناختن هویت خود به تمام کارها و هدف های زندگی متصل است. اگر شناسید همیشه در حال در جا زدن هستید و ذلت و خاری را با اشتیاق بیشتر میزیرید."

این عمل درست مثل شناختن وجود خدا است، اگر خدا را می خواهی بشناسی خودت را بشناس.

موفق و سر بلند باشید.

بهار ۹۹

خراسان تورک لری ساغ اولسون

تات لر ساغ اولسلن

منابع:

- ۱) سیری در تاریخ زبان و لهجه های ترکی، هیئت، دکتر جواد، مقدمه پرفسور گرهارد دورفر، ص ۱۳
- ۲) تاریخ ترکهای آسیای میانه، و. بارتولد، مترجم غفار حسینی، ۱۳۷۶، ص ۱۴
- ۳) تاریخ ترکهای آسیای میانه، و. بارتولد، مترجم غفار حسینی، ۱۳۷۶، ص ۱۵
- ۴) تاریخ ترکهای آسیای میانه، و. بارتولد، مترجم غفار حسینی، ۱۳۷۶، ص ۱۶
- ۵) چهار گفتار درباره ی زبان، محمدرضا باطنی، انتشارات آگاه، ۱۳۵۶
- ۶) زبان شناسی جدید، مانفرد بی یرویش، ترجمه محمدرضا باطنی، انتشارات آگاه، ۱۳۵۵
- ۷) دیل، دیل لرو دیلجلیک، آ، دیلاچار. تورک دیل کورومویا بینلاری صایی ۲۶۳، آنکارا ۱۹۶۸
- ۸) K.Menges.«Classification Of Turkic Languages».(Philologia Turcicee Fundamenta. 1/1959)
- ۹) سیری در تاریخ زبان و لهجه های ترکی، هیئت، دکتر جواد، ص ۱۷
- ۱۰) تورک دیلی تاریخی، احمد جعفر اوغلو، استانبول ۱۹۷۵، ادبیات فاکولته سی باسیم ائوی
- ۱۱) سیری در تاریخ زبان و لهجه های ترکی، هیئت، دکتر جواد، منشأ زبان تورکی، ص ۱۹ و ۲۰
- ۱۲) پرفسور محرم ارکین، تورک دیل ییلکیسی، استانبول ۱۹۷۲
- ۱۳) تورک دیلی تاریخی، احمد جعفر اوغلو، استانبول ۱۹۷۶
- ۱۴) تورک دنیاسی، ال کتابی، آنکارا ۱۹۷۶
- ۱۵) تورک دیلی تاریخی، احمد جعفر اوغلو، استانبول ۱۹۷۲
- ۱۶) سیری در تاریخ زبان و لهجه های ترکی، هیئت، دکتر جواد، ص ۳۲
- ۱۷) Philologiae Turcicae Fundamenta. Wiesbaden.1959
- ۱۸) فرهنگ جغرافیای ایران زمین، ستاد ارتش، رزم آرا، تاریخ زبان و لهجه های تورکی، دکتر جواد هیئت، ۱۳۶۵
- ۱۹) گروه دورفر در شمال خراسان از گفتگوهای ۵۰ مرکز نمونه هایی در ۴۰ نوار ضبط نموده و مورد بررسی قرار داده است
- ۲۰) تاریخ دیرین ترکان ایران، پرفسور محمدتقی زهتابی، ج ۱، ص ۲۲۴
- ۲۱) شهرمن بیجین یورد، رضا تأثیری، ج ۱، ص ۴۹
- ۲۲) تاریخ مختصر ترک، پرفسور جواد هیئت، ج ۱، ص ۱۳
- ۲۳) همان، ج ۱، ص ۱۴

۲۴) همان، ج ۱، ص ۱۶

۲۵) تاریخ تمدن، ویل دورانت، ج ۱، ص ۱۱۵

۲۶) تحقیق میدانی / فرهنگ جغرافیای ملی ترکان ایران، ژنرال محمود پناهیان، ج ۴، ص ۸۷ تا ۲۵۸

۲۷) تحقیق میدانی / فرهنگ جغرافیای ملی ترکان ایران، ژنرال محمود پناهیان، ج ۴، ص ۸۷ تا ۲۵۸

۲۸) تحقیق میدانی / فرهنگ جغرافیای ملی ترکان ایران، ژنرال محمود پناهیان، ج ۴، ص ۸۷ تا ۲۵۸

۲۹) شهر من بیچین یورد، رضا تأثیری، ج ۱، ص ۷۲

۳۰) ایلات و طوایف درگز، چاپ دوم، سیدعلی میرنیا، ص ۳۶

۳۱) بدرالدین، ۲۰، ابوالغازی، ۲۷

۳۲) رشیدالدین ۱/۴۰

۳۳) ابن نغزی بردی، ۴۸، ۱۴؛ مقریزی، ۴ (۱) / ۸۶، جم، قلقشندی، ۷/۲۸۲

۳۴) فیلد، ۴۹

۳۵) اروج بیک، ۶۷

۳۶) ابوالحسن مستوفی، ۱۵۷ و ۱۵۶

۳۷) ۱/۵۶، نیزنک: بدرالدین، این نغزی بردی، همانجا، مقریزی ۴ (۱) / ۸۶، نیزنک: رشیدالدین، ۱/۳۵

۳۶ _ استرآبادی، ۲۶، شیروانی، ۱۰۶

۳۸) رشیدالدین ۱/۴۰

۳۹) ابوالغازی، ۲۸

۴۰) لاکهارت، نادرشاه، ۱۷

۴۱) نک: رشیدالدین ۱/۳۵

۴۲) نک، رشیدالدین ۱/۳۷

۴۳) نیزنک: رشیدالدین، ۱/۴۰، بدرالدین، ۲۰

- (۴۴) نیزنگ: رشیدالدین ۱/۳۷ _ ۴۰
- (۴۵) همون ۱/۳۷ _ ۳۸
- (۴۶) همون ۱/۴۰
- (۴۷) پورکریم، ۶۴ _ ۶۳
- (۴۸) تاریخ ایل افشار {انور چنگیز اوغلو}، تاریخ افشار {میرزا رشید ادیب الشعرا}
- (۴۹) کتاب آغوزها، فاروق سومر، مترجم: آنا دردی عنصری، ج ۱ سال ۱۳۸۷
- (۵۰) کتاب ایل ها و طایفه های عشایری خراسان، مؤلف سید علی میرنیا، ج ۱، ص ۴۴
- (۵۱) رشیدالدین فضل الله، جامع التواریخ، ج ۱، ص ۴۷
- (۵۲) میرخواند، محمد، روضه الصفا، ج ۱، ص ۷۰ و ۶۶ و ۶۷
- (۵۳) حسین کاظم قدری، تورک لغتی، ذیل واژه تاقار، ج ۱۲، استانبول ۱۹۲۸
- (۵۴) یزدی، شرف الدین علی، ظفرنامه، ج ۱، ص ۵۳ و ۵۲ به کوشش عصام الدین اورونبایف، تاشکند، ۱۹۷۲م
- (۵۵) پیرنیا، حسن، ایران باستان، ج ۱، ص ۹
- (۵۶) تاج بخش، احمد، نژاد و تبعیض نژادی، ج ۱، ص ۱۸۴
- (۵۷) د. ا. ترک، ج ۱۲، بخش ۲، ص ۱۴۴
- (۵۸) لغت نامه دهخدا
- (۵۹) ایلات و طایفه های خراسان، سیدعلی میرنیا
- (۶۰) سیری در تاریخ زبان و لهجه های ترکی، هیئت، دکتر جواد
- (۶۱) محمد حسن خان اعتماد السلطنه، درر التیجان فی تاریخ بنی اشکان ۳ جلد، تهران ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۷۷
- (۶۲) اعتماد السلطنه، همان، ج ۳، ص ۱۴۴
- (۶۳) حسن پیرنیا، تاریخ باستان ایران، تهران ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۲۲۶

- ۶۴) پرفسور محمدتقی زهتابی، ایران تورکلری نین اسکی تاریخی، تبریز ۱۳۷۶
- ۶۵) مجله بررسی های تاریخی ایران، مقاله حسن شهیدی مازندرانی، شماره ۱، ص ۱۶ و ۱۵
- ۶۶) شاهنشاهی اشکانی، یوزف ولسکی، ص ۲۱۹
- ۶۷) پرفسور اقرار علیف، ماد، ترجمه مرتضی ثاقبفر، تهران ۱۳۸۳
- ۶۸) پرفسور اقرار علیف، ماد، ترجمه مرتضی ثاقبفر، تهران، انتشارات ققنوس ۱۳۸۳
- ۶۹) شاهنامه فردوسی، ج ۱، ص ۲۱
- ۷۰) همان
- ۷۱) شاهنامه فردوسی، ج ۱، ص ۳۰
- ۷۲) شاهنامه فردوسی، ج ۱، ص ۳۴
- ۷۳) شاهنامه فردوسی، ج ۱، ص ۳۷ و ۳۸
- ۷۴) وارلیق، سایب ۸۸ _ ۱، بهار ۱۳۷۳، ص ۱۰۵ و ۱۰۴
- ۷۵) فریدون ابراهیمی، ص ۲۱ / تاریخ دیرین ترکان ایران، پرفسور محمدتقی زهتابی، ص ۲۱
- ۷۶) تاریخ ماد، دیاکونوف، ص ۳۵۴
- ۷۷) دورانت، ویل، تاریخ تمدن، مشرق زمین گهواره تمدن، تهران ۱۳۶۵، ص ۱۴۱
- ۷۸) تاریخ دیرین ترکان ایران، علم تاریخ، پرفسور محمدتقی زهتابی، ج ۱، ص ۱۴
- ۷۹) کتاب گوئن وار عصره برابر { KUH Bapecpa bábabá p }، چنگیز آتیماتف
- ۸۰) جلال قلی زاده مزرجی، آشنایی با زبان ترکی خراسانی، ج ۱، ص ۷۳-۷۱
- ۸۱) نقدی بر کتاب زبان آذری، دکتر جواد هیئت
- ۸۲) نقدی بر کتاب زبان آذری، دکتر جواد هیئت
- ۸۳) تاریخ دیرین ترکان ایران، پرفسور محمدتقی زهتابی، ج ۱، ص ۲۶۴

- ۸۴) تاریخ اجتماعی ایران، مرتضی راوندی صفحه ۶۱۶ و ۶۱۱
- ۸۵) کتاب ایل ها و طایفه های عشایری خراسان، مؤلف سید علی میرنیا، ج ۱، ص ۱۵
- ۸۶) اسکندر بیگ، عالم آرای عباسی، شاهرودی، تهران ۱۳۶۴
- ۸۷) جابانی، محمد، سرزمین و مردم قوچان، اطلس، مشهد ۱۳۶۳
- ۸۸) قاسمی، ابوالفضل، خاوران... تهران، مؤلف ۱۳۴۹
- ۸۹) تورکی خراسان و قواعد آن، اسماعیل سالاریان، ج ۱، ص ۵۵
- ۹۰) شکورزاده، ابراهیم، عقاید و رسوم مردم خراسان، سروش، چاپ دوم، تهران ۱۳۶۳
- ۹۱) تحقیقات سازمان یونسکو در مورد زبان های دنیا، هفته نامه امید زنجان چهارشنبه ۲۰ خرداد ۷۸ شماره ۲۸۶، ص ۳
- ۹۲) غیاق اللغات، ص ۶۳۳
- ۹۳) کتاب پانفارسیسم و تمسخر منطق تاریخ، بابک شاهد، ج ۱، ص ۳۳
- ۹۴) کتاب پانفارسیسم و تمسخر منطق تاریخ، بابک شاهد، ج ۱، ص ۳۵
- ۹۵) کتاب پانفارسیسم و تمسخر منطق تاریخ، بابک شاهد، ج ۱، ص ۴۲
- ۹۶) کتاب پانفارسیسم و تمسخر منطق تاریخ، بابک شاهد، ج ۱، ص ۴۵
- ۹۷) آبادیان حسین، (۱۳۸۷ هـ. شمسی)، روایت و فراروایت در اندیشه ی جلال الدین میرزا قاجار، مجله فرهنگ، شماره ۶۸، ص ۱۳، تهران
- ۹۸) بیگدلی، محمدرضا، ایل سون ها {شاهسون} های ایران، تهران ۱۳۷۴، ص ۱۶۶
- ۹۹) تاریخ قوم بیات، اثر نادر بیات
- ۱۰۰) قاسمی، عبدالله {بیلماز}، تورک ها در خطه خراسان، انتشارات یاس بخشایش، قم ۱۳۹۵، ص ۳۰ و ۱۸
- ۱۰۱) کاشغری، محمود، دیوان اللغات التترک، ص ۲۸

۱۰۲) سایکس، سرپرسی (۱۳۸۰) تاریخ ایران، ترجمه سید محمد تقی فخر داعی گیلانی، تهران، افسون، ج ۲،

۱۰۳) استرآبادی، محمد مهدی، جهانگشای نادری، تصحیح دکتر میترا مهرآبادی، تهران، دنیای کتاب، ج ۲

۱۰۴) شیروانی، عبدالرحمن، مظهر ترکی، تصحیح فرهاد رحیمی، تهران، اندیشه نو، ج ۱

۱۰۵) اوغوزها، فاروق سومر

۱۰۶) مروی، محمد کاظم، عالم آرای نادری، تصحیح محمد امین ریاحی، تهران، نشر نی، ج ۲

۱۰۷) کثرت قومی و هویت ملی ایرانیان، دکتر ضیاء صدر، تهران، ۱۳۷۷